

@shenakhte_rahbari



وظایف در شرایط فتنه

(۲۲۰ وظیفه‌ی تصریحی، ۸۷ وظیفه‌ی استنباطی)

در رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

- سرشناسه : خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -
 عنوان و نام پدیدآور : وظایف در شرایط فتنه: ۲۲۰ وظیفه تصریحی، ۸۷ وظیفه‌ی استنباطی در رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی /
 موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
 مشخصات نشر : تهران : قدر ولایت، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری : ۲۱۶ص.
 شابک : ۲۵۰۰۰ریال: 0-205-495-964-978
 فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : نمایه.
 موضوع : خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ --- نظریه درباره فتنه و فتنه‌انگیزی.
 موضوع : خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۱۸ -- پیامها و سخنرانیها
 موضوع : فتنه و فتنه‌انگیزی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
 شناسه افزوده : موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
 رده بندی کنگره : ۱۳۸۹ ۶و۳/ف/۱۶۹۲ DSR
 رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۴
 کتابشناسی ملی : ۲۱۹۷۰۶۳
 تاریخ درخواست : ۲۲/۰۹/۱۳۸۹
 تاریخ پاسخگویی : ۰۶/۱۰/۱۳۸۹
 کد پیگیری : 2195544



وظایف در شرایط فتنه

موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

تدوین و تنظیم : موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
ناشر: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹
شمارگان: ۳۰۰ جلد
حروفچینی: ظریفیان
لیتوگرافی: نیما
چاپخانه: آفرنگ
صحافی: توسعه نوین
قیمت: ۲۵۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۲۰۵-۰-۰ ISBN: 978-964-495-205-0
تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸ - ۶۶۴۱۱۱۵۱ www.ghadr110.ir
کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است

فهرست مطالب

مقدمه	۹
فصل اول: وظایف خواص و نخبگان	۱۱
بر خودتان مسلط باشید، دستهای دشمن را ببینید	۱۳
قانون فصل الخطاب است	۱۵
راه محبت و صفا باز است	۱۸
نباید ملت را تقسیم و دو شقه کرد	۱۹
بی قانونی به مراتب تلخ تر از تحمل قانون است	۲۰
نخبگان و خواص سیاسی مراقب کار و حرف زدن خود باشند	۲۱
همدلی و ابراز اعتماد به کشور	۲۲
ایجاد ناامنی، بزرگترین گناه است	۲۲
شاخص، عقلی است که انسان را به عبودیت دعوت می کند	۲۴
به خودمان مراجعه کنیم، خودمان را فریب ندهیم	۲۵
ترس، فهم انسان را مختل و موجب اشتباه می شود	۲۶
فهم توطئه های دشمن و کامل نکردن پازل او	۳۱
خواص مرزشان را مشخص کنند و دو پهلو حرف نزنند	۴۰
حمایت سران استکبار و آدمهای فاسد، باید خواص را متنبه کند	۴۴
فصل دوم: وظایف شعرا و هنرمندان	۴۹
باید حقیقت را فهمید و آن را تبلیغ کرد	۵۱

۵۷	فصل سوم: وظایف دانشگاهها و دانشجویان
۵۹	دانشگاه و دانشجویان باید به هوش باشند
۶۲	شما افسران جوان جبهه‌ی مقابله با جنگ نرم هستید
۶۸	دشمن و هدفهای او را درست شناسایی کنید
۷۴	جوگیر نشوید، منطقی فکر کنید
۷۶	پیشرفت علمی کشور متوقف نشود
۷۹	حفظ آرامش
۸۰	ممانعت از اغراض سیاسی جریانها در دانشگاهها
۸۴	بصیرت شرط لازم است ولی کافی نیست
۱۰۱	فصل چهارم: وظایف طلاب و روحانیون و مبلغان
۱۰۳	فضای فتنه را با روشنگری شفاف کنید
۱۰۹	به طور دائم و به روز پاسخ شبهه‌ها را بدهید
۱۱۰	نظریه‌پردازی در همه‌ی جریانهای اداره‌ی کشور و ملت
۱۱۴	پاسخ منطقی و نو به نیازهای نو در جهان
۱۱۶	پرهیز از افراط و تفریط، عصبانی نشدن و در صحنه ماندن
۱۱۹	فصل پنجم: وظایف بسیج و بسیجیان
۱۲۱	تنوع عرصه‌های حضور بسیج
۱۲۷	باید حق را شناخت و شخصیتها را با آن سنجید
۱۳۵	فصل ششم: وظایف مردم
۱۳۷	شناخت دوست و دشمن و مخلوط نکردن آنها باهم
۱۳۸	در اصول همدل باشیم و یکدیگر را تحمل کنیم
۱۴۰	بی‌انصافی و بی‌عدالتی را کنار بگذارید، برادر و همکار باشید
۱۴۱	پایبندی به اصول
۱۴۲	در بهترین شرایط هم، دشمن در کمین است

۱۴۵	مسئولین را موعظه، نصیحت و پیغام بدهید تا منحرف نشوند
۱۴۸	سکوت کردن و حرف نزدن، کمک به فتنه است
۱۵۰	به بصیرت اهمیت بدهید و آن را افزایش دهید
۱۵۲	نگذارید حق و باطل مشتبه شوند
۱۵۴	وفاداری، اعتماد، حضور و پشتیبانی مردم از مسئولین
۱۵۸	جدی گرفتن وحدت ملی و همبستگی با سه قوه
۱۶۱	فصل هفتم: وظایف مسئولان
۱۶۳	کشور را در شرایط فتنه مدیریت کنید
۱۶۵	تیترا فرعی
۱۶۷	فصل هشتم: وظایف مطبوعات
۱۶۹	مسائل را باید اصلی فرعی کرد و مسائل اصلی را بیشتر اهمیت داد
۱۷۱	مجموعه وظایف تصریحی و استنباطی
۱۹۷	جملات قصار
۲۰۳	نمایه

@shenakhte_rahbari

مقدمه

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم، در اهمیت و بزرگی و خسارت فتنه می‌فرماید:
الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ: فتنه بزرگتر از قتل است.^(۱)

معنا و مصداقهای فتنه بخوبی نشان می‌دهند که حقیقتاً فتنه از هر جهت، بزرگتر و مهمتر از قتل است و لذا مسلمانان و مؤمنان در قبال آن، بایستی با هوشیاری بیشتر عمل نمایند.

معنایی که در این آیه از فتنه مورد نظر است به معنای گول زدن، فریب دادن، حق را بر انسان مشتبه کردن، باطل را به صورت حق جلوه دادن است و در چنین مواردی عمدتاً منافقین مورد نظرند که دست به فتنه‌انگیزی می‌زنند.

علی علیه السلام در بیان رسایی، فتنه را اینگونه تبیین می‌فرماید:
اگر باطل با حق مخلوط نمی‌شد، بر طالبان حق پوشیده نمی‌ماند. و اگر حق، از باطل جدا و خالص می‌گشت، زبان دشمنان قطع می‌گردید. اما قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند. آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می‌گردد و تنها آنها که مشمول رحمت پروردگارند نجات می‌یابند.^(۲)

پوشاندن لباس حق بر باطل و باطل جلوه دادن حق، همان فضای غبارآلودی است که دشمنان اسلام و منافقین جامعه اسلامی بوجود می‌آورند تا مردم را از دین ناب و رهبری الهی جدا کنند و شکار دنیای خود سازند.

آیت‌الله شهید دستغیب در کتاب گناهان کبیره به موارد مهمی از فتنه‌انگیزی اشاره می‌کنند از جمله جدایی انداختن و ایجاد اختلاف بین جمعی که باهم یکدست و یک جهت متوجه خدا و یاد پیغمبر و امام هستند، ایشان هم‌چنین جاسوسی کردن برای حکام و ظلمه

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۷.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۵۰.

را از مصادیق فتنه و فتنه‌انگیزی دانسته‌اند.^(۱)

وقتی عمروعاص دستور می‌دهد قرآن‌ها را بر نیزه کنند، امر را بر یاران امام علی علیه السلام، که تاخیمه‌گاه معاویه پیش تاخته بودند، مشتبه می‌سازد و سرنوشت یک امت را برای تاریخی طولانی جابه‌جا می‌کند؛ یا آن‌گاه که طلحه و زبیر، صحابیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در گرداگرد عایشه جمع شده و جنگ جمل را بر علیه امام علی علیه السلام سامان می‌دهند، و شقاق بین امت را طراحی می‌کنند؛ این خسارت را با چه چیزی می‌توان مقایسه کرد؟ بزرگتر از این فاجعه و خسارت و حسرت چه رویدادی را می‌توان شناخت؟ اینجاست که خداوند با همه رحمانیت و رحیمیت خود با وجود اینکه رحمت را بر خود مقرر داشته است، در دو جای قرآن کریم دستور می‌دهد: مقاتله و مبارزه کنید با فتنه‌انگیزان تا فتنه نباشد و دین تماماً و فقط برای خدا باشد.^(۲)

بنابراین ناخالصی در دین، تعبیر و تأویل و تفسیرهای آلوده به هوا و هوس و مطامع دنیوی و شهوات، بزرگترین سدّ و مانع در راه عبودیت مردم و اخلاص آنان در مسیر کمال و رسیدن به جنّات خداوند است و لذا بایستی دستهای فتنه‌گر قطع شوند، شناخت فتنه‌گران و راههای ایجاد فتنه و نحوه برخورد با آنان، بصیرتی است که لازمه مبارزه با این گروه‌هاست. در این کتاب با مجموعه‌ای از این وظایف - که بصیرت نافذ است - از زبان ولیّ امر مسلمین جهان، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای آشنا می‌شویم که با توجه به فتنه سال ۸۸ ایراد شده‌اند و برای قشرهای مختلف آنچه را لازمه حضور موفق و الهی در آزمونها در شرایط فتنه است بیان فرموده‌اند. مواردی که در بیانات صراحتاً مطرح شده‌اند به عنوان «وظایف تصریحی» در ذیل بیانات آورده شده و آنچه از آن بیان می‌توان استنباط و استنتاج کرد تحت عنوان «وظایف استنباطی»، ذکر شده‌اند، مخاطبان می‌توانند خود با توجه به سایر بیانات رهبری و مصداق‌های طول انقلاب بر این وظایف استنباطی بیافزایند و کامل نمایند. در پایان برای سهولت دسترسی مخاطبان، جملات برگزیده از مجموعه بیانات رهبری و نیز جمع‌بندی کلّ وظایف تصریحی و استنباطی خطاب به هر قشر آمده است. والعاقبة للمتقين

مؤسسه فرهنگی هنری قدر و ولایت

۱- گناهان کبیره، ص ۵۱۷ و ۵۲۰.

۲- سوره بقره، آیه ۱۹۳ و سوره انفال، آیه ۳۹.

فصل اوّل

وظایف خواص و نخبگان

بر خودتان مسلط باشید، دستهای دشمن را ببینید

«اما خطاب دوم من، خطاب به سیاسیون و نامزدها و گردانندگان احزاب و جریانات است. من می‌خواهم عرض کنم به این حضرات، که امروز یک لحظه‌ی حساس تاریخی برای کشور است؛ نگاه کنید به وضع دنیا، نگاه کنید به وضع خاورمیانه، نگاه کنید به وضع اقتصادی عالم، نگاه کنید به مسائل کشورهای همسایه‌ی ما مثل عراق، مثل افغانستان، مثل پاکستان. ما در نقطه‌ی حساسی از تاریخ قرار گرفته‌ایم. همه‌ی ما وظیفه داریم که در این مرحله‌ی تاریخی هوشیار باشیم، دقیق باشیم، مواظب باشیم اشتباه نکنیم. در این قضیه‌ی انتخابات، مردم حقاً و انصافاً به وظیفه‌ی خودشان عمل کردند. وظیفه‌شان این بود که بیایند پای صندوقهای رأی، که به بهترین وجهی این وظیفه اداء شد؛ اما ما و شما و وظائف سنگین‌تری داریم. آن کسانی که به یک نحوی یک نوع مرجعیتی در افکار مردم دارند؛ از این سیاسیون و رؤسای احزاب و کارگردانان جریانات سیاسی، و یک عده‌ای از اینها حرف‌شوی دارند، اینها خیلی باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خیلی باید مراقب گفتار خودشان باشند. اگر آنها کمی افراطی‌گری کنند، دامنه‌ی این افراطی‌گری

در بدنه‌ی مردم به جاهای بسیار حساس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمی‌توانند آن را جمع کنند، که ما نمونه‌هایش را دیده‌ایم. افراط وقتی در جامعه به وجود آمد، هر حرکت افراطی به افراطی‌گری دیگران دامن می‌زند. اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسؤول خونها و خشونت‌ها و هرج و مرج‌ها، آنهایند. من به همه‌ی این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه می‌کنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعه‌ی صدر داشته باشید؛ دستهای دشمن را ببینید؛ گرگهای گرسنه‌ی کمین کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره‌هایشان برمی‌دارند و چهره‌ی حقیقی خودشان را نشان می‌دهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید»^(۱).

وظایف تصریحی:

- ۱- درک شرایط حساس کشور و منطقه.
- ۲- هوشیاری و دقت و مواظبت در رفتار و گفتار و پرهیز از اشتباه در شرایط حساس کشور.
- ۳- توجه به سنگین‌تر بودن وظایف سیاسیون و گردانندگان احزاب نسبت به مردم عادی در شرایط فتنه.
- ۴- پرهیز از افراطی‌گری.

۱- خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۳/۲۹.

- ۵- توجه به این واقعیت که افراطی‌گری خواص و نخبگان در بدنه‌ی مردم به جاهای بسیار حساس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمی‌توانند آن را جمع کنند.
- ۶- توجه به این نکته که هر حرکت افراطی به افراطی‌گری دیگران دامن می‌زند.
- ۷- مسط بودن بر خود.
- ۸- سعه‌ی صدر داشتن.
- ۹- دیدن دست‌های دشمن در حوادث.

وظایف استنباطی:

- ۱- خواص و نخبگان نباید موقعیت و زمینه‌های سوء استفاده دشمن را فراهم کنند.
- ۲- خواص و نخبگان بایستی عاقبت حرکات خود را محاسبه کنند تا به جای اصلاح، به دشمن فرصت ضربه زدن ندهند.

قانون فصل الخطاب است

«من به این برادران عرض می‌کنم، به مسؤولیت پیش خدای متعال فکر کنید: پیش خدا مسؤولید، از شما سؤال خواهد شد. آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید؛ قانون، فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید. انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه‌ی اختلافها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوقهای رأی

معلوم بشود که مردم چی می خواهند، چی نمی خواهند؛ نه در کف خیابانها. اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتی آنهايي که رأی نیاوردند، اردوکشی خیابانی بکنند، طرفدارانشان را بکشند به خیابان؛ بعد آنهايي که رأی آورده اند هم، در جواب آنها، اردوکشی کنند، بکشند به خیابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصیر مردم چیست؟ این مردمی که خیابان، محل کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگی آنهاست، اینها چه گناهی کردند؟ که ما می خواهیم طرفدارهای خودمان را به رخ آنها بکشیم؛ آن طرف یک جور، این طرف یک جور. برای نفوذی تروریست - آن کسی که می خواهد ضربه ی تروریستی بزند - مسأله ی او مسأله ی سیاسی نیست؛ برای او چه چیزی بهتر از پنهان شدن در میان این مردم؛ مردمی که می خواهند راهپیمایی کنند یا تجمع کنند. اگر این تجمعات پوششی برای او درست کند، آن وقت مسؤولیتش با کیست؟ الان همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنشهایی که به اینها نشان داده خواهد شد - تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند - که بالاخره واکنشی به وجود خواهد آورد، واکنش احساسی خواهد بود. محاسبه ی این واکنشها با کیست؟ انسان دلش خون می شود از بعضی از این قضایا؛ بروند توی کوی دانشگاه، جوانها را، دانشجوها را - آن هم دانشجوهای مؤمن و حزب اللهی را، نه آن شلوغ کن ها را - مورد تهاجم قرار بدهند، آن وقت شعار رهبری هم بدهند! دل انسان خون می شود از این حوادث. زور آزمایی خیابانی بعد از

انتخابات کار درستی نیست، بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردم‌سالاری است.

من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آن وقت مسؤلیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده آنهاست»^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- حل و فصل انتخابات سر صندوق رأی انجام شود.
- ۲- پرهیز از اردوکشی خیابانی و فراهم آوردن زمینه نفوذ تروریست‌ها.
- ۳- توجه به این واقعیت که زور آزمائی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست، بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردم‌سالاری است.
- ۴- قانون را فصل الخطاب بدانند و به آن تن دردهند.

وظایف استنباطی:

- ۱- عدم تمکین به قانون، هرج و مرج و اغتشاش بوجود می‌آورد، باید از بی‌قانونی پرهیز کرد.
- ۲- خواص و نخبگان مدعی خط امام، بایستی قانون را به عنوان

۱- خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۳/۲۹.

فصل الخطاب بپذیرند وگرنه ادعای خط امامی آنان، فریبکاری و پوشش انحراف است.

راه محبت و صفا باز است

«من از همه‌ی این دوستان، این برادران، می‌خواهم بنا را بر برادری بگذارید، بنا را بر تفاهم بگذارید، قانون را رعایت کنید. راه قانون باز است. راه محبت و صفا باز است، از این راه بروید. و امیدوارم خدای متعال توفیق بدهد که همه از این راه بروند. خب، همه پیشرفت کشور را می‌خواهند. جشن پیروزی چهل میلیونی را این برادران گرامی بدارند و نگذارند دشمن این جشن را خراب کند؛ همچنانی که دشمن می‌خواهد خراب کند. البته اگر کسانی بخواهند راه دیگری را انتخاب بکنند، آن وقت بنده دوباره خواهم آمد و با مردم صریح‌تر از این صحبت خواهم کرد.»^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- بنا را بر تفاهم گذاشتن.
- ۲- قانون را رعایت کردن.
- ۳- رویه محبت و صفا را در پیش گرفتن.

۱- خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۳/۲۹.

وظایف استنباطی:

- ۱- با بی قانونی، ایجاد اختلاف، کدورت و دشمنی نکنید.
- ۲- با دشمن در زیر سؤال بردن جشن بزرگ بالاترین حد نصاب شرکت مردم در انتخابات، همراهی نکنید.

نباید ملت را تقسیم و دو شقه کرد

«در همین قضایای اخیر هم ما عرض کردیم، بنده مخالفم که مردم کشورمان را، مردم عزیزمان را به دو بخش تقسیم کنیم؛ یک عده‌ای را مقابل یک عده‌ی دیگر قرار بدهیم. قضیه اینجوری نیست. در خیلی از مسائل، مردم سلیقه‌هایشان، نگاه‌هایشان، نظرهایشان یکی نیست، اما این به معنای اصطکاک و تزاخم و تعارض و دست به یقه شدن نیست. ما نباید مردمان را وادار کنیم که باهم دست به یقه بشوند. من به هر دو طرف نصیحت می‌کنم: احساسات جوانها را تحریک نکنند، مردم را مقابل هم قرار ندهند، ملت یکپارچه‌ای است، ایمان واحدی دارد، قلباً هم با نظام خود روابط حسنه‌ای دارد؛ نشانه‌ی این روابط حسنه، همین حضور در پای صندوقهاست. اگر امیدوار نبودند، اگر حسن ظن نداشتند، اگر اعتماد نداشتند، نمی‌آمدند پای صندوقها. پس این ملت با نظام خود هیچ مشکلی ندارد. نباید این ملت یکپارچه را دو شقه کرد، تقسیم کرد، یک گروه را بر علیه آن گروه دیگر، آن گروه را بر علیه این گروه دیگر تحریک کرد.»^(۱)

۱- دیدار رئیس و مسؤولان قوه قضائیه، ۱۳۸۸/۴/۷.

وظایف تصریحی:

- ۱- احساسات جوان‌ها را تحریک نکنید.
- ۲- مردم را مقابل هم قرار ندهید.
- ۳- ملت یکپارچه را دو شقه و علیه یکدیگر تحریک نکنید.

وظیفه استنباطی:

- ۱- اختلاف سلیقه و نظر مردم را، به مقابل هم قرار گرفتن و دست به یقه شدن آنان تبدیل نکنید.

بی‌قانونی به مراتب تلخ‌تر از تحمل قانون است

«برای حل و فصل قضایا، معیار قانونی وجود دارد. اگر قانون حاکم نشد، آن چیزی که از بی‌قانونی بر سر همه خواهد آمد، بسیار تلخ‌تر است از آنچه که اجرای قانون ممکن است در کام بعضی تلخی به وجود بیاورد؛ «و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق». عدل همان رعایت قانون است. اگر ما از رعایت قانون احساس ضیق کردیم، نخواستیم به قانون تن بدهیم، آنچه که بر سر ما از بی‌قانونی خواهد آمد، بمراتب از این تلخی تحمل قانون، سخت‌تر است، این را باید همه توجه کنند»^(۱)

۱- در دیدار رئیس و مسؤلان قوه قضائیه، ۱۳۸۸/۴/۷.

وظایف تصریحی:

- ۱- توجه به این نکته که برای حل و فصل قضایا، معیار قانونی وجود دارد.
- ۲- توجه به این واقعیت که اگر به قانون تن ندهید تلخی سخت تری را از بی قانونی باید تحمل کنید.

نخبگان و خواص سیاسی مراقب کار و حرف زدن خود باشند

«مردم ما به توفیق الهی، به هدایت الهی، به دستگیری الهی، مردم مؤمنی هستند؛ هم آگاهند، هم مؤمنند، هم حاضر در صحنه‌اند، پا به رکابند در هر جایی که لازم باشد. ماها باید خودمان را اصلاح کنیم. نخبگان و خواص سیاسی بایستی مراقب کار خودشان، حرف زدن خودشان باشند؛ این خطاب به همه‌ی نخبگان است، خطاب به یک طرف خاصی، جناح خاصی نیست. همه باید مراقب باشند. همه بدانند این ملت، یک ملت یکپارچه است. احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کنند، آن یکی بیاید احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کند، اینها راه به جایی نمی‌برد.»^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- مراقبت در رفتار و گفتار.
- ۲- تحریک نکردن احساسات مردم علیه یکدیگر.

وظیفه استنباطی:

۱- نخبگان و خواص بیش از مردم نیاز به اصلاح و مراقبت از خود دارند.

همدلی و ابراز اعتماد به کشور

«وقتی شما متحد بودید، وقتی شما همدل بودید، وقتی شما احساس و ابراز اعتماد به کشورتان و نظامتان کردید، آن وقت این وسوسه‌های خناسان بین‌المللی این سیاستمداران ظالم، مداخله‌گر، دور از انسانیت، دیگر اثری نخواهد کرد».^(۱)

وظیفه تصریحی:

۱- اتحاد و همدلی و احساس و ابراز اعتماد به کشور و نظام.

وظیفه استنباطی:

۱- نخبگان و خواص با ابراز عدم اعتماد به کشور و نظام، زمینه مداخله ستمگران ظالم بین‌المللی را فراهم نکنند.

ایجاد ناامنی، بزرگترین گناه است

«هرکسی امروز جامعه را به سمت اغتشاش و ناامنی سوق بدهد، از نظر عامه‌ی ملت ایران انسان منفوری است؛ هر که می‌خواهد باشد. هر هدفی

را که این ملت بخواهد به آن برسد، در سایه‌ی آرامش و امنیت خواهد رسید. وقتی امنیت بود، تحصیل هم هست، علم هم هست، پیشرفت هم هست، صنعت هم هست، ثروت هم هست، آسایش گوناگون هم هست، عبادت هم هست؛ دنیا و آخرت در سایه‌ی امنیت وجود دارد. وقتی ناامنی ایجاد شد، همه‌ی اینها مخدوش می‌شود. به هم زدن امنیت یک ملت بزرگترین گناهی است که ممکن است کسی مرتکب بشود. این را البته آن کسی که مأمور است، مزدور است، او که حرف گوش نمی‌کند؛ خطاب ما به او نیست؛ خطاب ما به نخبگان است. آحاد ملت هم هوشیارند؛ نخبگان ما هوشیار باشند.

نخبگان بدانند هر حرفی، هر اقدامی، هر تحلیلی که به آنها کمک بکند، این حرکت در مسیر خلاف ملت است. همه‌ی ما خیلی باید مراقب باشیم؛ خیلی باید مراقب باشیم: مراقب حرف زدن، مراقب موضع‌گیری کردن، مراقب گفتن‌ها، مراقب نگفتن‌ها. یک چیزهایی را باید گفت؛ اگر نگفتیم، به آن وظیفه عمل نکرده‌ایم. یک چیزهایی را باید بر زبان نیاورد، باید نگفت؛ اگر گفتیم، برخلاف وظیفه عمل کرده‌ایم.^(۱)

وظایف تصریحی:

۱- توجه به این نکته که هر کسی جامعه را به سمت اغتشاش و ناامنی سوق بدهد، در نظر ملت منفور است.

۱- خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۳/۲۹.

- ۲- توجه به این نکته که ناامنی، تمامی امور را در مملکت مخدوش می‌کند.
- ۳- هوشیار باشند.
- ۴- از نخبگان حرف یا اقدام یا تحلیلی که به دشمنان کمک کند نباید صادر بشود.
- ۵- مراقبت از حرفزدن و موضع‌گیری کردن.
- ۶- مراقب این که چه باید گفت و چه نباید گفت باشند.

وظایف استنباطی:

- ۱- مهمترین وظیفه نخبگان و خواص، حفظ امنیت کشور است، همچنان که بهم زدن آن، بزرگترین گناه است.
- ۲- نخبگان و خواص با سکوت بی‌موقع و حرف زدن نابهنگام، با گفتن چیزهایی که نباید گفت و نگفتن چیزهایی که باید گفت به غبارآلودگی فضا کمک نکنند.

شاخص، عقلی است که انسان را به عبودیت دعوت می‌کند «نخبگان سر جلسه امتحانند؛ امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما یک سال عقب بیفتیم؛ سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم، راهش این است که خرد را، که انسان را به عبودیت دعوت می‌کند، معیار و ملاک قرار بدهیم؛ شاخص قرار بدهیم.

عقل، این سیاسی‌بازی‌ها و سیاسی‌کاری‌های متعارف نیست؛ اینها خلاف عقل است. «العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان»؛ عقل این است که انسان را به راه راست هدایت می‌کند. اشتباه می‌کنند آن کسانی که خیال می‌کنند با سیاسی‌کاری، عقلانی عمل می‌کنند؛ نه، عقل آن چیزی است که راه عبادت خدا را هموار می‌کند.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- معیار و ملاک و شاخص قرار دادن عقل و خرد در انتخاب راه.
- ۲- پرهیز از سیاسی‌بازی‌ها و سیاسی‌کاری‌های متعارف در موضع‌گیری‌ها.

وظیفه استنباطی:

- ۱- هموار کردن راه عبادت خدا، عقل‌گرایی است، هر کاری و گفتاری که برخلاف بندگی خدا باشد، بی‌خردی است و سیاسی‌بازی.

به خودمان مراجعه کنیم، خودمان را فریب ندهیم

«شاخصش هم برای ما، بین خودمان و خدا، این است که نگاه کنیم ببینیم در بیان این حرف اخلاص داریم یا نه؟ به فکر خدائیم یا نه؟ من دارم برای خاطر خدا، رضای خدا حرف می‌زنم یا برای خاطر جلب توجه

۱- همان.

شما دارم حرف می‌زنم؟ برای خاطر خداست یا برای خاطر دل مستمع و غیر مستمع است؟ معیارش این است. به خودمان مراجعه کنیم؛ افضی القضاة نسبت به انسان، خود انسان است. خودمان را فریب ندهیم؛ بفهمیم چه کار می‌کنیم؛ بفهمیم چه می‌گوئیم؛ چه حرکتی می‌کنیم»^(۱).

وظیفه تصریحی:

۱- سنجش حرف‌هایی که می‌زنیم با معیار اخلاص و رضای خدا.

وظایف استنباطی:

۱- در موضع‌گیری‌ها تحت تأثیر مستمعین قرار نگیریم.
 ۲- خوب نگاه کنیم ببینیم آیا حرف‌هایمان از روی اخلاص و برای خداست یا نه؟

ترس، فهم انسان را مختل و موجب اشتباه می‌شود

«نکته بعدی این است ما نه فقط در عمل احتیاج به شجاعت داریم، در فهم هم احتیاج به شجاعت داریم. در فهم فقیهانه، احتیاج به شجاعت هست؛ اگر شجاعت نبود، حتی در فهم خلل به وجود خواهد آمد. درک روشن از کُبریات و صُغریات؛ گاهی انسان کُبریات را درست می‌فهمد، در صُغریات اشتباه می‌کند. این درک صحیح از مبانی دین و از

موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم کلی و عمومی - یعنی کُبریات و صُغریات - احتیاج دارد به اینکه ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ و الا ترس از مالمان، ترس از جانمان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جو، ترس از فضا؛ اگر این حرف را بزنیم، علیه ما خواهند بود؛ اگر این حرف را بزنیم، فلان لکه را به ما خواهند چسباند؛ این ترسها فهم انسان را هم مختل می‌کند. گاهی انسان به خاطر این ترسها، به خاطر این ملاحظات، صورت مسئله را درست نمی‌فهمد؛ نمی‌تواند مسئله را درست درک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد. لذا «و لا یخشون احدا الا الله» خیلی مهم است؛ در این آیه‌ی شریفه‌ی (الَّذین یبَلِّغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله و کفی بالله حسیبا)^(۱)؛ معلوم می‌شود شرط بلاغ و ابلاغ و تبلیغ، همین عدم خشیت است که: «و لا یخشون احدا الا الله». می‌گوئی: آقا! اگر این کار را بکنم، ممکن است در دنیا سرم کلاه برود. خوب، «و کفی بالله حسیبا»؛ محاسبه را به خدا واگذار کنید و بگذارید خدا برایتان محاسبه کند. اگر پروای قضاوت‌های مردم، داوری‌های گوناگون مردم را به جای پروای از خدا گذاشتیم، مشکل درست خواهد شد؛ چون پروای از خدای متعال تقواست. اگر این را کنار گذاشتیم و ترس مردم جایگزین شد، آنوقت فرقانی هم که خدای متعال گفته، پیدا نخواهد شد؛ (ان تَتَّقُوا اللهَ یَجْعَلْ لَکُمْ فِرْقَانًا)^(۲)؛ این فرقان ناشی از تقواست؛ روشن شدن حقیقت برای انسان، دستاورد تقواست و به نظر من این مسئله خیلی مهم است؛ مسئله‌ی خشیت از مال و جان و حرف مردم و آبرو و زمزمه‌ها و حرفها و

۱- سوره احزاب، آیه ۳۹.

۲- سوره انفال، آیه ۲۹.

حدیثها و تهمت‌ها و اینها، خیلی مهم است؛ اینقدر این مسئله مهم است که خدای متعال به پیغمبرش خطاب می‌کند و او را بر حذر می‌دارد: (و اذ تقول للذی أنعم الله علیه و انعمت علیه أمسک عليك زوجك و اتق الله و تخفی فی نفسك ما الله مبديه و تخشى الناس و الله احق أن تخشاه)^(۱)؛ ملاحظه‌ی حرف مردم، ملاحظه‌ی این تهمتی که خواهند زد، ملاحظه‌ی چیزی را که خواهند کرد، نباید کرد؛ «والله احق أن تخشاه». به نظر من یکی از چیزهایی که فتوحات گوناگون امام را ارزانی آن بزرگوار داشت، همین شجاعت او بود، که فتوحات علمی، فتوحات معنوی، فتوحات سیاسی، فتوحات اجتماعی، این مجذوب شدن دلها به آن بزرگوار را - که واقعاً چیز عجیبی بود - به وجود آورد. و شجاعت آن بزرگوار این بود که ملاحظه‌ی هیچ چیزی را نمی‌کرد. بالاخره اهل فتنه مایلند که خشیت خودشان را، خوف از خودشان را در دل نخبگان و خواص، به جای خشیت از خدا بنشانند؛ یعنی مایلند که از آنها ترسیده بشود؛ (الذین قال لهم الناس إنَّ الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم إيماناً و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل)^(۲). یعنی اینکه دائماً دارند به ما می‌گویند: آقا! «إنَّ الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم»، جوابش همین است: «و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل». نتیجه‌اش هم این است: (فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم یسمهم سوء)^(۳). نتیجه‌ی این احساس، این درک، این حقیقت روحی و معنوی همین است که: «فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم یسمهم سوء». بنابراین، بایستی این شجاعت را داشت.

دشمن انواع و اقسام کار را می‌کند؛ انواع و اقسام فعالیت را می‌کند؛

۱- سوره احزاب، آیه ۳۷.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۷۳.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۷۴.

عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظائف اصلی امروز ما و شما، همین است: ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان‌شاءالله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم. و انقلاب اسلامی، خیلی ریشه‌دار است؛ خیلی قوی است؛ خیلی ارکان مستحکمی دارد؛ و خدای متعال هم پشتیبان ماست؛ همین طور که من بارها از قول امام (رضوان‌الله‌علیه) نقل کرده‌ام که فرمودند: من از اولی که وارد این قضیه شدیم، دیدم - یا احساس کردم - یک دست قدرتی دارد کارها را پیش می‌برد. حقیقتاً همین جور است؛ و این را ایشان به من فرمودند. انسان این دست قدرت الهی را می‌بیند. البته این دست قدرت الهی، قوم و خویشی‌ای با ما ندارد - «من كان لله كان الله له»، «ان تنصروا الله ينصركم»^(۱)، «و لينصرن الله من ينصره»^(۲) - باید در خدمت این راه باشیم؛ خالصانه؛ آنچه که داریم، بیاوریم میدان و برای این راه تقدیم کنیم؛ تلاشمان و کارمان را برای این راه تقدیم کنیم. خدای متعال هم تفضل خواهد کرد؛ لطف خواهد کرد؛ امروز هم همین کار شده و خدای متعال تفضل کرده و سنگ دشمن به سوی خودش برگشته؛ تیرش کمانه کرده به طرف خودش؛ و نتوانستند از توطئه‌ای که کردند، طرفی ببندند»^(۳).

۱- سوره محمد، آیه ۷. ۲- سوره حج، آیه ۴۰.

۳- دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲.

وظایف تصریحی:

- ۱- شجاعت در عمل.
- ۲- شجاعت در فهم.
- ۳- درک صحیح از مبانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم.
- ۴- دوری از انواع و اقسام ترس‌ها (ترس از مال، جان، آبرو و انفعال در مقابل دشمن، قضاوت و حرف مردم، زمزمه‌ها و حرف‌ها و حدیث‌ها و تهمت‌ها).
- ۵- توجه به این نکته که گاهی انسان به خاطر ترس‌ها و ملاحظات، صورت مسئله را درست نمی‌فهمد؛ و دچار اشتباه خواهد شد.
- ۶- توجه به این نکته که اهل فتنه تلاش می‌کنند خوف از خودشان را در دل نخبگان و خواص، به جای خشیت از خدا بنشانند.
- ۷- تقویت بصیرت در مسائل گوناگون.
- ۸- زیاد کردن بصیرت مخاطبان و مستمعان.

وظایف استنباطی:

- ۱- خواص و نخبگان بیشتر در معرض توطئه‌های دشمنانند و لذا باید بیشتر مراقبت کنند.
- ۲- برای شناخت حقیقت بایستی تقوا را در خود تقویت کرد و ترس از خدا را اصل دانست، نه ترس از مردم را.

فهم توطئه‌های دشمن و کامل نکردن پازل او

«امروز توطئه‌ی دشمن، توطئه‌ی پیچیده‌ای است. ما باید جوانب این توطئه را بروشنی بشناسیم و بشناسانیم؛ وظیفه‌ی ما این است امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست - نمی‌گوئیم بکلی منتفی است، اما خیلی محتمل نیست - لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ اگر احتیاط بیشتری نخواهد، کمتر نمی‌خواهد. در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی می‌کند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفتها، عزمها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصتهای یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند می‌کنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند می‌کنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیائیم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده می‌کند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد.

دشمنان ما؛ دشمنان انقلاب، دشمنان نظام جمهوری اسلامی، چند خط را دارند دنبال می‌کنند که این در تبلیغاتشان و در کاری که انجام

می دهند، واضح هم هست؛ اینها چیزهای پوشیده و پنهانی نیست؛ باید در ذهن خودمان اینها را جمع بندی کنیم:

یکی این است که نشانه های امید را مخدوش کنند؛ مورد خدشه قرار بدهند، که از جمله همین انتخابات بود. حضور هشتاد و پنج درصدی مردم، یک چیز امیدبخشی است، یک چیز مهمی است؛ همانطور که عرض کردیم، سی سال بعد از یک انقلاب، مردم کشور بیایند به نظام برآمده ای این انقلاب یک چنین آراء وسیعی را تقدیم بکنند، این جز اعتماد به این نظام و دل بستن به این نظام، معنای دیگری ندارد؛ و این اتفاق افتاد. یا رئیس جمهوری را با این رأی بالا انتخاب بکنند، این یک چیز بی سابقه است. این اتفاق افتاد؛ این کار در کشور شد. این خیلی نقطه ای قوت مهمی است. سعی شد این نقطه ای قوت را تبدیل کنند به نقطه ای ضعف؛ این مایه ای امید را تبدیل کنند به مایه ای تردید، مایه ای یأس. این کار خصمانه ای است. در کشور، مایه های امید فراوان است؛ زیرساختهای کشور، امروز زیرساختهای بسیار مستحکمی است؛ کارهای مهمی در طول این سالها انجام گرفته و امروز کشور آماده ای یک حرکت جهش وار به جلوست. پیشرفتهای علمی، امروز خیلی چشم نواز و چشم گیر است؛ به طوری که دیگران - دانشمندان کشورهای دیگر، آنگهایی که انگیزه ای سیاسی ندارند - اعتراف می کنند؛ که یک نمونه اش را دیشب توی تلویزیون دیدید. در مورد همین سلولهای بنیادی، اعتراف کردند که باور نمی کردند در ایران این حد پیشرفت وجود داشته باشد. می گوید: من پارسال هم در این کنفرانس علمی شرکت کردم، امسال هم

شرکت کردم؛ امسال تا پارسال تفاوت زیادی به وجود آمده، پیشرفت زیادی شده! این یک نمونه‌اش است؛ ده‌ها نمونه از این قبیل داریم که اینها پیشرفتهای علمی است؛ مایه‌های امید است. خود تجربه‌ی سی ساله - سی سال تجربه پشت سر ماست؛ در اختیار ماست - نسل جوان پرانرژی و تحصیلکرده‌ای در وسط میدان است؛ اینها همه مایه‌های امید و نقاط قوت است. نسل جوانی که هم تحصیلکرده است، هم اعتماد به نفس دارد، هم احساس می‌کند که می‌تواند کشور خودش را پیش ببرد. ما یک سند چشم‌انداز داریم که تا سال ۱۴۰۴، مشخص کرده که خط ما از لحاظ پیشرفتهای کشوری و مادی کجاست؛ خیلی چیز مهمی است. معلوم کردیم که به کجا باید برسیم و از چه طریقی باید حرکت بکنیم. اینها عوامل امید است، اینها نقطه‌های قوت است. می‌خواهند اینها را به موجبات یأس تبدیل کنند؛ راجع به سند چشم‌انداز صحبت بشود، می‌گویند آقا به این سند توجهی نشده؛ راجع به پیشرفتهای علمی بحث بشود، می‌گویند اینها خیلی اهمیتی ندارد؛ راجع به انتخابات بحث بشود، این شبهه‌ها و خدشه‌ها را پیش می‌آورند؛ راجع به جوانها صحبت بشود، اشاره می‌کنند به تخلف چند تا جوان در یک طرفی! یعنی همه‌ی این نقاط مثبت، این قله‌های برجسته‌ای که همه‌اش امیدافزا هست، اینها را سعی می‌کنند در چشمها کمرنگ کنند. متقابلاً نقاط ضعف کوچکی که حتماً وجود دارد، بزرگ کنند یا نقاط ضعف را - نمی‌گوئیم هم کوچک، نقاط ضعفی وجود دارد - بزرگ‌نمایی کنند؛ چند برابر آنچه که هست، این نقاط ضعف را نشان بدهند؛ سیاه‌نمایی کنند؛ تلقی‌های بدبینانه‌ی نسبت به نظام

را گسترش بدهند. می بینید دیگر؛ به زور می خواهند این یأس را به جامعه القاء کنند. وقتی یأس وارد جامعه شد، جامعه از پویائی خواهد افتاد؛ افراد مبتکر، افراد نخبه، افراد جوان و پُرنشاط منزوی می شوند، کناره گیری می کنند، دست و دلشان به کار نمی رود، مشارکتها کم می شود، پویائی جامعه از دست می رود. این یکی از خطوط کاری دشمن است؛ مرتباً القای بن بست کردن. شما اگر ببینید این تبلیغات رادیوها را - حالا امروز رادیوها دیگر نیست. یک وقتی می گفتیم ده ها رادیو، امروز مسئله ی هزاره است؛ رادیو هست، تلویزیون هست، این وسائل اینترنتی هست - به طور دائم از مراکز مشخصی، مرتباً القای بن بست، القای بحران، القای سیاه بودن وضعیت می شود؛ هر مقداری که بگیرد، هر مقداری که مستمع و شنونده پیدا بکند و باورپذیر باشد برای آنها؛ دارند در این زمینه کار می کنند. این یکی از خطوط کاری دشمن است. یکی از خطوط کاری اصلی دشمن، همین مسئله ی تفرقه است که شما آقایان بر روی او بحق تکیه کردید، در گزارش هم بیان فرمودند، در بیانیه ی پایانی خبرگان هم به این مسئله ی اتحاد توجه شده؛ بسیار مسئله ی مهمی است. مسئله ی اتحاد ملت و کاری که برای ایجاد تفرقه دارد انجام می گیرد، بسیار مسئله ی مهمی است. ما نشانه های وحدت عمومی مردم را داریم می بینیم. شما نماز جمعه ها را در ماه رمضان دیدید، روز قدس را دیدید، نمازهای عید فطر را دیدید؛ چه عظمتی! انسان وقتی نگاه می کند - نه فقط در تهران، در مشهد، در اصفهان، در کرمان، در تبریز، در مناطق مختلف - منظره، منظره های بی نظیری است؛ اصلاً شاید در طول تاریخ اسلام، هرگز نماز

عید فطر با این عظمت، با این شکوه‌های عجیب - در نقاط مختلف یک کشور، نه فقط در یک شهر - دیده نشده! ما امروز اینها را داریم؛ اینها همه نشانه‌ی وحدت است؛ نشانه‌ی همدلی مردم است؛ نشانه‌ی این است که یک مرکز مشترکی وجود دارد که مردم علی‌رغم اختلافات جزئی و فرعی‌ای که باهم دارند، در گرایش و انتماء [نسبت دادن به کسی] به این اصل، متفق‌اند؛ دلشان متوجه این مرکز است؛ که این مرکز هم دین است، اصول اسلامی است، ارزشهای والا است، دین خداست. این، خیلی چیز مهمی است. خوب، همه باید در مقابل این وحدت سر فرود بیاورند، وقتی این وحدت را می‌بینند. می‌بینیم که متأسفانه بعکس، بعضی دم از تفرق می‌زنند، از روی جهالت، غفلت؛ واقعاً محمول بر غفلت است این چیزها، بیش از آنچه که بر چیزهای دیگری انسان بخواهد اینها را حمل کند. این، مسئله‌ی مهمی است.

مسئله‌ی ایجاد وحدت؛ وحدت مذهبی، وحدت قومی، وحدت سلائق سیاسی، اینها مهم است؛ باید سعی کرد. یکی از خطوط دشمن، ایجاد تفرقه است؛ هرچه بتوانند، در هر جا بتوانند، در هر سطحی که بتوانند؛ در سطوح مختلف؛ از مسئولین، آحاد مردم، بین خود گروه‌های روحانی، بین خود گروه‌های دانشگاهی، بین خود جمعها و جمعیت‌های واحدهای دیگر اجتماعی، و بین اینها با یکدیگر ایجاد اختلاف کنند، و بین مذاهب. نمونه‌های فراوانش را دارید مشاهده می‌کنید که در جامعه هست. این یک مسئله است. خط دشمن خط ایجاد تفرقه است. این هم یک مسئله است.

مسئله‌ی چهارم - این خط دیگری است که به نظر ما دشمن بر روی او هم دارد سرمایه گذاری می‌کند - منصرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن است. ما هرگز منکر نیستیم که در نارسائی‌های گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می‌آید، تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود دارد؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ کسی این را منکر نیست. «ما أصابك من حسنة فمن الله و ما أصابك من سيئة فمن نفسك»^(۱)؛ اینکه معلوم است؛ دشمن هم اگر ضربه‌ای به ما زد و این ضربه کاری شد، این هم «من نفسك» است؛ در این شکی نیست. در جنگ احد هم که دشمن حمله کرد و ضربه زد، در حقیقت مسلمانها از خودشان ضربه خوردند؛ در این که بحثی نیست؛ منتها نکته این است که اگر انسان بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که می‌خواهد به ما ضربه بزند؛ از این ما را نباید غافل کنند. خط اغفال بخصوص خواص و نخبگان از تأثیر دشمن، یکی از خطوط القائی و تبلیغاتی دشمن است. حالا طرق مختلفی البته برای این کار دارند. تا کسی بگوید دشمن، می‌گویند: آقا شما همه‌اش به گردن دشمن می‌اندازید! خوب، هست دشمن؛ هست دشمن؛ چرا نمی‌بینیم دشمن را؟ چرا نمی‌بینیم شعف عظیمی که دشمن پیدا می‌کند از آنچه که اینجا از اختلاف ما، از حوادث گوناگون، از بلوای بعد از انتخابات به وجود می‌آید؟ تشویق کنند کسانی را که عامل هستند. آنجا، رئیس یک کشور بزرگ از آدمها اسم می‌آورد! خوب، این جز ایجاد دشمنی است؟ از

۱- سورة نساء، آية ۷۹.

معارضین نظام اسم می آورد و تمجید می کند از فلان کس که آقا از شجاعت او (!) ما تعجب کردیم. چرا؟ چون یک کلمه ای گفته که آنها خوششان آمد. اینها را باید دید؛ اینها را باید متوجه شد و نبایستی از دشمنی دشمن غفلت کرد.

البته دشمنی او خلاف انتظار نیست، غفلت ما خلاف انتظار است. دولت انگلیس که کارنامه ی دوپست ساله ی حضور آنها و ارتباط آنها با کشور ما، کارنامه ی سر تا پا سیاه است - واقعاً یک نقطه و یک جا نداریم که بشود نشان داد که دولت انگلیس به نفع ملت ایران یک قدم کوچکی برداشته باشد؛ هرچه بوده ضرر؛ هرچه بوده صدمه های بزرگ - اینها اعلان می کنند که ما طرفدار ملت ایرانیم! دولت آمریکا اعلام می کند که ما طرفدار مردم ایرانیم؛ یعنی: با نظام جمهوری اسلامی بدیم، اما مردم را دوست داریم! خوب، مردم جزو این نظامند؛ این نظام که منفک از مردم نیست. این طرفندهای دشمن است. اینها را باید شناخت، فهمید. او البته دشمنی اش را می کند؛ امر طبیعی است، اما اینکه ما نفهمیم دشمنی او را و از این معنا غفلت کنیم، این قابل قبول نیست. یک وقت می بینید ما در داخل جدول و پازلهای دشمن قرار می گیریم - در پازل، مجموعه ای را کنار هم می چینند، تا یک شکلی از تویش دربیاید - تا یکی از این اجزاء را ما تأمین بکنیم. خوب، این خیلی چیز بدی است؛ ما باید سعی کنیم که تأمین کننده ی اجزاء او نباشیم. مثل این جدول حروف متقاطع که وقتی کنار هم گذاشته می شود، یک کلمه ای از تویش درمی آید. دشمن یک جدول این جوری درست کرده، برای اینکه یک حرفی از تویش

دریابورد؛ چند تا از این حروف را هم ما بگذاریم! این را باید مراقبت کرد؛ بحث سر این است؛ باید جدول دشمن را کامل نکنیم؛ پازل دشمن را کامل نکنیم؛ بینیم دشمن چه کار دارد می‌کند و چه کار می‌خواهد بکند؛ اهداف و حضور واضح او را ببینیم.

امروز مؤثرترین سلاح بین‌المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است؛ سلاح ارتباطات رسانه‌ای است. امروز این قوی‌ترین سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناکتر است. این سلاح دشمن را شما در بلوهای بعد از انتخابات ندیدید؟ دشمن با همین سلاح، لحظه به لحظه، قضایای ما را دنبال می‌کرد و به کسانی که اهل شیطنت بودند، رهنمود می‌داد. «و انّ الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلواکم»؛ دائم به اولیاء خودشان ایحاء می‌کردند. خوب، این حضور دشمن است دیگر؛ حضور دشمن را از این واضح‌تر و روشن‌تر می‌شود فرض کرد؟

باید بصیرت داشت. آنچه که انسان از نخبگان جامعه و جریانات سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند؛ با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند؛ آنوقت وضعیت بهتر خواهد شد. بعضی از کارها از روی بی‌بصیرتی است.

این محورهایی که عرض شد - این خطوط دشمن را - ما در عمل خودمان و در اظهارات خودمان باید محاسبه کنیم و باید اینها را در محاسبات خودمان بگنجانیم، که اگر اظهارنظری هم می‌خواهیم بکنیم، با

توجه به اینها باشد؛ عمل و اقدامی می‌خواهیم بکنیم، با توجه به اینها باشد؛ ببینیم آیا داریم به دشمن کمک می‌کنیم یا نه. این به نظر من چیز مهمی است»^(۱).

وظایف تصریحی:

- ۱- جوانب توطئه‌های دشمن را شناختن و شناساندن.
- ۲- هوشیارانه و آگاهانه در میدان بودن.
- ۳- با تدبیر عمل کردن.
- ۴- تلاش در ایجاد وحدت؛ وحدت مذهبی، وحدت قومی، وحدت سلائق سیاسی.
- ۵- بصیرت در برابر دشمنی که می‌خواهد به ما ضربه بزند.
- ۶- غفلت نکردن و دیدن دشمن.
- ۷- شناخت و فهم ترفندهای دشمن.
- ۸- پازل و جدول دشمن را کامل نکردن.
- ۹- مراقب سلاح تبلیغات و ارتباطات رسانه‌ای دشمن که خطرناکترین سلاح اوست، بودن.
- ۱۰- با بصیرت با حوادث و خطوط دشمن مواجه شدن.
- ۱۱- سنجش اعمال و اقداماتمان با این معیار که آیا داریم به دشمن کمک می‌کنیم یا نه؟

۱- دیدار با اعضاء مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲.

وظایف استنباطی:

- ۱- نشانه‌ها و خطوطی که دشمن در جنگ نرم دنبال می‌کند کاملاً روشن است، خواص خود را به غفلت و ندانستن و ندیدن نزنند.
- ۲- پیشرفت‌های چشمگیر کشور و امیدهای بوجود آمده را انکار نکرده و وضعیت کشور را سیاه جلوه ندهند.
- ۳- دلبستگی مردم به نظام و شرکت بی سابقه آنها در انتخابات را مخدوش نکنند.

خواص مرزشان را مشخص کنند و دو پهلو حرف نزنند

«دشمنان ملت از شفاف بودن فضا ناراحتند؛ فضای شفاف را بر نمی‌تابند؛ فضای غبارآلود را می‌خواهند. در فضای غبارآلود است که می‌توانند به مقاصد خودشان نزدیک شوند و به حرکت ملت ایران ضربه بزنند. فضای غبارآلود، همان فتنه است. فتنه معنایش این است که یک عده‌ای بیایند با ظاهر دوست و باطن دشمن وارد میدان شوند، فضا را غبارآلود کنند؛ در این فضای غبارآلود، دشمن صریح بتوانند چهره‌ی خودش را پنهان کند، وارد میدان شود و ضربه بزنند. اینی که امیرالمؤمنین فرمود: «أَمَّا بَدءُ وَقُوعِ الْفِتَنِ اهْوَاءُ تَتَّبِعُ و احكام تبتدع»، تا آنجائی که می‌فرماید: «فلو انّ الباطل خالص من مزاج الحقّ لم یخف علی المرتادین»؛ اگر باطل، عریان و خالص بیاید، کسانی که دنبال شناختن حق هستند، امر برایشان مشتبه نمی‌شود؛ می‌فهمند این باطل است. «و لو انّ الحقّ خالص من مزج الباطل انقطع عنه السن المعاندین»^(۱)؛ حق هم اگر چنانچه بدون

۱- نهج البلاغه، خطبه ۵۰.

پیرایه بیاید توی میدان، معاند دیگر نمی تواند حق را متهم کند به حق نبودن. بعد می فرماید: «و لیکن یؤخذ من هذا ضعف و من هذا ضعف فیمزجان»؛ فتنه گر یک تکه حق، یک تکه باطل را می گیرد، اینها را با هم مخلوط می کند، در کنار هم می گذارد؛ «فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه»؛ آن وقت کسانی که دنبال حقند، آنها هم برایشان امر مشتبه می شود. فتنه این است دیگر.

خوب، حالا در مقابل یک چنین پدیده ای، علاج چیست؟ عقل سالم حکم می کند و شرع هم همین را قاطعاً بیان می کند: علاج عبارت است از صراحت در تبیین حق، صراحت در بیان حق. وقتی شما می بینید یک حرکتی به بهانه ی انتخابات شروع می شود، بعد یک عامل «دشمن»ی در این فضای غبار آلوده وارد میدان شد، وقتی می بینید عامل دشمن - که حرف او، شعار او حاکی از مافی الضمیر اوست - آمد توی میدان، اینجا باید خط را مشخص کنید، اینجا باید مرز را روشن کنید. همه وظیفه دارند؛ بیشتر از همه، خواص؛ و در میان خواص، بیشتر از همه، آن کسانی که مستمعین بیشتری دارند، شنوندگان بیشتری دارند. این وظیفه است دیگر: مرزها روشن بشود و معلوم بشود که کی چی می گوید. اینجور نباشد که باطل، خودش را در لابه لای گرد و غبار برخاسته ی در میدان مخفی کند، ضربه بزند و جبهه ی حق نداند از کجا دارد ضربه می خورد. این است که حرف دو پهلو زدن، از خواص، مطلوب نیست. خواص باید حرف را روشن بزنند و مطلب را واضح بیان کنند. این، مخصوص یک گرایش سیاسی خاص هم نیست. در داخل نظام اسلامی، همه ی گرایشهایی که در

مجموعه‌ی نظام قرار دارند، اینها باید صریح مشخص کنند که بالاخره آن حمایتی که مستکبرین عالم می‌کنند، مورد قبول است یا مورد قبول نیست. وقتی که سران استکبار، سران ظلم، اشغالگران کشورهای اسلامی، کُشندگان انسانهای مظلوم در فلسطین و در عراق و افغانستان و خیلی جاهای دیگر، می‌آیند وارد میدان می‌شوند، حرف می‌زنند، موضع می‌گیرند، خوب، باید معلوم بشود این کسی که در نظام جمهوری اسلامی است، در مقابل این چه موضعی دارد؛ حاضر است تبری بجوید، بگوید من دشمن شمایم؟ من مخالف شمایم؟

وقتی در داخل محیط فتنه، کسانی با زبانشان صریحاً اسلام و شعارهای نظام جمهوری اسلامی را نفی می‌کنند، با عملشان هم جمهوریت و یک انتخابات را زیر سؤال می‌برند، وقتی این پدیده در جامعه ظاهر شد، انتظار از خواص این است که مرزشان را مشخص کنند، موضعشان را مشخص کنند. دو پهلو حرف زدن، کمک کردن به غبارآلودگی فضا است؛ این کمک به رفع فتنه نیست، این کمک به شفاف‌سازی نیست. شفاف‌سازی، دشمن دشمن است؛ مانع دشمن است. غبارآلودگی، کمک دشمن است. این، خودش شد یک شاخص. این یک شاخص است. کی به شفاف‌سازی کمک می‌کند و کی به غبارآلودگی کمک می‌کند. همه این را در نظر بگیرند، این را معیار قرار بدهند»^(۱).

۱- در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۸/۱۰/۲۹.

وظایف تصریحی:

- ۱- صراحت در تبیین و بیان حق و دو پهلو حرف زدن.
- ۲- مشخص و روشن کردن مرز خود با دشمن.
- ۳- در برابر حمایتی که مستکبرین عالم می‌کنند صریحاً موضع قبول یا رد خود را اعلان کنند.
- ۴- موضع خود را در برابر سران استکبار و اشغالگر کشورهای اسلامی مشخص کنند.
- ۵- در برابر کسانی که با زبانشان صریحاً اسلام و شعارهای نظام جمهوری اسلامی را نفی می‌کنند و با عملشان جمهوریت و انتخابات بزرگ را زیر سؤال می‌برند، مرز و موضع خود را مشخص کنند.
- ۶- توجه به این نکته که دو پهلو حرف زدن در شرایط فتنه، کمک کردن به غبارآلودگی فضا و کمک به دشمن است.
- ۷- توجه به این نکته که شفاف‌سازی، دشمن دشمن و مانع دشمن است.

وظایف استنباطی:

- ۱- هرچه شهرت نخبگان و خواص بیشتر بوده و شنوندگان بیشتری داشته باشند، وظیفه‌اشان سنگین‌تر است.
- ۲- مهمترین وظیفه نخبگان و خواص صراحت در بیان حق و مشخص کردن مرز با دشمنان و مستکبران است.
- ۳- تبری نجستن نخبگان و خواص و گرایشها از دشمنان نظام و

ظالمان و اشغالگران، همراهی و کمک به دشمنان است، چه بخواهند و چه نخواهند.

حمایت سران استکبار و آدمهای فاسد، باید خواص را متنبّه کند

«آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار می‌کند، بمجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهتگیری‌ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه می‌شود. چرا متنبه نمی‌شوند؟ وقتی شنفتند که از اصلی‌ترین شعار جمهوری اسلامی - «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» - اسلامش حذف می‌شود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط می‌روند، اشتباه می‌کنند؛ باید تبری کنند. وقتی می‌بینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده می‌شود، باید متنبه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیستیم. وقتی می‌بینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت می‌کنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایی که مظهر ظلمند - هم در زمان کنونی، هم در دوره‌ی تاریخی صد سال و دویست ساله‌ی تا حالا - دارند از اینها حمایت می‌کنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبه بشوند. وقتی می‌بینند همه‌ی آدمهای فاسد: سلطنت طلب از اینها حمایت می‌کند، توده‌ای از اینها حمایت می‌کند، رقااص و مطرب فراری از کشور از اینها حمایت می‌کند،

باید متنبه بشوند، باید چشمشان باز بشود، باید بفهمند؛ بفهمند که کارشان یک عیبی دارد؛ بلافاصله برگردند بگویند نه، ما نمی‌خواهیم حمایت شما را. چرا رودربایستی می‌کنند؟ آیا می‌شود با بهانه‌ی عقلانیت، این حقایق روشن را ندیده گرفت، که ما عقلانیت بخرج می‌دهیم! این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب، شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همین‌طور خوشتان بیاید، دل خوش کنید؛ این عقلانیت است؟ این نقطه‌ی مقابل عقل است. عقل این است که بمجردی که دیدید برخلاف آن مبانی‌ای که شما ادعایش را می‌کنید، چیزی ظاهر شد، فوراً خودتان را بکشید کنار، بگوئید نه نه نه، ما نیستیم؛ بمجردی که دیدید به عکس امام اهانت شد، به جای اینکه اصل قضیه را انکار کنید، کار را محکوم کنید؛ بالاتر از محکوم کردن کار، حقیقت کار را بفهمید، عمق کار را بفهمید؛ بفهمید که دشمن چه جوری دارد برنامه‌ریزی می‌کند، چه می‌خواهد، دنبال چیست؛ این را باید این آقایان بفهمند. من تعجب می‌کنم! کسانی که اسم و رسم خودشان را از انقلاب دارند - بعضی از این آقایان یک سیلی برای انقلاب نخوردند در دوران اختناق و طاغوت - و به برکت انقلاب اسم و رسمی پیدا کردند و همه چیزشان از انقلاب است، می‌بینید که دشمنان انقلاب چطور بُراق شدند، آماده شدند، صف کشیدند، خوشحالند، می‌خندند؛ اینها را که می‌بینید؟ به خود بیائید، متوجه بشوید. شما برادران سابق ما هستید. اینها کسانی هستند که بعضی از اینها، یک وقتی به خاطر طرفداری از امام مورد اهانت هم قرار می‌گرفتند. حالا ببیند

کسانی که به نام اینها شعار می دهند، عکس اینها را روی دستشان می گیرند، اسم اینها را با تجلیل می آورند، درست نقطه‌ی مقابل، علیه امام و علیه انقلاب و علیه اسلام شعار می دهند و روزه‌خوری علنی در روز قدس، در ماه رمضان، می کنند؛ اینها را می بینید، خب، بکشید کنار. انتخابات تمام شد. انتخاباتی بود، عمومی هم بود، درست هم بود، اشکالی هم نتوانستند بر انتخابات بگیرند و ثابت کنند؛ حالا هی ادعا کردند، فرصت هم داده شد؛ گفتیم بیائید، نشان بدهید، ثابت کنید؛ نتوانستند، نیامدند؛ تمام شد. پابندی به قانون اقتضاء می کند که انسان ولو این رئیس جمهوری را که انتخاب شده است قبول هم نداشته باشد، وقتی برای قانون احترام قائل بود، بایستی در مقابل قانون، خضوع کند. خب، معلوم است هیچ کسی نمی تواند بگوید این کسی که انتخاب شده، صد درصد حُسن محض است، آن طرفی که انتخاب نشده است، صد درصد قبح محض است؛ نه، همه حُسنی دارند، قبحی دارند؛ این طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد؛ آن طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد. قانون، ملاک است، معیار است. چرا اینجوری می شود؟ چرا؟ این، هوای نفس است.

اینها مال امروز هم نیست. کسانی که از اوایل انقلاب یادشان هست، می دانند؛ بعضی بودند از یاران امام، از نزدیکان امام در دهه‌ی اول انقلاب و در حال حیات امام، که کارشان به مقابله‌ی با امام کشید؛ کارشان به معارضه‌ی با امام کشید؛ ایستادند پای اینکه امام را به زانو در بیاورند و خطای حرکت امام (رضوان الله تعالی علیه) را - آن مرد بزرگ را، آن مرد

الهی را - اثبات کنند؛ اما بعد زاویه پیدا کردند. خب، انقلاب اینها را مطرود کرد. کسانی که از نزدیکان امام بودند، از یاران امام بودند، کارشان کشید به یا پناه بردن به دشمن، یا مواجه شدن با انقلاب، یا ضربه زدن به انقلاب. اینها باید عبرت باشد برای همه‌ی ما؛ باید عبرت باشد؛ باید بفهمیم.^(۱)

وظایف تصریحی:

۱- با دیدن حرکت‌های ضد انقلابی مانند پاره کردن عکس امام، روزه‌خواری، شعار علیه انقلاب و اصول آن، بلافاصله باید کنار بکشید.

۲- اگر کنار نکشید و با مخالفان نظام مرز خود را مشخص نکنید، با انقلاب زاویه پیدا می‌کنید که روز به روز زیادتر می‌شود.

۳- استفاده از زبان تردید آفرین و تغییر واقعیت‌ها، فتنه آفرین است.

وظایف استنباطی:

۱- ادعای اعتقاد به نظام و انقلاب با تبری نکردن از کسانی که اسلام را از شعارهایشان حذف کرده‌اند، گول زدن مردم است.

۲- کنار نکشیدن از کسانی که به نفع رژیم غاصب صهیونیستی و علیه فلسطین شعار می‌دهند غلط و دور از عقلانیت است.

۱- دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲.

۳- تبری نکردن از رؤسای آمریکا و انگلیس و فرانسه و آنهایی که در دوره تاریخی صد و دویست ساله اخیر تا حالا مظهر استکبار و ظلم بودند با عقلانیت سازگاری ندارد.

فصل دوم

وظایف شعرا و هنرمندان

باید حقیقت را فهمید و آن را تبلیغ کرد

«یک نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که شعر انقلاب باید در خدمت مفاهیم انقلاب باشد. خب در بین شماها کسانی هستند که شعرهای آیینی می‌گویند. شعرهای مذهبی و شعرهای مربوط به ائمه (علیهم‌السلام) را، به اصطلاحی که حالا باب شده، تعبیر می‌کنند به «شعر آیینی». هستند؛ انصافاً شعرهای خوبی هم گفته می‌شود؛ بعضی‌ها هم اشعار مربوط به جنگ و دوره‌ی دفاع مقدس یا مربوط به شهدا یا مربوط به جانبازان و اینها را می‌گویند. اینها خیلی خوب است؛ لیکن - پارسال هم من اشاره کردم به این معنا - اهداف و آرمانهای انقلاب منحصر در اینها نیست. انقلاب یک مجموعه‌ای از ستاره‌های درخشان آرمانی را بالای سر ما قرار داده و ما را به حرکت و پرواز و جهش به سمت این نقاط نورانی دعوت کرده. ما هم امتحان کردیم، دیدیم می‌توانیم پرواز کنیم؛ دیدیم این پرواز ممکن است. البته در دوره‌ی دفاع مقدس نمونه‌های بارزش دیده شد و دیدیم وقتی این ملت به سمت این آرمان‌ها پر بگشاید، می‌تواند خوب حرکت بکند؛ اما بسیاری از این آرمانها هنوز بالای سر ماست؛ ما باید حرکت کنیم: به سمت عدالت باید برویم، به

سمت اخلاق باید برویم، به سمت استقلال به معنای حقیقی کلمه - شامل استقلال فرهنگی که از همه عمیقتر و دشوارتر است - باید برویم، به سمت بازیابی حقیقی هویت اسلامی - ایرانی خودمان باید برویم.

در امتحانهایی از قبیل همین حوادثی که حول و حوش انتخابات پیش آمد - بعد از انتخابات و قبل از انتخابات - دیدیم که در همین زمینه‌ها ضعفها و مشکلاتی داریم. این حوادث برای ما نعمت بزرگی است؛ از این جهت که ضعفهای خودمان را بشناسیم؛ مثل رزمایشهایی که نیروهای مسلح راه می‌اندازند. رزمایش اصلاً برای همین است که این یگان نظامی یا این سازمان نظامی، نقاط ضعفش را پیدا کند. هدفی را می‌دهند، فرمان صادر می‌شود که به سمت آن هدف حرکت بکنند؛ بعد چشمهای بصیر و بینایی - در همه‌ی رزمایشها اینجور است - می‌ایستند و از بالای صحنه، صحنه را نگاه می‌کنند. می‌بینند که بله، در فلان نقطه، ضعف وجود دارد یا بعضاً ناتوانیهای مزمن وجود دارد. این برای ما یک رزمایش شد. البته به اختیار خود ما پیش نیامد؛ بر ما تحمیل شد؛ اما خوب شد؛ ضعفهای خودمان را فهمیدیم. بنابراین این آرمانها، بالای سر ماست و باید به سمت این آرمانها حرکت کنیم؛ آن وقت این ضعفها برطرف خواهد شد. این هم یک نکته است.

خب، در اینجا شاعر چه نقشی دارد؟ مرد هنری و مرد فرهنگی - مرد شامل زنها هم می‌شود - یعنی انسان هنری و انسان فرهنگی، در این صحنه چه وظیفه‌ای دارد؟ به نظر من وظیفه خیلی سنگین است، خیلی بزرگ است. مهمترین وظیفه هم تبلیغ و تبیین است؛ «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ

و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله»؛ این یک معیار است؛ حقیقتی را که درک می‌کنید، آن را تبیین کنید. کسی انتظار ندارد برخلاف آنچه که می‌فهمید حرف بزنید. نه، آنچه را که می‌فهمید، بگویید. البته برای اینکه آنچه می‌فهمید درست و صواب باشد، باید تلاش و مجاهدت کنید؛ چون در حوادثِ فتنه‌گون، شناخت عرصه دشوار است، شناخت اطراف قصه دشوار است، شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظالم و مظلوم دشوار است، شناخت دشمن و دوست دشوار است. اگر بنا باشد یک شاعر هم مثل دیگران گول بخورد، فریب بخورد و بی‌بصیرتی به سراغش بیاید، این خیلی دون شأن یک انسان هنری و یک انسان فرهنگی است. پس باید حقیقت را فهمید؛ بعد هم باید همان حقیقت را تبلیغ کرد. نمی‌شود با شیوه‌های سیاسی - شیوه‌های سیاستگران و سیاستمداران - در عالم فرهنگ حرکت کرد، این خلاف شأن فرهنگ است. در عالم فرهنگ بایستی گره‌گشائی کرد؛ بایستی حقیقت را باز کرد، بایستی گره‌های ذهنی را باز کرد و این تبیین لازم دارد، یعنی همان کار انبیاء؛ فصاحت و بلاغتی هم که گفته‌اند در بیان لازم است، بلاغتش به این معناست. اگرچه که بلاغت را در کتب فنی به معنای مطابقه‌ی با مقتضای حال معنا می‌کنند، اما آن یک معنای خاصی از بلاغت است؛ معنای اولی و صریح بلاغت این نیست؛ بلاغت یعنی رساندن، بلاغ یعنی رساندن. اینی که مثلاً می‌گویند حافظ این شعر فصیح و بلیغ را گفته، بلیغش یعنی چه؟ یعنی مناسب مقتضای حال گفته؟ چه می‌دانیم ما آن وقتی که این شعر را گفته، مقتضای حال بوده یا نبوده! ما الان داریم نگاه می‌کنیم؛ بحث

اقتضای حال نیست؛ یعنی رساست. بلیغ یعنی رسا؛ رسا بگوئید، روشن بگوئید، مبین بگوئید؛ اما آنچه را که می فهمید بگوئید؛ هیچ انتظار نیست - حق هم نیست که انتظار باشد - کسی برخلاف فهمیده‌ی خودش حرف بزند. سعی هم نکنید که آنچه که فهمیدید درست باشد.

من به شما عرض می‌کنم که این حرکت عظیم انقلاب اسلامی، یک حرکت تمام شده نیست. حالا یک گوشه‌ی از لشکر آن من و شمایم که حالا یک ذره مثلاً اهل ادب و فرهنگ و اینها محسوب می‌شویم؛ «والله جنود السماوات و الارض» لشکر او زمین و آسمان نمی‌شناسد؛ «وكان الله عزيزا حكيمًا»؛ خدا عزیز است - عزیز یعنی غالب لا یغلب، یعنی بی‌نیاز از همه - من و شما هم حالا یک گوشه‌ای از کار را در دست می‌گیریم. این حرکت عظیمی که با انقلاب اسلامی شروع شد، یک حرکت تمام شده نیست؛ مطلقاً تمام شده نیست، آن حرکت ادامه دارد. همین که حالا معمول شده که در بیانها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه، می‌گویند: جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ - از سال ۶۷ - همیشه این را گفته‌ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می‌بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف آرائی‌ها را، می‌بینم دهانهای با حقد و غضب گشوده شده و دندانهای با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمانها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند را؛ اینها

را انسان دارد می‌بیند، خب چکار کند؟ این تمام نشده، چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. وظیفه‌ی مجموعه‌ی فرهنگی و ادبی و هنری هم وظیفه‌ی مشخصی است؛ بلاغ، تبیین؛ بگوئید، خوب بگوئید. من همیشه تکیه بر او می‌کنم: بایستی قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را بایستی تمام عیار توی میدان بیاورید؛ نباید کم گذاشت، تا اثر خودش را بکند»^(۱).

وظایف تصریحی:

- ۱- شعر و هنر را در خدمت مفاهیم انقلاب قرار دادن تلاش و مجاهدت برای فهم درست مسائل.
- ۲- تبلیغ و تبیین حقایق آنگونه که فهمیده می‌شود.
- ۳- تلاش و مجاهدت در مسیر فهم درست مسائل در شرایط فتنه‌گون.
- ۴- تلاش در جهت شناخت صحیح مهاجم و مدافع، ظالم و مظلوم، دشمن و دوست در شرایط فتنه.
- ۵- گول نخوردن و فریب نخوردن و دوری از بی‌بصیرتی در شرایط فتنه.
- ۶- پرهیز از شیوه‌های سیاستگران و سیاستمداران در عالم فرهنگ.
- ۷- گره‌های ذهنی حقیقت را باز کردن.

۱- در دیدار با جمعی از شعرا، ۱۳۸۸/۶/۱۴.

- ۸- رسا و روشن و مبین صحبت کردن.
- ۹- هنر را تمام عیار توی میدان جنگ نرم آوردن.

وظایف استنباطی:

- ۱- هنرمندان نبایستی نسبت به حوادث انقلاب و حرکت ملت به سمت اخلاق و معنویت و پیشرفت بی تفاوت باشند.
- ۲- هنرمندان با فصاحت و بلاغت بایستی حقیقت مستتر در حوادث را برای گره‌گشایی از ذهنها، مطرح کنند و کم هم نگذارند.
- ۳- زبان هنر و شعر، زبان اثرگذاری است که باید برای تبیین و تشریح مسائل انقلاب و حرکت‌های مردم از آن استفاده کرد.

فصل سوم

وظایف دانشگاهها و دانشجویان

دانشگاه و دانشجویان باید به هوش باشند

«یک عده‌ای آنچه را که بعد از انتخابات اتفاق افتاد، آن ظلمی که به مردم شد، آن ظلمی که به نظام اسلامی شد، آن هتکی که از آبروی نظام در مقابل ملتها به وسیله‌ی بعضی انجام گرفت، اینها همه را ندیده می‌گیرند، فرضاً مسئله‌ی فلان حادثه را، زندان کهریزک را، یا قضیه‌ی کوی را، قضیه اصلی دوران بعد از انتخابات تا امروز قلمداد می‌کنند؛ این خودش یک ظلم دیگر است. مسئله‌ی اصلی، مسئله‌ی دیگری است. مسئله‌ی اصلی این است که مردم در یک حرکت عظیمی، در یک انتخابات پرشور خوب کم‌نظیری حضور پیدا کردند و این رأی بالا را توی صندوقها ریختند. هشتاد و پنج درصد شوخی است؟ این انتخابات، نظام را که در این یکی دو سال اخیر همین طور پی در پی پیشرفتهای اقتصادی و علمی و سیاسی و امنیتی و بین‌المللی برای خودش کسب کرده بود، در یک مرحله‌ی عالی از امتیاز و آبرو قرار می‌دهد، بعد ناگهان مشاهده می‌کنیم یک حرکتی صورت می‌گیرد برای نابود کردن این حادثه‌ی افتخارآمیز! مسئله‌ی اصلی این است. البته اینی که عرض می‌کنم، تحلیل است؛ خبر نیست. به اعتقاد من، با تحلیل من، این مسئله از بعد از انتخابات

یا از روزهای حول و حوش انتخابات شروع نشده؛ این از قبل شروع شده، این از قبل طراحی شده، برنامه ریزی شده. من متهم نمی‌کنم افرادی را که دست‌اندرکار بودند، که اینها دست‌نشانده‌ی بیگانه‌هایند یا انگلیسند یا آمریکایند - این را من ادعا نمی‌کنم، چون برای من این قضیه ثابت نیست؛ چیزی که ثابت نیست، نمی‌توانم بگویم - اما آنی که می‌توانم بگویم، این است که این جریان، چه پیشقراولانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، یک جریانی بود طراحی شده؛ تصادفی نبود. همه‌ی نشانه‌ها نشان می‌دهد که این جریان طراحی شده بود، حساب شده بود. البته آنهایی که طراحی کرده بودند، یقین نداشتند که خواهد گرفت.

بعد از انتخابات که تحرکاتی از طرف بعضی‌ها شروع شد، یک تجاوب نسبی هم از سوی جمعی از مردم تهران صورت گرفت، آنها امیدوار شدند؛ فکر کردند آنچه که تصور می‌کردند، انجام شد و گرفت و امیدوار شدند. لذا دیدند که این دستگاهها و وسائل رسانه‌ای و صوتی و الکترونیکی و ماهواره‌ای و غیره حضورشان در صحنه را چطور تشدید کردند؛ صریح وارد میدان شدند. قبلاً امیدوار نبودند که این کار بگیرد؛ بعد دیدند نه، گرفت؛ لذا سریع وارد میدان شدند؛ منتها خوشبختانه مثل همیشه که مسائل ایران را بد می‌فهمند و ملت ایران را نمی‌شناسند، این دفعه هم نشناختند. اینها تودهنی خوردند، سیلی خوردند، ولی هنوز ناامید نیستند. من به شما عرض کنم دانشجویهای عزیز! اینها ناامید نیستند؛ دارند قضایا را دنبال می‌کنند؛ به این زودی هم زمین نمی‌گذارند. اینها صحنه گردانهائی دارند، صحنه گردانهائی هم پیدا خواهند کرد.

دانشگاه باید بهوش باشد. دانشجوی مؤمن و مسلمان و دانشجویی که به کشورش علاقه‌مند است و دانشجویی که به آینده‌ی کشور و آینده‌ی نسل خودش دلبسته است، باید هوشیار باشد. بدانید اینها دارند طراحی می‌کنند؛ البته شکست می‌خورند. من الان به شما عرض می‌کنم، اینها در نهایت شکست می‌خورند؛ اما درجه‌ی بیداری و هوشیاری من و شما می‌تواند در میزان خسارت و ضرری که وارد می‌کنند، تأثیر بگذارد. اگر هوشیار باشیم، نمی‌توانند صدمه و ضرری بزنند. اگر غفلت کنیم، احساساتی بشویم، بی‌تدبیر عمل کنیم، یا خواب بمانیم و اینجور عوارض به سراغمان بیاید، ضرر و زیان و هزینه بالا خواهد بود؛ ولو در نهایت موفق نخواهند شد.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- بیداری و هوشیاری در برابر نقشه‌ها و طراحی‌های دشمنان.
- ۲- توجه به این نکته که درجه‌ی بیداری و هوشیاری دانشجویان می‌تواند در میزان خسارت و ضرری که دشمن وارد می‌کنند، تأثیر بگذارد.
- ۳- توجه به این واقعیت که اگر هوشیار باشیم، دشمنان نمی‌توانند صدمه و ضرری بزنند.
- ۴- دوری از غفلت‌زدگی و احساساتی شدن و بی‌تدبیر عمل کردن و خواب ماندن.

۱- در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی، ۱۳۸۸/۶/۴.

وظایف استنباطی:

- ۱- دشمن بدنبال نشانه‌هایی از داخل است تا از فرصت استفاده و نقشه خود را دنبال کند به این حقیقت باید توجه داشت.
- ۲- در مقابله با طراحی‌های دشمن، بایستی با هوشیاری و تدبیر عمل کرد. واکنشهای احساسی و بی‌صبرانه موجب اشتباه و خسارات و هزینه بیشتر می‌شود.

شما افسران جوان جبهه‌ی مقابله با جنگ نرم هستید

«ببینید عزیزان! شماها می‌دانید - چون دیدم در بیانات شماها هم هست - امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم - که دیدم همین تعبیر «جنگ نرم» توی صحبت‌های شما جوانها هست و الحمدلله به این نکات توجه دارید؛ این خیلی برای ما مایه‌ی خوشحالی است - خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیایند؟ قدر مسلم نخبگان فکری‌اند. یعنی شما افسران جوان جبهه‌ی مقابله با جنگ نرمید.

اینی که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، اینها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛ اینها کارهایی است که خود شماها باید در مجامع اصلی‌تان، فکری‌تان، در اتاقهای فکرتان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است: هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله‌ی با یک حرکت همه‌جانبه‌ی

متکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته‌ی علمی رسانه‌ای. باید با این جریان شیطانی خطرناک مقابله شود.

آنها برای حمله‌ی به جمهوری اسلامی استدلال دارند. به نظر من استدلالشان از دیدگاه آنها استدلال تامی است. در یک نقطه‌ی بسیار حساس جهان از لحاظ جغرافیائی، یعنی این نقطه‌ی خاورمیانه، خلیج فارس، دریای سرخ، شمال آفریقا، بخشی از مدیترانه - این حوزه‌ی عظیمی است دیگر - مجموعه‌ی امت اسلامی واقع شده. الان شما ببینید از این پنج تا، شش تا گذرگاه آبی حساس حیاتی که در دنیا وجود دارد، سه تایش توی این منطقه است: تنگه‌ی هرمز است، کانال سوئز است، باب‌المنندب است. اینها گذرگاههای مهمی است که تجارت جهانی متوقف به اینهاست. شما نقشه‌ی جهان را بردارید جلوی رویتان نگاه کنید، خواهید دید که این چند تا مرکز چقدر برای ارتباط تجاری و ارتباط اقتصادی دنیا مهم است. بنابراین، این منطقه، منطقه‌ی حساسی است. حالا در این منطقه‌ی بسیار حساس، یک قدرتی دارد قد می‌کشد و روز به روز خودش را بیشتر نشان می‌دهد. این قدرت با همه‌ی خواسته‌های استکباری و دستگاههای کمپانی‌ها و شبکه‌های عظیم اقتصادی مفسد فی الارض مخالف است؛ با نظام سلطه مخالف است، با سلطه‌گری مخالف است، با ظلم مخالف است؛ خوب، این خیلی برای دستگاه استکبار مهم است. دستگاه استکبار فقط ایالات متحده‌ی آمریکا نیست، یا فلان رئیس‌جمهور و فلان دولت آمریکا یا فلان کشور اروپائی نیست؛ دستگاه استکبار یک شبکه‌ی تجار اساسی بین‌المللی هست، مراکز پولی

عظیم دنیا هست؛ اینها هستند که مسائل سیاسی دنیا را دارند طراحی می‌کنند؛ دولتها را اینها می‌آورند، اینها می‌برند. این مجموعه که تویش دولت ایالات متحده هست، دولتهای اروپائی هستند، خیلی از این نفتخوارهای ثروتمند منطقه‌ی خودمان هستند، با یک چنین قدرتِ رو به رشدِ رو به اعتلای در حال قدکشی بشدت مخالفند؛ بنابراین هرچه بتوانند، در مقابله‌ی او کار می‌کنند. توی این سی سال هم بیکار نماندند، هرچه بگذرد هم باز بیکار نمی‌مانند؛ مگر آن وقتی که شماها همت کنید؛ شما جوانها کشور را از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی به نقطه‌ای برسانید که امکان آسیب‌پذیری‌اش نزدیک به صفر باشد: آن وقت کنار می‌کشند و توطئه‌ها تمام خواهد شد. اینی که من توی این چند سال به دانشگاهها مرتب راجع به مسائل علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری و جنبش نرم‌افزاری و ارتباط صنعت و دانشگاه و اینها این همه تأکید کردم، برای خاطر این است که یک رکن امنیت بلندمدت کشور و ملتتان علم است.

و همین جا به شما بگویم، مواظب باشید تو این قضایای سیاسی کوچک و حقیر نبادا دانشگاه تحت تأثیر قرار بگیرد؛ نبادا کار علمی دانشگاه متزلزل شود؛ نبادا آزمایشگاههای ما، کلاسهای ما، مراکز تحقیقاتی ما دچار آسیب بشوند؛ حواستان باشد. یعنی یکی از مسائل مهم در پیش روی شما، حفظ حرکت علمی در دانشگاههاست. دشمنها خیلی دوست می‌دارند که دانشگاه ما یک مدتی لااقل دچار تعطیلی و تشنج و اختلالهای گوناگونی باشد؛ این برایشان یک نقطه‌ی مطلوب است؛ هم از

لحاظ سیاسی برایشان مطلوب است، هم از لحاظ بلندمدت؛ چون علم شما از لحاظ بلند مدت به ضرر آنهاست؛ لذا مطلوب این است که دنبال علم نباشید.

حالا شما جوانانی که گفتیم افسران جوان مقابله‌ی با جنگ نرم هستید، از من نپرسید که نقش ما دانشجویان در تخریب مسجد ضرار کنونی چیست؛ خوب، خودتان بگردید نقش را پیدا کنید. یا مقابله‌ی با نفاق جدید، یا تعریف عدالت. من اینجا پیام بنشینم یک بحث فلسفی بکنم، عدالت چند شعبه دارد، چه جوری است. حالا بامزه این است که ایشان می‌گویند توی یک جمله بیان کنید. معروف است یک نفری زمان شیخ انصاری پسرش را آورده بود نجف. دید طلبه‌ها درس می‌خوانند و ملاً می‌شوند و شیخ انصاری هم خوب، شخص بزرگی بود؛ هوس کرد پسرش را طلبه کند. آمد به پیش شیخ انصاری، گفت شیخنا! این نوجوان را من آورده‌ام و خواهش می‌کنم تا فردا که می‌خواهیم راه بیفتیم برویم، شما او را فقیه کنید!

عزیزان من! شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه‌ی جنگ نرم، یکی‌اش نگاه خوشبینانه و امیدوارانه است. نگاهتان خوشبینانه باشد. ببینید، من در مورد بعضی‌تان به جای پدر بزرگ شما هستم. من نگاهم به آینده، خوشبینانه است؛ نه از روی توهم، بلکه از روی بصیرت. شما جوانید - مرکز خوشبینی - مواظب باشید نگاهتان به آینده، نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده‌ای دارد» شد، به دنبالش بی‌عملی، به دنبالش

بی تحرکی، به دنبالش انزواء است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن می خواهد.

شرط دیگر این است که در قضایا افراط وجود نداشته باشد. طبیعت جوان، طبیعت تحرک و تندی است. این دوره‌ی زندگی شما را ما هم گذرانده‌ایم؛ آن هم در دورانهای انقلاب و اوائل مبارزات و اینها بوده. تندی را می دانم چیست. خیلی هم به ما نصیحت می کردند که آقا تندی نکنید، ما می گفتیم که نمی فهمند چقدر لازم است تندی کردن. می دانم تصور شما چیست، اما حالا از ما بشنوید دیگر. مراقب باشید تندروی، انسان را پیش نمی برد. با فکر، تصمیم بگیرید. البته جوان امروز از جوان دوره‌ی ما فکورتر است؛ این را به شما عرض بکنم. شما امروز جوانهایی هستید که تجربه تان، اطلاعاتان، آگاهی هایتان از آن دوره‌ی جوانی ما - از پنجاه سال پیش از این - خیلی بیشتر است؛ قابل مقایسه نیست با جوان امروز. بنابراین توقع اینکه شماها مدبرانه و فکورانه فکر کنید و بدون تندروی، بدون افراط و تفریط توی قضایا، رفتار کنید، توقع زیادی نیست. البته این را هم بدانید که آنچه در بعد از انتخابات اتفاق افتاد، با همان حسابی که عرض کردم، اصل قضایا خیلی خلاف انتظار ما نبود؛ اگرچه اشخاصی که وارد شدند، چرا، خلاف انتظارمان بود»^(۱)

۱- در دیدار با دانشجویان و نخبگان علمی، ۱۳۸۸/۶/۴.

وظایف تصریحی:

- ۱- ضرورت مقابله با جنگ نرم دشمنان.
- ۲- توجه به این نکته که دانشجویان، افسران جوان جبهه‌ی مقابله با جنگ نرمند.
- ۳- تلاش در جهت پیدا کردن راه‌کارهای مبارزه با جنگ نرم.
- ۴- توجه به این نکته که هدف در مقابله با جنگ نرم باید دفاع از نظام و جمهوری اسلامی در مقابله‌ی با به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته‌ی علمی رسانه‌ای باشد.
- ۵- دانشجویان باید کشور را از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی به نقطه‌ای برسانند که امکان آسیب‌پذیری‌اش نزدیک به صفر باشد.
- ۶- اهتمام راجع به مسائل علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری و جنبش نرم‌افزاری و ارتباط صنعت و دانشگاه و ...
- ۷- توجه به این واقعیت که یک رکن بلندمدت امنیت کشور و ملت علم است.
- ۸- تحت تأثیر قضایای سیاسی کوچک و حقیر قرار نگرفتن.
- ۹- مواظب باشید کار علمی دانشگاه در شرایط فتنه، متزلزل و دچار آسیب نشود.
- ۱۰- نگاه خوشبینانه و امیدوارانه یکی از شرایط اصلی مقابله با جنگ نرم است.

۱۱- دوری از افراط یکی دیگر از شرایط اصلی مقابله با جنگ نرم است.

۱۲- مدبرانه و فکورانه فکر کردن و رفتار کردن.

۱۳- تندروی، افراط و تفریط در قضا یا نشود.

وظایف استنباطی:

۱- مقابله با جنگ نرم دشمنان وظیفه همگانی است لیکن برخی اقشار از جمله دانشجویان در این زمینه، وظیفه مهمتری برعهده دارند.

۲- مقابله با جنگ نرم نبایستی دانشجویان را از تلاش در پیشرفتهای علمی، پژوهشی، نوآوری و جنبش نرم‌افزاری بازدارد.

۳- پرهیز از افراط و تندی و همراه کردن تصمیم‌گیریها و اقدامات با تدبیر و تفکر لازمه مبارزه اصولی با جنگ نرم است.

دشمن و هدفهای او را درست شناسایی کنید

«همه ملاحظه کردید، کشور در برهه‌ای از زمان در معرض یک آزمون سیاسی بسیار تعیین‌کننده‌ای قرار گرفت و همان طور که بعضی از دوستان اشاره کردند، هاضمه‌ی نظام و کشور توانست حوادث را در درون خودش هضم کند و فائق بیاید. من قبلاً هم گفتم، بروز چنین حوادثی برای ما هیچ خلاف انتظار نیست. یعنی حالا اگر تعبیر دقیقتری بخواهم بکنم، «چندان» نگوئیم؛ «هیچ» اختلاف انتظار نیست. یعنی تا حدود زیادی

انتظار حوادثی از این قبیل هست، به دلایل گوناگون: رسالتی که برای نظام قائلیم، رسالتی که برای اسلام قائلیم، معنایی که برای جمهوری اسلامی در ذهنمان داریم، تعریفی که جمهوری اسلامی از خودش برای ما در طول این سی سال کرده، هوشمندی مردم‌مان و جوانان‌مان که به تجربه رسیده، وجود آزادی ناگزیر که به حکم اسلام باید این آزادی در کشور باشد و ما به آن اعتقاد داریم - اعتقاد ما به آزادی یک مسئله‌ی تاکتیکی نیست؛ یک مسئله‌ی واقعی است. آزادی به همان معنایی که جمهوری اسلامی تعریف می‌کند، نه به معنایی که غربی‌ها تعریف می‌کنند، که آن، به نظر ما انحراف است. آنجائی که باید آزادی باشد، نیست؛ آنجائی که باید محدودیت باشد، قیدها گسسته است و آزادی هست! آن را ما مطلقاً قبول نداریم؛ تو رودریایستی غرب هم گیر نمی‌کنیم. ما آزادی را با همان مفهوم اسلامی خودش قبول داریم، که البته تو آن آزادی بیان هست، آزادی رفتار هست، آزادی فکر هست - این حوادث چندان خلاف انتظار نیست. آنچه که مهم است این است که یک انسان با شرف، مؤمن، معتقد به اهداف والای جمهوری اسلامی، بداند که در این جور حوادث چه کار باید بکند؛ این، مهم است. این، آن چیزی است که مخاطبه‌ی من با شما دانشگاهیان را در این مسئله‌ی خاص الزامی می‌کند، که من - البته کوتاه صحبت می‌کنم، بنا هم ندارم در این زمینه تفصیلاً حرف بزنم - در چند روز پیش هم که جوانهای دانشجو اینجا بودند - حسینیه همین طور که حالا اجتماع هست، اجتماعی بود از جوانها - به آنها گفتم که ما با جنگ نرم، با مبارزه‌ی نرم از سوی دشمن مواجهیم، که البته خود جوانها هم همین را می‌گفتند؛

مکرر قبل از اینکه بنده بگویم، آنها هم هی گفتند و همه این را می‌دانستند. آنی که من اضافه کردم این بود که گفتم: در این جنگ نرم، شما جوانهای دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید. نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچگونه از خودش تصمیم‌گیری و اراده ندارد و باید هرچه فرمانده می‌گوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاهها و یگانهای بزرگ، چون آنها طراحی‌های کلان را می‌کنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل می‌کند، هم صحنه را درست می‌بیند؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم می‌بینند، در چهارچوب هم کار می‌کنند. خوب، با این تعریف، استاد دانشگاه چه رتبه‌ای دارد؟ اگر در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه‌ی بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده‌ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسایی بکنید؛ هدفهای دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به قرارگاههای دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سر بکشید و براساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه‌های مختلف، فرماندهان بالا این نقشها را ایفا می‌کنند.

خوب، حالا استادی که بتواند این نقش را ایفا کند، آن استاد شایسته‌ی

حال و آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی است. توقع از اساتید محترم این است. جوانهایتان را توجیه کنید. منظورم این نیست که بنشینید زید و عمرو سیاسی برایشان معرفی کنید. نه، اصلاً من موافق هم خیلی نیستم. اسم آوردن از زید و عمرو و بکر و... این چیزها، کمکی به حل مشکل نمی‌کند. به اینها قدرت تحلیل بدهید. به اینها توان کار و نشاط کار بدهید. چه جور؟ با امید دادن؛ با امید بخشیدن. فضای کلاس را، فضای محیط درس و دانشگاه را فضای امید کنید؛ امید به آینده. بدترین بلائی که ممکن است بر سر یک نسل در یک کشور بیاید، ناامیدی است، یأس است. اینکه می‌گویند: آقا! چه فایده دارد؟ فایده‌ای ندارد. این روحیه‌ی «فایده‌ای ندارد» - یأس از آینده - سم مهلک همه‌ی فعالیتهاست؛ چه فعالیتهای اجتماعی و سیاسی، چه حتی فعالیتهای علمی، فعالیتهای پژوهشی. این کسانی که کشفیات بزرگ را در زمینه‌های علوم تجربی و دانشهای گوناگون انجام دادند، اینها اگر ناامید از نتیجه بودند، قطعاً به اینجا نمی‌رسیدند. امید، آن نیروی عظیمی است که انسان را پیش می‌برد. جوان ما را ناامید کنند از کشورش، از انقلابش، از آینده‌اش، از دولتش، از دانشگاهش، از آینده‌ی علمی‌اش، از آینده‌ی شغلی‌اش. این خیلی مضر است. این کاری است که تو برنامه‌های دشمنان ما و مخالفین نظام وجود دارد. به نظر من یکی از کارهای اساسی این است. محیط را برای دانشجو، محیط نشاط، محیط امید، محیط حرکت به جلو قرار دهید.

یکی دیگر از کارهایی که باید در زمینه‌ی مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی و علمی انجام بگیرد، میدان دادن به دانشجوست برای اظهار نظر.

از اظهار نظر هیچ نباید بیمناک بود. این کرسی‌های آزاداندیشی که ما گفتیم، در دانشگاهها باید تحقق پیدا کند و باید تشکیل بشود. اگر چنانچه بحثهای مهم تخصصی در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در زمینه‌های گوناگون حتی فکری و مذهبی، در محیطهای سالمی بین صاحبان توان و قدرت بحث مطرح بشود، مطمئناً ضایعاتی که از کشاندن این بحثها به محیطهای عمومی و اجتماعی ممکن است پیش بیاید، دیگر پیش نخواهد آمد. وقتی که با عامه‌ی مردم، افراد مواجه می‌شوند، همه نمی‌توانند خودشان را حفظ کنند. مواجهه‌ی با عامه‌ی مردم، انسانها را دچار انحرافها و انحطاطها و لغزشهای زیادی می‌کنند که متأسفانه ما شاهد بودیم. خیلی از افرادی که شما می‌بینید در مواجهه‌ی با عامه‌ی مردم یک حرفی می‌زنند، یک چیزی می‌گویند، در اعماق دلشان ای بسا خیلی اعتقادی هم ندارند. به تعبیر بعضی‌ها جلوگیر می‌شوند؛ این خیلی چیز بدی است. اگر در محیطهای خاص، محیطهای آزاداندیشی و آزادفکری، این مسائل مطرح بشود - مسائل تخصصی، مسائل فکری، مسائل چالش‌برانگیز - مطمئناً ضایعات کمتر پیش خواهد آمد»^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- درک مسائل کلان کشور.
- ۲- شناسایی درست دشمن.

۱- دیدار با اساتید دانشگاهها، ۱۳۸۸/۶/۸.

- ۳- کشف اهداف دشمن.
- ۴- طراحی کلان و حرکت در مسیر مقابله با دشمن.
- ۵- توجیه جوانان دانشجو نسبت به مسائل کشور و اینکه در فتنه‌ها چه باید بکنند.
- ۶- قدرت تحلیل دادن به دانشجویان.
- ۷- توان و نشاط کار بخشیدن به دانشجویان از طریق امید دادن به آنان.
- ۸- توجه به این نکته که یأس از آینده، سم مهلک همه‌ی فعالیتهاست.
- ۹- توجه به این واقعیت که امید، آن نیروی عظیمی است که انسان را پیش می‌برد.
- ۱۰- محیط را برای دانشجو، محیط نشاط، امید و حرکت به جلو قرار دادن.
- ۱۱- میدان دادن به دانشجو برای اظهار نظر.
- ۱۲- تلاش در جهت تحقق و تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاهها و توجه به مزایای این کار.

وظایف استنباطی:

- ۱- رسالت در قبال انقلاب اسلامی با بی‌تفاوتی، یأس و ناامیدی، تناسبی ندارد.
- ۲- لازمه حضور فعال در انقلاب اسلامی، داشتن قدرت تحلیل و

درک و شناخت دشمنان و اهداف آنهاست.

۳- فراهم نشدن کرسیهای آزاداندیشی و امکان اظهارنظر در محیطهای تخصصی، سبب می‌شود که مسائل در محیطهای عمومی مطرح و آسیبها و ضایعات بیشتری وارد شود.

جوگیر نشوید، منطقی فکر کنید

«بنده گفتم کرسی آزاد فکری را در دانشگاهها به وجود بیاورید. خوب، شما جوانها چرا به وجود نیاوردید؟ شما کرسی آزاد فکری سیاسی را، کرسی آزاد فکری معرفتی را تو همین دانشگاه تهران، تو همین دانشگاه شریف، تو همین دانشگاه امیرکبیر به وجود بیاورید. چند نفر دانشجوی برونند، آنجا حرفشان را بزنند، حرف همدیگر را نقد کنند، با همدیگر مجادله کنند. حق، آنجا خودش را نمایان خواهد کرد. حق اینجوری نمایان نمی‌شود که کسی یک انتقادی را پرتاب بکند. اینجوری که حق درست فهمید نمی‌شود. ایجاد فضای آشفته‌ی ذهنی با لفاظی‌ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمی‌کند. شما تجربه‌ی این پدر پیرتان را در این زمینه داشته باشید. آنی که کمک می‌کند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکرهاست؛ یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال نترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن. یک وقت شما یک حرفی می‌زنید، ناگهان می‌بینید همه‌ی ناظران سیاسی جهان که وجودشان انباشته‌ی از پلیدی و خباثت است، برای شما کف می‌زنند، به این تشویق نشوید. به قول رائج بین جوانها، جوگیر نشوید،

بحث درست بکنید، بحث منطقی بکنید. سخنی را بشنوید، سخنی را بگوئید؛ بعد بنشینید فکر کنید. این همان دستور قرآن است. «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه». سخن را باید شنفت، بهترین را انتخاب کرد و الا فضای جنجال درست کردن، همین می شود که دیدید. جنجال قبل از انتخابات، بعد انتخابات، انعکاسش می شود این؛ بخصوص وقتی دست بیگانه هم دخالت دارد. به چه دلیل با چه توجیهی شما فکر می کنید دستگاههای تبلیغاتی دنیا حوادثی را که فکر می کنند به ضرر نظام جمهوری اسلام است، لحظه به لحظه منتشر می کنند؟ با چه محاسبه ای این کار انجام می گیرد؟ این را نباید فکر کرد؟! نباید رویش مطالعه کرد؟! اینهاست آن چیزهایی که باید به آنها توجه کرد».^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- بوجود آوردن کرسی آزاد فکری سیاسی و معرفتی در دانشگاه.
- ۲- انجام نقد و مباحثه در کرسی های آزاداندیشی با هدف نمایان شدن حق.
- ۳- توجه به این نکته که ایجاد فضای آشفته ی ذهنی با لفاظی ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمی کند.
- ۴- توجه به این نکته که چیزی که به پیشرفت کشور کمک می کند، آزادی واقعی فکرهاست.

- ۵- آزادانه فکر کردن و طرح نظریات و نترسیدن از هو و جنجال.
- ۶- تشویق نشدن و جوگر نشدن در برابر کف زدن‌های معاندان نظام.
- ۷- بحث منطقی کردن و شنیدن سخنان دیگران و انتخاب بهترین آن‌ها.
- ۸- فکر و مطالعه روی عملکرد دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا و فهم اهداف آنها.

وظایف استنباطی:

- ۱- تشکیل ندادن کرسیهای آزاداندیشی، فراهم کردن فرصت برای معاندان و مخالفان و دشمنان نظام برای القاء و تبلیغ اهداف خویش است.
- ۲- دشمنان بدنبال ایجاد فضای مجادله و مجامله و جنجال هستند تا امکان فهم و فرصت فکر کردن برای یافتن حق، فراهم نشود.

پیشرفت علمی کشور متوقف نشود

«رمز پیشرفت یک کشور، یعنی آن محور اصلی برای اقتدار یک کشور، پیشرفت همراه با اقتدار، علم است. آماج بسیاری از توطئه‌های امروزی که علیه جمهوری اسلامی هست، علم و اهل علم و دانشجویان علم و محیط علمی است؛ این را توجه داشته باشید. نگذارید این تیر طبق

آن هدفگیری دشمن، به هدفی که آنها گرفته‌اند، اصابت کند. کار علمی را نگذارید متوقف بشود. از همه‌ی این حرفهائی که گفته شد، مهمتر، مسئله‌ی علم و تحقیق و پژوهش است. دنیای غرب ثروتش از ناحیه‌ی علم است، اقتدارش از ناحیه‌ی علم است، زورگوئی‌ای که امروز می‌کند، به خاطر علمی است که دارد. پول فی نفسه اقتدار نمی‌آورد. آنی که اقتدار می‌آورد، دانش است. امروز اگر آمریکا پیشرفتگی علمی خودش را نمی‌داشت، نمی‌توانست در دنیا اینجور زورگوئی بکند و در همه‌ی مسائل عالم دخالت بکند. ثروت هم اگر به دست می‌آید، از ناحیه‌ی علم به دست می‌آید. علم را اهمیت بدهید. اینی که من سالهاست روی مسأله‌ی علم، تحقیق، پژوهش، پیشرفت، نوآوری، شکستن مرزهای علمی موجود تکیه می‌کنم، به خاطر این است. بدون انواع دانش، اقتدار کشور امکانپذیر نیست. دانش اقتدار می‌آورد. گفتند بیاید مراکز هسته‌ای ایران را بمباران کنید. یکی از مسئولین رؤسای دنیا - حالا نمی‌خواهم حالا اسم بیاورم. البته همه می‌دانند، شاید هم می‌دانید؛ پخش شد در دنیا. بنده دوست ندارم اسم بعضی‌ها را بیاورم - گفت علم را که نمی‌شود بمباران کرد. راست می‌گویید؛ حق با اوست. با همه‌ی خلافهائی که می‌گویند، این حرفشان درست بود. گیرم نطنز را بمباران کردند، کارخانه‌ی اصفهان را بمباران کردند، علم را چه جوری بمباران می‌کنند؟ ببینید، علم مصونیت می‌آورد، اقتدار می‌آورد. مراقب باشید تو دانشگاه شما، تو کلاس شما، تو مرکز تحقیقات شما، تو کار پژوهشی شما، اختلال

ایجاد نکنند، اگر دیدید دستی دارد اختلال ایجاد می‌کند، به آن دست بدبین بشوید. اقتدار شما را، آینده‌ی شما را هدف گرفته‌اند.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- توجه به این نکته که آماج بسیاری از توطئه‌ها، علم و اهل علم و دانشجویان هستند.
- ۲- جلوگیری از اثرگذاری توطئه‌های دشمن در محیط‌های علمی.
- ۳- جلوگیری از توقف کار علمی.
- ۴- اهمیت دادن به مسئله‌ی علم، تحقیق، پژوهش، پیشرفت، نوآوری و شکستن مرزهای علمی موجود.
- ۵- توجه به این نکته که بدون انواع دانش، اقتدار کشور امکانپذیر نیست.
- ۶- توجه به این نکته که علم مصونیت می‌آورد، اقتدار می‌آورد.
- ۷- جلوگیری از ایجاد اختلال در دانشگاه.
- ۸- بدبینی به دست‌هایی که در دانشگاه اختلال ایجاد می‌کنند.

وظایف استنباطی:

- ۱- دشمنان دوست دارند با اختلال در محیط‌های علمی و دانشگاهی، روند پیشرفت علمی و پژوهشی کشور را مختل و اقتدار

نظام راکاهش دهند باید از تحقق این مسأله جلوگیری کرد.
 ۲- کسانی که به اختلال در محیطهای علمی و دانشگاهی می‌پردازند، همسو با دشمن حرکت می‌کنند و بایستی شناسایی شوند.

حفظ آرامش

«از دانشجویها هم ما همین درخواست را داریم: آرامش را حفظ کنید. این کسانی که در مقابل شما قرار دارند، اینها کسانی نیستند که ریشه‌ای داشته باشند، بتوانند بمانند، بتوانند در مقابل عظمت این ملت و عظمت این انقلاب، مقاومت کنند؛ نه. با آرامش؛ همه کار با آرامش. اگر یک وقتی لازم بشود، خود مسئولین، خود قانون و حافظان قانون، آنچه که وظیفه‌شان باشد، انجام می‌دهند. البته شناسائی کنند؛ خود دانشجویها موظفند در محیط دانشگاه، افرادی را که منشأ فسادند، اینها را بشناسند و دیگران را آگاه کنند. این خودش یک تبلیغ درست و صحیحی است. آگاه کنند؛ بدانند ارتباطات اینها را، جهت‌گیری اینها را؛ لکن همه کار با آرامش باید انجام بگیرد».^(۱)

وظایف تصریحی:

۱- حفظ آرامش.

۲- شناسایی و معرفی افرادی که در دانشگاه منشأ فسادند.

۱- دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲.

۳- شناسایی ارتباطات و جهتگیری اغتشاشگران در دانشگاه با حفظ آرامش.

وظایف استنباطی:

- ۱- دانشجویان در دانشگاهها وظیفه مراقبت و پاسداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن را به عهده دارند.
- ۲- دانشجویان در دانشگاهها وظیفه همکاری و هماهنگی با مسئولین مختلف نظام برای شناسایی مفسدین و اجرای قانون را دارند.

ممانعت از اغراض سیاسی جریانها در دانشگاهها

«یک مسئله دیگر هم مسئله سیاسی در دانشگاههاست. می دانید من از سابق عقیده‌ام بر این بوده است که در دانشگاه باید روح سیاسی زنده باشد؛ این یک نشاطی به جوان می دهد. ما جوان با نشاط لازم داریم. دانشگاهی که از سیاست دور باشد و بکلی از سیاست برکنار باشد، این دانشگاه خالی از شور و نشاط خواهد بود؛ بعلاوه که محلی خواهد شد برای رشد میکروبهای خطرناک فکری و رفتاری. بنابراین خوب است و باید در دانشگاه سیاست باشد؛ منتها معنای سیاسی شدن دانشگاه یا حضور سیاست در دانشگاه را نباید اشتباه کرد. معنایش این نیست که دانشگاه بشود یک جانی برای اینکه جریانهای سیاسی، گروههای سیاسی، عناصر سیاسی برای اغراض سیاسی بیایند از این استفاده کنند؛

این نباید باشد؛ این را باید مانع شد. یعنی این دیگر یک چیزی است که باید مدیریت کرد، باید شماها اعمال قدرت کنید؛ نگذارید اینطور بشود. اگر این بشود، دانشجویان دستتان رفته و یک سوء استفاده کنی می آید کار خود را دنبال می کند. مثالها و تشبیه های زیادی می شود برای این موضوع کرد؛ دیگر آدم نمی خواهد آن را بیشتر توضیح دهد. مثلاً بیایند بچه ی جوان انسان را وسیله ای قرار بدهند برای دزدی از خانه، ما هم بنشینیم همین طور تماشا کنیم؛ این که نمی شود. این هم برنامه ریزی می خواهد؛ بخصوص در دانشگاه تهران، دانشگاه تهران همچنان که از لحاظ سابقه و قدمت و وزانت و افتخارات در مجموعه ی دانشگاهی کشور در قله قرار دارد، در این زمینه ها هم همین جور است. البته آن وقتها چندان دانشگاهی نبود، تعداد دانشگاه های کشور خیلی محدود بود؛ خبری هم نبود توی دانشگاهها. بعضی از دانشکده های دانشگاه تهران بالخصوص محل حساسی بودند برای ابراز تمایلات سیاسی و کارهای سیاسی؛ تا امروز هم همین جور است. بنابراین مراقب باشید که این فضا وسیله ای نشود برای سوء استفاده ی دیگران، سوء استفاده های دشمنان.

حالا بعضی ها حساسند روی کلمه ی دشمن، که چرا شما می گوئید دشمن؛ چرا هی تکرار می کنید دشمن. خوب، تکرار هم می کنیم و باز بعضی اینجوری دچار غفلت می شوند، نمی فهمند که دشمن دارد با آنها چه کار می کند؛ این همه هم می گوئیم و نمی شود! اگر نمی گفتیم، چه می شد! شما ببینید از اول تا آخر قرآن، خدای متعال چقدر اسم شیطان و شیطان صفتها و ابلیس را آورده؛ چقدر اسم فرعون و نمرود و قارون و

دشمنان پیغمبر در زمان بعثت آمده و چقدر اینها در قرآن تکرار شده. داستان ابلیس و شیطان در قرآن تکرار شده. می شد یک بار خدای متعال بگوید، برای اطلاع کافی بود. این برای این است که هیچ وقت نباید از کید دشمن غافل بود. امیرالمؤمنین فرمود: «و من نام لم ینم عنه؛ اگر شما توی سنگر خوابتان برد، لازمه اش این نیست که دشمن شما هم که رو به رو نشسته، او هم توی سنگرش خوابش برده باشد؛ نه، ممکن است شما خوابت برده باشد، او بیدار باشد؛ آن وقت پدرتان درآمده است. نباید غفلت کرد و می بینید که غفلت می شود.

توی همین قضایای بعد از انتخابات واقعاً غفلت بزرگی کردند. حالا من که می گویم غفلت، چون بنای من بر خوشبینی است؛ خود من هم آدم بدبینی نیستم؛ آدم خوشبینی ام، نسبت به اشخاص هم خوشبینم. بلافاصله روز بعد از انتخابات، کارهای بدی را انجام دادند؛ حالا دارند نتایجش را می بینند. به عنوان اعتراض به انتخابات، مردم را به خیابانها دعوت کردند؛ چرا؟ این چه منطقی است؟ چرا مردم را به خیابان دعوت می کنند؟ مگر مسئله ی انتخابات - مسئله ای به این اهمیت، به این ظرافت - قابل حل توی خیابان است؟ نیروی فشار درست کردن؛ اینها غفلتهای بزرگی است. خوب، وقتی اینجوری می شود، مأمونی درست می کنند برای دشمن؛ مأمونی درست می کنند برای آن کسی که می خواهد ایجاد آشوب و اغتشاش کند؛ اینها غفلتهاست. یعنی در سیاست، غفلتهاگاهی مثل خیانتها خیلی ضربه می زند. یعنی واقعاً وقتی شما تیراندازی کردید، این تیر خورد به سینه ی یک نفر، ممکن است شما متعمد هم نباشید، اما بالاخره در نتیجه

تأثیر ندارد؛ تیر توی قلبش خورد، می افتد می میرد؛ چه شما تعمد داشته باشید، چه از روی خطا زده باشید؛ خیال کردی این سیبل است، زدی به سینه‌ی آدم. خطاها گاهی اینجوری است؛ خطائی می‌کند، خطاست؛ اما در نتیجه تأثیری ندارد؛ همان ضربه وارد می‌آید. خوب، حالا شما بخواهید محیط دانشگاه را از این آسیب محفوظ نگه دارید، باید چه کار کنید؟ این خیلی مهم است. توجیه دانشجوی، توجیه بعضی از اساتید»^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- مدیریت و اعمال قدرت و برنامه‌ریزی در جهت ممانعت از سوءاستفاده‌ی جریانها، گروهها و عناصر سیاسی از دانشگاه.
- ۲- مراقبت از این که فضای ابراز تمایلات و کارهای سیاسی در دانشگاه وسیله‌ای برای سوء استفاده‌ی دیگران و دشمنان نشود.
- ۳- بیداری و غفلت نکردن در برابر دشمن.
- ۴- محفوظ نگه داشتن محیط دانشگاه از آسیب‌های فتنه.
- ۵- توجیه دانشجوی و توجیه بعضی از اساتید در شرایط فتنه.

وظایف استنباطی:

- ۱- بایستی بین روح و نشاط سیاسی با سیاست‌بازی و عرصه‌تاخت و تاز گروههای سیاسی تفاوت و مرز قائل شد.

۱- دیدار وزیر علوم و اساتید دانشگاه تهران، ۱۳/۱۱/۱۳۸۸.

- ۲- نبایستی تحت عنوان «سیاسی شدن» اجازه سوء استفاده به گروهها و جریانهای سیاسی را دارد.
- ۳- خودداری از تکرار دشمنیهای دشمن در هر فرصت مناسب، سبب خواب رفتگی و غفلت از دشمن می شود. مرتب باید دشمن و دشمنی های او تکرار و تذکر داده شود.
- ۴- در خطا و خیانت، نیت فرق می کند اما نتیجه یکی است. باید سعی کرد که مرتکب خطاهایی که مثل خیانت ضربه می زنند، نشد.

بصیرت شرط لازم است ولی کافی نیست

«اگر قبول داریم که جبهه‌ی دشمن برای کشور ما و انقلاب ما برنامه‌ریزی بلندمدت دارد، پس ما هم باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم. نمی شود قبول کرد که جبهه‌ی دشمنان اسلام و انقلاب که بشدت از ناحیه‌ی بیداری اسلامی تهدید می شوند، برنامه‌ریزی بلندمدت نداشته باشند؛ این را هیچ کس نمی تواند باور کند، مگر خیلی ساده لوح باشیم، غافل باشیم که این را باور کنیم، حتماً برنامه‌های بلندمدت دارند؛ کما اینکه همین حوادثی هم که گاهی می بینید در کشور اتفاق می افتد که دست بیگانه در آن نمایان است، چیزهای دفعتاً به وجود آمده نیست، خلق الساعه نیست؛ اینها هم برنامه‌های میان مدت و بلندمدت بوده است. برنامه‌ریزی کردند، نتیجه‌ی این برنامه‌ریزی شده این. نه اینکه همان شب تصمیم گرفتند این کار را بکنند و فردا اقدام کردند؛ نه، من در همین فتنه‌ی ۸۸ به بعضی دوستان قرائن و شواهد را نشان دادم؛ حداقل از ده سال،

پانزده سال قبل از آن، برنامه‌ریزی وجود داشت. از بعد از رحلت امام برنامه‌ریزی وجود داشت؛ اثر آن برنامه‌ریزی در سال ۷۸ ظاهر شد؛ مسائل کوی دانشگاه و آن قضایائی که اغلب یادتان هست، بعضی هم شاید درست یادشان نباشد. قضایائی که سال گذشته پیش آمد، یک تجدید حیاتی بود برای آن برنامه‌ریزی‌ها. البته سعی کردند با ملاحظه‌ی وقت و جوانب گوناگون، این کار را انجام دهند؛ که خوب، بحمدالله شکست خوردند، باید هم شکست می‌خوردند. پس جبهه‌ی دشمن برنامه‌ی بلندمدت دارد. آنها مأیوس نمی‌شوند که ببینند حالا امروز شکست خوردند، دست بردارند؛ نه، طراحی می‌کنند برای ده سال دیگر، بیست سال دیگر، چهل سال دیگر، باید آماده باشید.

ما باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم. البته این برنامه‌ی بلندمدت جای طرحش اینجا نیست - مراکز فکر، کانونهای فکر، مراکز سیاسی و فرهنگی دنبال این حرفها هستند و این کارها را باید بکنند و می‌کنند هم - آن چیزی که من در مجموعه می‌توانم عرض کنم، این است که یک زمینه‌ی اساسی برای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت هست که این را من بارها تذکر دادم، اینجا هم لازم می‌دانم یک قدری درباره‌اش بیشتر صحبت کنم و آن، مسئله‌ی بصیرت یافتن است. در باب بصیرت، بنده در سال اخیر و قبل از آن خیلی صحبت کردم؛ دیگران هم مسائل زیادی گفتند؛ دیدم بعضی از جوانها هم کارهای خوبی در این زمینه انجام دادند. من می‌خواهم روی مسئله‌ی بصیرت باز هم تأکید کنم. این تأکید من در واقع با این انگیزه است که شما که خودتان مخاطبید، خودتان میدان‌دارید، کار بر

دوش شماست، بروید سراغ کارها و برنامه‌ریزی‌هایی که با بصیرت یافتن ارتباط دارد؛ این نیاز مهم را تأمین کنید. بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله‌نما و قطب‌نماست. توی یک بیابان انسان اگر بدون قطب‌نما حرکت کند، ممکن است تصادفاً به یک جایی هم برسد، لیکن احتمالش ضعیف است؛ احتمال بیشتری وجود دارد که از سرگردانی و حیرت، دچار مشکلات و تعبهای زیادی شود. قطب‌نما لازم است؛ بخصوص وقتی دشمن جلوی انسان هست. اگر قطب‌نما نبود، یک وقت شما می‌بینید بی‌ساز و برگ در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ آن وقت دیگر کاری از دست شما بر نمی‌آید. پس بصیرت، قطب‌نما و نورافکن است. در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را به ما نشان می‌دهد. البته برای موفقیت کامل، بصیرت شرط لازم است، اما شرط کافی نیست. به تعبیر طلبگی ماها، علت تامه‌ی موفقیت نیست. برای موفقیت، شرائط دیگری هم لازم است؛ که حالا بعد اگر ان شاء الله مجال شد و یادماند، در آخر صحبت اشاره‌ای می‌کنم. اما بصیرت شرط لازم است. اگر همه‌ی آن چیزهای دیگر باشد، بصیرت نباشد، رسیدن به هدف و موفقیت، بسیار دشوار خواهد بود.

بصیرت را در دو سطح می‌توانیم تعریف کنیم. یک سطح، سطح اصولی و لایه‌ی زیرین بصیرت است. انسان در انتخاب جهان‌بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، یک بصیرتی پیدا می‌کند. فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی در این است: با نگاه توحیدی، این جهان یک مجموعه‌ی نظام‌مند است، یک مجموعه‌ی

قانون مدار است، طبیعت هدفدار است؛ ما هم که جزئی از این طبیعت هستیم، وجودمان، پیدایشمان و زندگی مان هدفدار است؛ بی هدف به دنیا نیامدیم. این، لازمه‌ی نگاه توحیدی است. معنای اعتقاد به وجود خداوند عالم و قادر این است. وقتی فهمیدیم هدفدار هستیم، آنگاه در جستجوی آن هدف برمی‌آئیم. خود این جستجو، یک تلاش امیدوارانه است. تلاش می‌کنیم آن هدف را پیدا کنیم. بعد که هدف را یافتیم، فهمیدیم هدف چیست، تلاشی شروع می‌شود برای رسیدن به آن هدف. در این صورت همه‌ی زندگی می‌شود تلاش؛ آن هم تلاش جهتدار و هدفدار. از آن طرف این را هم می‌دانیم که با نگاه توحیدی، هرگونه تلاش و مجاهدتی در راه هدف، انسان را قطعاً به نتیجه می‌رساند. این نتایج مراتبی دارد؛ یقیناً به یک نتیجه‌ی مطلوب می‌رساند. با این نگاه، در زندگی انسان دیگر یأس، ناامیدی، سرخوردگی و افسردگی معنی ندارد. وقتی شما می‌دانید وجود شما، پیدایش شما، حیات شما، تنفس شما با یک هدفی تحقق پیدا کرده است، دنبال آن هدف می‌گردید و برای رسیدن به آن هدف، تکاپو و تلاش می‌کنید. از نظر خدای متعال که آفریننده‌ی هستی است، خود این تکاپو هم اجر و پاداش دارد. به هر نقطه‌ای که رسیدید، در واقع به هدف رسیدید. این است که در دیدگاه توحیدی، خسارت و ضرر برای مؤمن اصلاً متصور نیست. فرمود: «ما لنا الاّ احدی الحسنین»؛ یکی از دو بهترین در انتظار ماست؛ یا در این راه کشته می‌شویم، که این بهترین است؛ یا دشمن را از سر راه برمی‌داریم و به مقصود می‌رسیم، که این هم بهترین است. پس در اینجا ضرری وجود ندارد.

درست نقطه‌ی مقابل، نگاه مادی است. نگاه مادی اولاً پیدایش انسان را، وجود انسان را در عالم بدون هدف می‌داند؛ اصلاً نمی‌داند برای چه به دنیا آمده است. البته در دنیا برای خودش هدفهائی تعریف می‌کند - به پول برسد، به عشق برسد، به مقام برسد، به لذتهای جسمی برسد، به لذتهای علمی برسد؛ از این هدفها می‌تواند برای خودش تعریف کند - اما اینها هیچکدام هدفهای طبیعی نیست، ملازم با وجود او نیست. وقتی اعتقاد به خدا نبود، اخلاقیات هم بی‌معنی می‌شود، عدالت هم بی‌معنی می‌شود؛ جز لذت و سود شخصی، هیچ چیز دیگر معنا پیدا نمی‌کند. اگر انسان در راه رسیدن به سود شخصی پایش به سنگ خورد و آسیب دید، ضرر کرده، خسارت کرده. اگر به سود نرسید، اگر نتوانست تلاش کند، نوبت به یأس و ناامیدی و خودکشی و به کارهای غیرمعقول دست زدن می‌رسد. پس ببینید فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی، معرفت الهی و معرفت مادی این است. این، اساسی‌ترین پایه‌های بصیرت است.

با این نگاه، وقتی انسان مبارزه می‌کند، این مبارزه یک تلاش مقدس است؛ اگر جنگ مسلحانه هم بکند، همین جور است. اصلاً مبارزه براساس بدبینی و بدخواهی نیست. مبارزه برای این است که انسانیت - نه فقط شخص خود او - به خیر و کمال و رفاه و تکامل مقامات رفیع نائل شود. با این نگاه، زندگی چهره‌زیبائی دارد و حرکت در این میدان وسیع، یک کار شیرین است. خستگی انسان با یاد خدای متعال و با یاد هدف برطرف می‌شود. این، پایه‌ی اساسی معرفت است؛ پایه‌ی اساسی بصیرت است. این بصیرت خیلی چیز لازمی است؛ این را باید ما در خودمان تأمین

کنیم. بصیرت در حقیقت زمینه‌ی همه‌ی تلاشها و مبارزات انسانی در جامعه است. این یک سطح بصیرت.

بجز این سطح وسیع بصیرت و لایه‌ی عمیق بصیرت، در حوادث گوناگون هم ممکن است بصیرت و بی‌بصیرتی عارض انسان شود. انسان باید بصیرت پیدا کند. این بصیرت به چه معناست؟ یعنی چه بصیرت پیدا کند؟ چه جور می‌شود این بصیرت را پیدا کرد؟ این بصیرتی که در حوادث لازم است و در روایات و در کلمات امیرالمؤمنین هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او می‌گذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا می‌کند، تدبیر کند؛ سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رحم الله امرء تفکر فاعتبر»؛ فکر کند و براساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبیر مسائل را بسنجد - «و اعتبر فأبصر» - با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینائی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام در جای دیگر می‌فرماید: «فإنما البصیر من سمع فتفکر و نظر فأبصر»؛ (بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد؛ وقتی شنید، بیندیشد. هر شنیده‌ای را نمی‌شود به صرف شنیدن رد کرد یا قبول کرد؛ باید اندیشید. «البصیر من سمع فتفکر و نظر فأبصر»). نَظَرَ یعنی نگاه کند، چشم خود را نبندد. ایراد کار بسیاری از کسانی که در لغزشگاه‌های بی‌بصیرتی لغزیدند و سرنگون شدند، این است که

نگاه نکردند و چشم خودشان را بر یک حقایق واضح بستند. انسان باید نگاه کند؛ وقتی که نگاه کرد، آنگاه خواهد دید. ما خیلی اوقات اصلاً حاضر نیستیم یک چیزهایی را نگاه کنیم. انسان می‌بیند منحرفینی را که اصلاً حاضر نیستند نگاه کنند. آن دشمن عنود را کار نداریم - حالا این را بعداً عرض خواهم کرد؛ «و جحدوا بها و استیقنوها انفسهم ظلماً و علواً»^(۱) - بعضی‌ها هستند که انگیزه دارند و با عناد وارد می‌شوند؛ خوب، دشمن است دیگر؛ بحث بر سر او نیست؛ بحث بر سر من و شماست که توی عرصه هستیم. ما اگر بخواهیم بصیرت پیدا کنیم، باید چشم را باز کنیم؛ باید ببینیم. یک چیزهایی هست که قابل دیدن است. اگر ما از آنها سطحی عبور کنیم، آنها را نبینیم، طبعاً اشتباه می‌کنیم.

من یک مثال از تاریخ بزنم. در جنگ صفین لشکر معاویه نزدیک به شکست خوردن شد؛ چیزی نمانده بود که بکلی منهدم و منهزم شود. حيله‌ای که برای نجات خودشان اندیشیدند، این بود که قرآن‌ها را بر روی نیزه‌ها کنند و بیاورند وسط میدان ورقه‌های قرآن را سرنیزه کردند، آوردند وسط میدان، با این معنا که قرآن بین ما و شما حکم باشد. گفتند بیاید هرچه قرآن می‌گوید، برطبق آن عمل کنیم. خوب، کار عوام‌پسند قشنگی بود. یک عده‌ای که بعدها خوارج شدند و روی امیرالمؤمنین شمشیر کشیدند، از میان لشکر امیرالمؤمنین نگاه کردند، گفتند این که حرف خوبی است؛ اینها که حرف بدی نمی‌زنند؛ می‌گویند بیائیم قرآن را حکم کنیم. ببینید، اینجا فریب خوردن است؛ اینجا لغزیدن به خاطر این است که انسان زیر پایش را نگاه نمی‌کند. هیچ کس انسان را نمی‌بخشد اگر

۱- سوره نمل، آیه ۱۴.

بلغزد، به خاطر اینکه زیر پایش را نگاه نکرده، پوست خربزه را زیر پای خودش ندیده. آنها نگاه نکردند. آنها اگر میخواستند حقیقت را بفهمند، حقیقت جلوی چشمشان بود. این کسی که دارد دعوت می‌کند و می‌گوید بیائید به حکمیت قرآن تن بدهیم و رضایت بدهیم، کسی است که دارد با امام منتخبِ مفترض الطاعه می‌جنگد! او چطور به قرآن معتقد است؟ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب غیر از اینکه از نظر ما از طرف پیغمبر منصوب و منصوب بود، اما آن کسانی هم که این را قبول نداشتند، این مسئله را قبول داشتند که آن روز بعد از خلیفه‌ی سوم، همه‌ی مردم با او بیعت کردند، خلافت او را قبول کردند؛ شد امام، شد حاکم مفترض الطاعه‌ی جامعه‌ی اسلامی. هرکس با او می‌جنگید، روی او شمشیر می‌کشید، وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانها بود که با او مقابله کنند. خوب، اگر این کسی که قرآن را سرنیزه کرده، حقیقتاً به قرآن معتقد است، قرآن می‌گوید که تو چرا با علی می‌جنگی. اگر واقعاً به قرآن معتقد است، باید دستهایش را بالا ببرد، بگوید آقا من نمی‌جنگم؛ شمشیرش را بیندازد. این را باید می‌دیدند، باید می‌فهمیدند. این مطلب مشکلی بود؟ این معضلی بود که نشود فهمید؟ کوتاهی کردند. این می‌شود بی‌بصیرتی. اگر اندکی تدبیر و تأمل می‌کردند، این حقیقت را می‌فهمیدند؛ چون اینها خودشان در مدینه اصحاب امیرالمؤمنین بودند؛ دیده بودند که در قتل عثمان، عوامل و دستیاران خود معاویه مؤثر بودند؛ آنها کمک کردند به کشته شدن عثمان؛ در عین حال پیراهن عثمان را به عنوان خونخواهی بلند کردند. آنها خودشان این کار را کردند، مقصر خودشان بودند، اما دنبال مقصر

می‌گشتند. ببینید، این بی‌بصیرتی ناشی از بی‌دقتی است؛ ناشی از نگاه نکردن است؛ ناشی از چشم بستن بر روی یک حقیقت واضح است.

در همین قضایای فتنه‌ی اخیر، یک عده‌ای اشتباه کردند؛ این بر اثر بی‌بصیرتی بود. ادعای تقلب در یک انتخابات بزرگ و با عظمت می‌شود؛ خوب، این راهش واضح است. اگر چنانچه کسی معتقد به تقلب است، اولاً باید استدلال کند، دلیل بیاورد بر وجود تقلب؛ بعد هم اگر چنانچه دلیل آورد یا نیاورد، قانون راه را معین کره است؛ می‌تواند شکایت کند. باید بازرسی شود، بازبینی شود؛ آدمهای بی‌طرفی بیایند نگاه کنند تا معلوم شود تقلب شده یا نشده؛ راهش این است دیگر. اگر چنانچه کسی زیر بار این راه نرفت و قبول نکرد - با اینکه ماکمکهای زیادی هم کردیم: مدت قانونی را بنده تمدید کردم؛ حتی گفتیم خود افراد بیایند جلوی دوربینهای تلویزیون شمارش کنند - دارد تمرد می‌کند... مقصود این نیست که راجع به قضایای گذشته اظهار نظر کنیم؛ می‌خواهیم مثال بزینم. پس بصیرت پیدا کردن، کار دشواری نیست. اگر شما نگاه کردید دیدید یک راه معقول قانونی‌ای وجود دارد و کسی از آن راه معقول قانونی سر می‌پیچد و کاری می‌کند که برای کشور مضر است، ضربه‌ی به منافع ملت است، خوب، با نگاه عادلانه، با نگاه متعارف، با نگاه غیر جانبدارانه، معلوم است که او محکوم است؛ این یک چیز روشنی است، یک قضاوت واضحی است. پس ببینید مطالبه‌ی بصیرت، مطالبه‌ی یک امر دشوار و ناممکن نیست. بصیرت پیدا کردن، کار سختی نیست. بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دامهای گوناگون، از دوستی‌ها،

دشمنی‌ها، هوای نفس‌ها و پیشداوری‌های گوناگون نشود. انسان همین قدر نگاه کند و تدبیر کند، می‌تواند واقعیت را پیدا کند. مطالبه‌ی بصیرت، مطالبه‌ی همین تدبیر است؛ مطالبه‌ی همین نگاه کردن است؛ مطالبه‌ی چیز بیشتری نیست. و به این ترتیب می‌شود فهمید که بصیرت پیدا کردن، کار همه است؛ همه می‌توانند بصیرت پیدا کنند. البته بعضی نه به خاطر عناد، نه به خاطر بدخواهی، که گاهی غفلت می‌کنند. انسان با اینکه جان خودش را خیلی دوست دارد، اما گاهی ممکن است در حال رانندگی هم یک لحظه حواسش پرت شود، یک لحظه چرت بزند، یک ضایعه‌ای پیش بیاید. لغزشهایی که در این زمینه پیش می‌آید، اینها را نمی‌شود گناه دانست؛ اما اگر چنانچه تداوم پیدا کند، این دیگر بی‌بصیرتی است، این دیگر غیرقابل قبول است.

امروز کار عمده‌ی دشمن در جنگ نرم، غبارپراکنی در فضای سیاسی کشور است؛ این را توجه داشته باشید. امروز مهمترین کار دشمن این است. افرادی که در کار سیاسی و مسئله‌ی سیاسی واردند و مطلعند، می‌دانند امروز قدرت ابرقدرتها بیش از آنچه که در بمب هسته‌ای‌شان باشد، در ثروتهای انباشته‌ی در بانکهاشان باشد، در قدرت تبلیغاتی آنهاست، در صدای بلند آنهاست که به همه جا می‌رسد. شیوه‌های تبلیغاتی را هم خوب بلدند. در کار تبلیغات انصافاً پیشرفت هم کرده‌اند. امروز غربی‌ها - چه در اروپا، چه در آمریکا - در کار تبلیغات، شیوه‌های مدرن و بسیار پیشرفته‌ای را یاد گرفته‌اند و بلد شده‌اند؛ ما در این جهت عقیمیم. یکی از اساسی‌ترین کارهای آنها این است که تبلیغ کردن را بلدند.

با این شیوه‌های تبلیغی، با جنجال، با فرستادن انبوه حرفهای خلاف واقع، سعی می‌کنند فضای جوامع را دگرگون کنند و تأثیر بگذارند؛ باید به این نکته توجه داشت، باید این را مراقب بود. امروز وظیفه‌ی جوانهای ما از این جهت سنگین است. نه فقط خودتان باید حقیقت را تشخیص دهید، بلکه باید فضا و محیط پیرامونی خودتان را هم با بصیرت کنید و برای آنها هم قضایا را روشن کنید.

یک نکته‌ی اساسی این است که باطل در مقابل انسان همیشه عربان ظاهر نمی‌شود تا انسان بشناسد که این باطل است؛ غالباً باطل با لباس حق یا با بخشی از حق وارد میدان می‌شود. امیرالمؤمنین فرمود: «أما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع و احكام تبتدع يخالف فيها كتاب الله»، بعد تا می‌رسد به اینجا: «فلو ان الباطل خالص من مزاج الحق لم يخف على المرتادين و لو ان الحق خالص من لبس الباطل انقطعت عنه السن المعاندين»؛ (اگر باطل و حق صریح و بی‌شائبه وسط میدان بیایند، اختلافی باقی نمی‌ماند؛ همه حق را دوست دارند، همه از باطل بدشان می‌آید: «ولیکن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان فهنا لک یستولی الشیطان علی اولیائه»^(۱)) بخشی از حق را با بخشی از باطل مخلوط می‌کنند، نمی‌گذارند صرف باطل و صریح باطل باشد؛ لذا مخاطبان دچار اشتباه می‌شوند؛ این را باید خیلی مراقبت کرد. امروز در تبلیغات جهانی، همه‌ی تکیه بر روی این است که حقایق را در کشور شما، در جامعه‌ی شما، در نظام اسلامی شما دگرگون جلوه دهند؛ امکانات تبلیغاتی‌شان هم فراوان است، به طور دائم هم مشغولند. البته افرادی هم هستند که بعضی دانسته، بعضی ندانسته، در

داخل، همان حرفها را تکرار می‌کنند و همانها را بازتاب می‌دهند. خوب، یک نکته‌ای در اینجا وجود دارد: گاهی بصیرت هم وجود دارد، اما در عین حال خطا و اشتباه ادامه پیدا می‌کند؛ که گفتیم بصیرت شرط کافی برای موفقیت نیست، شرط لازم است. در اینجا عواملی وجود دارد؛ یکی اش مسئله‌ی نبود عزم و اراده است. بعضی‌ها حقایقی را می‌دانند، اما برای اقدام تصمیم نمی‌گیرند؛ برای اظهار تصمیم نمی‌گیرند؛ برای ایستادن در موضع حق و دفاع از حق تصمیم نمی‌گیرند. البته این تصمیم نگرفتن هم عللی دارد: گاهی عافیت طلبی است، گاهی تنزه طلبی است، گاهی هوای نفس است، گاهی شهوات است، گاهی ملاحظه‌ی منافع شخصی خود است، گاهی لجاجت است. یک حرفی را زده است، می‌خواهد پای این حرف بایستد، به خاطر اینکه ننگش می‌کند از حرف خودش برگردد؛ که فرمود: «لعن الله اللجاج»؛ لعنت خدا بر لجاجت. افرادی هستند اطلاع هم دارند، واقعیت را هم می‌دانند؛ در عین حال کمک می‌کنند به جهتگیری‌های مخالف، جهتگیری‌های دشمن. خیلی از این کسانی که پشیمان شدند و راه را برگشتند، یک روزی به شکل افراطی انقلابی بودند؛ اما یک روز شما می‌بینید درست در نقطه‌ی مقابل آن روز ایستاده‌اند و در خدمت ضد انقلاب قرار گرفته‌اند! این به خاطر همین عوامل است؛ هوی‌های نفسانی، شهوات نفسانی، غرق شد در مطالبات مادی، عامل اصلی اینها هم غفلت از ذکر پروردگار، غفلت از وظیفه، غفلت از مرگ، غفلت از قیامت است؛ اینها موجب می‌شود که بکلی صد و هشتاد درجه جهتگیری‌شان عوض شود.

البته بعضی هم اشتباه می‌کنند. نمی‌شود همه را مقصر دانست. ما بعضی‌ها را دیدیم که کسانی آمدند به عنوان هدیه، به عنوان اظهار ارادت، به اینها پول دادند؛ اینها هم پول را گرفتند، نفهمیدند اسم این رشوه است. آنچه که در عالم واقع اتفاق می‌افتد، شبیه یکدیگر است؛ منتها متفطن شدن به اینکه اسم این رشوه است یا نه، مهم است. شما که یک جایی قرار داری که می‌توانی یک کاری را بر طبق میل او انجام دهی، او می‌آید اینجور دستت را هم می‌بوسد و به شما پول می‌دهد. خوب، این اسمش رشوه است؛ رشوه‌ی حرام همین است.

در قضایای فتنه هم همین جور. بعضی در این فتنه و در این جنجال وارد شدند، نفهمیدند اسم این براندازی است؛ نفهمیدند این همان فتنه است که امیرالمؤمنین فرمود: «فی فتن داستهم بأخفافها و وطئتم بأظلافها و قامت علی سناپکها».^(۱) فتنه خرد و نابود می‌کند کسانی را که زیر دست و پای فتنه قرار بگیرند. آنها نفهمیدند این فتنه است. یک حرفی را یکی گفت، اینها هم تکرار کردند. پس نمی‌شود همه را محکوم به یک حکم دانست. حکم معاند متفاوت است با حکم غافل. البته غافل را هم باید بیدار کرد.

من می‌خواهم به شما جوانها عرض کنم؛ شما برای اینکه ایران اسلامی را بسازید، یعنی هم ملت و میهن عزیز و تاریختان را سربلند کنید، هم وظیفه‌ی خودتان را در مقابل اسلام با عظمت انجام دهید - که امروز اگر

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲.

کسی برای سربلندی ایران اسلامی تلاش کند، هم به میهن خود، به ملت خود، به تاریخ خود خدمت کرده است، هم به اسلام عزیز که مایه‌ی نجات بشریت است، خدمت کرده - باید بیدار باشید، باید هوشیار باشید، باید در صحنه باشید، باید بصیرت را محور کار خودتان قرار دهید. مواظب باشید دچار بی‌بصیرتی نشوید.

دشمن را بشناسید. به ظواهر دشمن فریب نخورید. مادیگری، گرایش مادی، تفکر مادی، تمدن مادی، دشمن بشریت و دشمن شماست. دنیای غرب از دو سه قرن قبل از این به دانش برتر و فناوری برتر دست یافت و سوراخ دعای ثروت و انباشت ثروت را پیدا کرد. مکتبهای اجتماعی گوناگونی پدید آمد، تفکرات فلسفی اجتماعی گوناگونی پدید آمد - لیبرالیسم مبتنی بر تفکر اومانستی، فکر دموکراسی و امثال اینها - هدف اینها یا هدف آن کسانی که دنبال این افکار رفتند، این بود که بتوانند بشر را به آسایش، به آرامش و به رفاه برسانند؛ لیکن آنچه در واقع تحقق پیدا کرد، عکس اینها بود. بشر در سایه‌ی تفکر اومانستی و در جهت نظامهای انسانگرا نه فقط به انسانیت دست نیافت، به آسایش دست نیافت، بلکه بیشترین جنگها، بیشترین کشتارها، بدترین قساوتها، زشت‌ترین رفتارهای انسان با انسان در این دوره به وجود آمد.^(۱)

۱- دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴.

وظایف تصریحی:

- ۱- تأکید هرچه بیشتر بر بصیرت به عنوان نورافکن، قبله‌نما و قطب‌نما.
- ۲- بصیرت شرط لازم است، بدون آن دشوار می‌توان با موفقیت به هدف رسید.
- ۳- هم بُعد اصولی و زیرین بصیرت یعنی نگاه توحیدی و نظام‌مند به جهان و هم بُعد بصیرت در حوادث یعنی سطحی عبور نکردن و عامیانه نگاه نکردن به حوادث را باهم بایستی داشت.
- ۴- چشم و گوش را نبایستی روی حقایق بست.
- ۵- قانون راه هر چیز را مشخص کرده است، بایستی به آن پایبند بود.
- ۶- باید فضا و محیط پیرامونی را هم با بصیرت کرد و قضا یا را برای دیگران هم روشن نمود.
- ۷- توجه به این نکته که دشمن همیشه باطل و حق را درهم می‌آمیزد تا تشخیص راه درست مشکل شود.
- ۸- علاوه بر بصیرت، بایستی دارای عزم و اراده در اظهار حق و ایستادگی در موضع حق بود.
- ۹- بایستی عوامل ممانعت از اظهار حق و ایستادگی بر آن را از میان برداشت.
- ۱۰- حکم معاند با حکم غافل متفاوت است، همه را به یک گونه نباید محکوم دانست.

۱۱- دشمن را بشناسید و به ظواهر او فریب نخورید.

وظایف استنباطی:

۱- علت اصلی اشتباه و خطا و انحراف کسانی که در فتنه فریب خوردند و گرفتار شدند، ضعف در لایه بنیادی بصیرت یعنی ذکر پروردگار، غفلت از مرگ و قیامت بود.

فصل چہارم

وظایف طلباء و روحانیوں و مبلغان

فضای فتنه را با روشنگری شفاف کنید

«مهمترین برهه‌ای و زمان و مکانی که تبلیغ، آنجا معنا می‌دهد، جایی است که فتنه وجود داشته باشد. بیشترین زحمت در صدر اسلام و در زمان پیغمبر، زحمات مربوط به منافقین بود. بعد از پیغمبر، در زمان امیرالمؤمنین زحماتی بود که از درگیری و چالش حکومت اسلامی با افرادی که مدعی اسلام بودند، به وجود می‌آمد. بعد هم همین جور؛ در دوران ائمه علیهم‌السلام هم همین جور؛ دوران غبارآلودگی فضا. و الا آن وقتی که جنگ بدر هست، کار، دشوار نیست؛ آن وقتی که در میدانهای نبرد حاضر می‌شوند، با دشمنانی که مشخص است این دشمن چه می‌گوید، کار دشوار نیست. آن وقتی مسئله مشکل است که امیرالمؤمنین در مقابل کسانی واقع می‌شود که اینها مدعی اسلامند و معتقد به اسلام هم هستند؛ اینجور نبود که معتقد به اسلام هم نباشند، از اسلام برگشته باشند؛ نه، معتقدند به اسلام، راه را غلط می‌روند، هواهای نفسانی کار دستشان می‌دهد. این، مشکل‌ترین وضع است که افراد را به شبهه می‌اندازد؛ به طوری که اصحاب عبدالله بن مسعود می‌آیند خدمت حضرت، می‌گویند: «اَنَا قَدْ شَكَكْنَا فِي هَذَا الْقِتَالِ!» چرا باید شک کنند؟ این شک خواص،

پایه‌ی حرکت صحیح جامعه‌ی اسلامی را مثل موریانه می‌جود. اینی که خواص در حقایق روشن تردید پیدا کنند و شک پیدا کنند، اساس کارها را مشکل می‌کند. مشکل کار امیرالمؤمنین، این است. امروز هم همین است. امروز در سطح دنیا که نگاه کنید، همین جور است؛ در سطح داخل جامعه‌ی خودمان که نگاه کنید، همین جور است. تبیین لازم است.

در سطح بین‌المللی، امروز دشمنان از همه‌ی ابزارها دارند استفاده می‌کنند برای مشوب کردن اذهان عمومی آحاد بشر - ملتها - خواصشان و عوامشان؛ تا هر جا دستشان برسد. دارند برای این تلاش می‌کنند. ادعای قانون‌گرایی می‌کنند، ادعای حقوق بشر می‌کنند، ادعای طرفداری از مظلوم می‌کنند. خب، اینها حرفهای قشنگی است، اینها حرفهای جاذبه‌داری است: اما حقیقت چیز دیگری است. این رئیس‌جمهور آمریکا - همین چند روز قبل از این - می‌گوید: ما دنبال این هستیم که دولتهای قانون‌شکن پاسخگو باشند. خب، کدام دولت قانون‌شکن است؟ کدام دولت قانون‌شکن تر از دولت آمریکا است؟ دولت آمریکا با کدام قانون عراق را اشغال کرد و این همه خسارت و تلفات انسانی و مادی و معنوی بر ملت عراق وارد کرد؟ براساس یک شایعه‌ی دروغی که خودشان به وجود آورده بودند، حمله کردند عراق را اشغال کردند که صدها هزار مردم عراق در این چند سال کشته شدند و چند میلیون مردم عراق آواره شدند. چندی پیش در خبرها آمده بود پانصد و پنجاه دانشمند عراقی به وسیله‌ی اسرائیلی‌ها ترور شدند. این، چیز کمی است؟! جوخه‌های ترور بسیج شدند، رفتند دانشمندان عراقی را یکی یکی پیدا

کردند، ترور کردند. این، بر اثر اشغال آمریکاست. با کدام قانون شما وارد عراق شدید؟ با کدام قانون تا حالا مانده‌اید؟ با کدام قانون دارید با مردم عراق اینجور اهانت آمیز رفتار می‌کنید؟ با کدام قانون افغانستان را اشغال کردید؟ با کدام قانون بین‌المللی عقل پسند دارید نیروهایتان را در افغانستان افزایش می‌دهید؟ چقدر اتفاق افتاد این حادثه که هواپیماهای آمریکائی، کاروانهای عروسی را در افغانستان به خاک و خون کشیدند؟ در طول این چند سال بارها و بارها اتفاق افتاد؛ ده‌ها نفر در هر حادثه‌ای کشته شدند؛ مردمی که در یک عروسی شرکت کرده بودند. آن وقت افسر آمریکائی با وقاحت تمام می‌گوید: ما دنبال طالبان هستیم! هر جا طالبان را پیدا کنیم، می‌زنیم! به عروسی مردم چه کار دارید؟ به زندگی مردم چه کار دارید؟ همین چندی پیش در هرات، یکی از این حوادث را به وجود آوردند، بیش از صد نفر کشته شدند که پنجاه تاشان کودکان بودند. مظهر بی‌قانونی شما هستید. قانون‌شکن‌ترین دولت‌ها، امروز دولت آمریکاست. حقیقت قضیه این است؛ اما زبانی که به کار می‌برند، آن چیزی است که گفتیم: ما با قانون‌شکنی مخالفیم! دولت‌های قانون‌شکن باید پاسخگو باشند! ببینید، فتنه یعنی این. چه چیزی می‌تواند این توطئه‌ها را، این جریان گنداب فاسد را از مجموعه‌ی افکار عمومی عالم جمع بکند جز روشنگری؟ و این ظلمات را بشکند. چه می‌تواند بشکند، جز چراغ و مشعل بیان حقیقت؟ ببینید چقدر وظیفه، سنگین است.

در زمینه‌های مسائل دینی هم همین جور است. یکی از کارهایی که امروز دست‌های فتنه‌انگیز در دنیا بجد دنبالش هستند، اختلافات مذهبی در

بین مسلمانهاست. چون منطقه‌ای که مسلمانها در آن زندگی می‌کنند، منطقه‌ی حساسی است، منطقه‌ی پرفایده‌ای است، منطقه‌ی راهبردی است، منطقه‌ی نفت است و آنها به اینجا احتیاج دارند؛ اسلام هم مزاحم است. پس بایستی یک جوری مشکل اسلام را برای خدشان حل کنند. یکی از راه‌های خوبی که پیدا کرده‌اند، ایجاد اختلاف بین مسلمانهاست؛ وسیله‌ی اختلاف هم تعصبات مذهبی. چه چیزی می‌تواند در مقابل این، ایستادگی بکند؟ بصیرت، روشنگری، تبلیغ صحیح، در دام دشمن نیفتادن. این، عرصه‌ی بین‌المللی است.

در عرصه‌ی داخلی هم همین جور. شما ملاحظه کنید یک عده‌ای قانون‌شکنی کردند، ایجاد اغتشاش کردند، مردم را به ایستادگی در مقابل نظام تا آنجائی که می‌توانستند، تشویق کردند - حالا تیغشان نبرید؛ آن کاری که می‌خواستند نشد، او بحث دیگری است؛ آنها تلاش خودشان را کردند - زبان دشمنان انقلاب را و دشمنان اسلام را دراز کردند، جرأت به آنها دادند؛ کاری کردند که دشمنان امام - آن کسانی که بغض امام را در دل داشتند - جرأت پیدا کنند بیایند توی دانشگاه، به عکس امام اهانت بکنند؛ کاری کردند که دشمن مأیوس و نومید، جان بگیرد، تشویق بشود بیاید در مقابل چشم انبوه دانشجویانی که مطمئناً اینها علاقه‌مند به امامند، علاقه‌مند به انقلابند، عاشق کار برای کشور و میهنشان و جمهوری اسلامی هستند، یک چنین اهانتی، یک چنین کار بزرگی انجام بدهند. آن قانون‌شکنی‌شان، آن اغتشاش جوئی‌شان - تشویقشان به اغتشاش و کشاندن مردم به عرصه‌ی اغتشاشگری - این هم نتایجش. این خطاها اتفاق

می‌افتد، عمل خلاف انجام می‌گیرد، کار غلط انجام می‌گیرد، بعد برای اینکه این کار غلط، غلط بودنش پنهان بشود، اطراف او فلسفه درست می‌شود! فلسفه می‌بافند؛ استدلال برایش درست می‌کنند! از ابتلائات بزرگ انسانها این است؛ همه‌مان در معرض خطریم، باید مراقب باشیم. کار خطا را می‌کنیم، بعد برای اینکه در مقابل وجدانمان، در مقابل سؤال مردم، در مقابل چشم پرسشگران بتوانیم از کار خودمان دفاع کنیم، یک فلسفه‌ای برایش درست می‌کنیم؛ یک استدلالی برایش می‌تراشیم!

خب، اینها ایجاد فتنه می‌کند؛ یعنی فضا را فضای غبارآلود می‌کند. شعار طرفداری از قانون می‌دهند، عمل صریحاً برخلاف قانون انجام می‌دهند. شعار طرفداری از امام می‌دهند، بعد کاری می‌کنند که در عرصه‌ی طرفداران آنها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این، کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم می‌کنند. براساس آن تحلیل، تصمیم می‌گیرند؛ براساس آن تصمیم، عمل می‌کنند؛ تشویق می‌شوند علیه مصالح ملی، علیه ملت ایران. اینجا آن چیزی که مشکل را ایجاد می‌کند، همان فریب، همان غبارآلودگی فضا و همان چیزی است که در بیان امیرالمؤمنین علیه السلام هست: «ولکن یؤخذ من هذا ضعف و من هذا ضعف فیمزجان فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه»^(۱)؛ یک کلمه‌ی حق را با یک کلمه‌ی باطل مخلوط می‌کنند، حق بر اولیاء حق مشتبه می‌شود. اینجاست که روشنگری، شاخص معین کردن، مایز معین کردن، معنا پیدا می‌کند.

من هیچ اعتقادی ندارم به دفع؛ من گفتم در نماز جمعه؛ اعتقاد من به جذب حداکثری و دفع حداقلی است؛ اما بعضی کأنه خودشان اصرار دارند بر اینکه از نظام فاصله بگیرند. یک اختلاف درون خانوادگی را، درون نظام را - که مبارزات انتخاباتی بود - یک عده‌ای تبدیل کردند به مبارزه‌ی با نظام - البته اینها اقلیتند، کوچکنند؛ در مقابل عظمت ملت ایران صفرند، لکن به نام اینها شعار می‌دهند، اینها هم دل خوش می‌کنند به این - این باید مایه‌ی عبرت باشد. تبلیغ باید بتواند این حقایق را برای مردم و برای خود آنها روشن بکند که بفهمند دارند خطا می‌کنند و اشتباه می‌کنند.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- توجه به این نکته که مهمترین برهه‌ای و زمانی و مکانی که تبلیغ، آنجا معنا می‌دهد، جایی است که فتنه وجود داشته باشد.
- ۲- روشنگری و بیان حقیقت در شرایط فتنه.
- ۳- تبیین خطاها و اشتباهات فتنه‌گران و عبرت‌های فتنه برای مردم و صحنه‌گردانان فتنه.

وظایف استنباطی:

- ۱- بیشترین بار روشنگری جامعه و زدودن آثار فتنه بعهدہ روحانیت است.

۱- دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲.

۲- باید بیشتر روی معنای فتنه، روشهای فتنه‌گری و شیوه‌های عبور از فتنه کار کرد، تا تعیین مصداقهای فتنه‌گران.

به طور دائم و به روز پاسخ شبهه‌ها را بدهید

«نکته‌ی سوم، تقویت ایمان دینی، تأمین نیازهای فکری و استفهامهای نسل جوان است؛ که این عمدتاً متوجه به روحانیت و حوزه‌های علمیه است. دائماً شبهه‌القاء می‌کنند؛ باید به طور دائم و به روز پاسخ شبهه‌ها را داد.

نکته‌ی چهارم، معرفی درست و شایسته‌ی روحانیت است؛ که این فقط وظیفه‌ی خود روحانیون نیست. روشنفکران و آگاهان می‌توانند نقش روحانیت را در کشور نشان بدهند و نشان بدهند که در مقاطع حساس، روحانیت، بخصوص مراجع معظم و بزرگان حوزه‌های علمیه، از چه مشکلاتی و چه گذرگاه‌های سختی توانسته‌اند جامعه را عبور بدهند.^(۱)

وظایف تصریحی:

۱- تقویت ایمان دینی، تأمین نیازهای فکری و شبهات و سؤالهای

نسل جوان.

۲- معرفی درست و شایسته و نقش روحانیت در کشور و در

مشکلات و گذرگاه‌های سخت.

۱- بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۷.

وظایف استنباطی:

- ۱- روشنگری جامعه از لحاظ دینی و ایمانی و شبهات، علاوه بر بیمه کردن انقلاب و نظام، موقعیت و نقش روحانیت و مراجع را تثبیت می‌کند.
- ۲- جامعه بایستی با خدمات و جایگاه روحانیت بخوبی آشنا شود تا تحت تأثیر القانات سوء دشمنان قرار نگیرد. این مهم به عهده همه آگاهان جامعه بویژه روحانیت است.

نظریه‌پردازی در همه‌ی جریانهای اداره‌ی کشور و ملت

«دو حقیقت و دو مفهوم دیگر وجود دارد که آنها مفاهیم ارزشی و ارزش آفرین است. یک مفهوم این است که نظام به لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیه و مستظهر به تلاش علمی آنهاست. نظام متکی به حوزه‌های علمیه است؛ متکی به علما، برجستگان و صاحب‌نظران دینی است. یک مفهوم دیگر هم این است که حوزه و روحانیت نسبت به نظام دینی بی‌تفاوت نیست. هیچ روحانی‌ای، هیچ عالم دینی، هیچ خادم اسلامی نمی‌تواند نسبت به نظامی که براساس اسلام پدید آمده است، با انگیزه‌ی اسلام حرکت کرده است و کار می‌کند، بی‌تفاوت باشد؛ نمی‌تواند خود را بیگانه به حساب بیاورد. این هم یک حقیقت دیگر است.

آن حقیقت اول که گفتیم نظام مستظهر به حوزه‌های علمیه است، به خاطر این است که نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه‌ی

جریانهای اداره‌ی یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده‌ی علمای دین است. آن کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند اگر جای این نظریه‌پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آنها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلأ نمی‌تواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته‌ی اذهان مادی است، می‌آید جایگزین می‌شود؛ همچنان که در آن مواردی که این خلأها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد.

اینکه بنده درباره‌ی علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانشهای ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه هم به مؤولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رائج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رائج شد، مدیران براساس آنها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند. حوزه‌های علمیه و علمای دین پشتوانه‌هایی هستند که موظفند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آنها را در اختیار

بگذارند، برای برنامه‌ریزی، برای زمینه‌سازی‌های گوناگون. پس نظام اسلامی پشتوانه‌اش علمای دین و علمای صاحب‌نظر و نظریات اسلامی است؛ لذا نظام موظف به حمایت از حوزه‌های علمیه است، چون تکیه‌گاه اوست.

علاوه‌ی بر اینها که نظام اسلامی برای اداره‌ی ملت و کشور نیازمند به حوزه‌هاست، یک نکته‌ی دیگری هم وجود دارد و آن این است که امروز شبهه‌هایی مطرح می‌شود که آماج آن شبهه‌ها نظام است. شبهات دینی، شبهات سیاسی، شبهات اعتقادی و معرفتی در متن جامعه تزریق می‌شود. بخصوص در میان جوانان - هدفش فقط این است که یکی را از یک فکری منتقل کند به یک فکر دیگری؛ هدفش این است که پشتوانه‌های انسانی نظام را از بین ببرد؛ مبانی اصلی نظام را در ذهنها مخدوش کند؛ دشمنی با نظام است. لذا برطرف کردن این شبهه‌ها، مواجهه‌ی با این شبهه‌ها، پاک کردن این غبارها از ذهنیت جامعه - که به وسیله‌ی علمای دین انجام می‌گیرد - این هم یک پشتیبانی دیگر، یک پشتوانه‌ی دیگر برای نظام اسلامی است. پس نظام اسلامی از جهات مختلف متکی به علمای دین و نظریه‌پردازان و محققان و دانشمندان حوزه‌های علمیه است.

از آن طرف، حوزه‌های علمیه هم نمی‌توانند بی‌تفاوت بمانند. حوزه‌ی علمیه، بخصوص حوزه‌ی علمیه‌ی قم مادر این نظام است؛ به وجودآورنده و مولد این انقلاب و این حرکت عظیم است. یک مادر چگونه می‌تواند از زاده‌ی خود، از فرزند خود غافل بماند، نسبت به او

بی تفاوت باشد، در هنگام لازم از او دفاع نکند؟ ممکن نیست. بنابراین نسبت بین حوزه‌های علمیه و نظام جمهوری اسلامی، نسبت حمایت متقابل است. نظام از حوزه‌ها حمایت می‌کند، حوزه‌ها از نظام حمایت می‌کنند؛ همکاری می‌کنند، به یکدیگر کمک می‌کنند.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- نسبت به نظام دینی که براساس اسلام پدید آمده است نباید بی‌اعتنا و بی‌تفاوت باشند.
- ۲- در ابواب نسبیّت مانند اقتصاد، مدیریت، جنگ و صلح، مسائل تربیتی و غیر آن، بایستی نظریه پردازی نمایند.
- ۳- در باب علوم انسانی، حوزه و روحانیت وظیفه بیشتری برعهده دارند.
- ۴- شناخت شبهات و پاسخ مناسب و بموقع برای پاک کردن غبار از ذهنیت جامعه.
- ۵- انقلاب و نظام اسلامی زاده حوزه‌های علمیه است و لذا روحانیت و حوزه‌های علمیه بایستی از نظام حمایت و با آن همکای کنند.

۱- دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه‌های علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.

وظایف استنباطی:

۱- نسبت به نقش حوزه‌های علمیه و روحانیت، شبهاتی توسط دشمن در جامعه منتشر می‌شود که عملکرد روحانیت بایستی آن را خنثی کند.

۲- نسبت به ارتباط و همکاری حوزه و روحانیت با دولت نیز شبهاتی مطرح می‌شود که روحانیت بایستی آنها را بشناسد، تحت تأثیر قرار نگیرد و به حمایتها و همکاری خود بیفزاید.

پاسخ منطقی و نو به نیازهای نو در جهان

«امروز حوزه نباید در صحنه‌های متعدد فلسفی و فقهی و کلامی در دنیا غائب باشد. این همه سؤال در دنیا و در مسائل گوناگون مطرح است؛ پاسخ حوزه چیست؟ نه باید غائب باشد، نه باید منفعل باشد؛ هر دو ضرر دارد. فکر نو لازم است، پاسخ به نیازهای نو به نو لازم است که دارد مثل سیل در دنیا مطرح می‌شود؛ باید شما برایش جواب فراهم کنید. جواب شما باید ناظر باشد به این نیاز، و نیز ناظر باشد به پاسخهایی که مکاتب و فرقه‌های گوناگون می‌دهند. اگر از جوابهای آنها غافل باشید، پاسخ شما نمی‌تواند کار خودش را انجام دهد. باید پاسخ قوی، منطقی و قانع‌کننده بیاورید وسط. باید پاسخها در دنیا مطرح شود. دائم بایستی صادرات قم - همان‌طور که عرض کردیم، این قلب معرفتی دنیای اسلام - پمپاژ بشود. امروز خوشبختانه وسائل ارتباطی سریع در اختیار همه هست. شما می‌توانید اینجا اقدامی بکنید، در آن طرف دنیا در همان ساعت از شما

بشنوند و استفاده کنند.

در زمینه‌های گوناگون، امروز نیاز وجود دارد؛ هم برای نظام اسلامی، هم در سطح کشور، هم در سطح جهان. تبیین معرفت‌شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی‌ای که پایه‌های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهد، نظام تعلیم و تربیت، مفاهیم اخلاقی و معنوی، غیره، غیره، همه‌ی اینها باید دقیق، علمی، قانع‌کننده و ناظر به اندیشه‌های رائج جهان آماده و فراهم شود؛ این کار حوزه‌هاست. با اجتهاد، این کار عملی است. اگر ما این کار را نکنیم، به دست خودمان کمک کرده‌ایم به حذف دین از صحنه‌ی زندگی بشر؛ به دست خودمان کمک کرده‌ایم به انزوای روحانیت. این، معنی تحول است. این حرکت نو به نوبی اجتهادی، اساس تحول است.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- باید در صحنه‌های سؤالات گوناگون دنیا حاضر باشد، نه غایب و نه منفعل باشد.
- ۲- پاسخ به نیازهای گوناگون دنیا، بایستی قوی، منطقی و قانع‌کننده باشد.

۱- دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه‌های علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.

وظایف استنباطی:

- ۱- روحانیت بایستی پیشرو در حل مشکلات فکری و مدیریتی دنیا باشد.
- ۲- نقد اندیشه‌های رایج دنیا و ارائه نظریات قوی تر و منطقی برای اقناع ملت‌های دنیا.

پرهیز از افراط و تفریط، عصبانی نشدن و در صحنه ماندن

«یک نکته هم خطاب به جوانان پرشور و انقلابی حوزه است، که متن حوزه غالباً همین جوانهای پرشور و طلاب انقلابی هستند. عزیزان من! آینده مال شماهاست، امید آینده‌ی کشور شماها هستید؛ باید خیلی مراقبت کنید. درست است که جوان طلبه‌ی انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ نیادا حرکت انقلابی جوری باشد که بتوانند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوانهای انقلابی بدانند؛ همان طور که کناره‌گیری و سکوت و بی تفاوتی ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به بعضی حوزه، به بعضی از مراجع یک وقتی مثلاً اهانتی شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است، این خطاست. اقتضای انقلابی‌گری، اینها نیست. انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرائط زمانه را درک کند. مسئله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ اینجوری

نمی‌شود. باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مایوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند. شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است. البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند؛ بعضی هم اینجوری دوست می‌دارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه‌ی انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی که در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام می‌گیرد؛ واضح است. پس نه از آن طرف، نه از این طرف.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- جوانان پرشور و انقلابی حوزه باید مراقب باشند و از افراط و تفریط پرهیز کنند.
- ۲- اهانت به مراجع و مقدسات و بزرگان حوزه قطعاً انحراف و خطاست.
- ۳- ضمن حفظ شور انقلابی، با مشکلات بسازید، مایوس و عصبانی نشوید.

۱- دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه‌های علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.

۴- از اتهامات نباید سست شد.

۵- رفتار بعضی از کسانی که بنظر شما جای اعتراض دارد شما را عصبانی نکند و از کوره در نبرد.

وظایف استنباطی:

۱- انقلابیگری لزوماً با تندروی همراه نیست، منطق و عقل و درایت باید با انقلابیگری همراه باشد.

۲- دشمن دوست دارد و تلاش می‌کند تا طلاب و حوزویان را به دو گروه تقسیم و هریک را متهم به اتهامی کند، باید از این دام با هوشیاری جست.

فصل پنجم

وظایف بسیج و بسیجیان

تنوع عرصه‌های حضور بسیج

«آنچه مهم است برای مجموعه‌های گوناگون مؤمن - که در همه جای کشور، در همه‌ی قشرها، بدون هیچ‌گونه اختلافی حضور دارند؛ که اسم آنها اسم بسیج است؛ توصیف آنها به بسیج، یک توصیف حقیقی و واقعی است - این است که مراقبت کنند، آسیب‌شناسی کنند، نگذارند نقشه‌های دشمن در آسیب زدن و آفت وارد کردن توفیق پیدا کند؛ این مهم است. در همه‌ی حرکت‌های موفق، دو کار لازم است: یک کار، پیش‌بینی‌های راه برای پیشرفت؛ کار دوم، ملاحظه‌ی نقصها و آفت‌زدائی‌ها و شناخت آسیبها، برای اینکه ضعفها برطرف شود. این هم پیش‌بینی است؛ این هم مثل پیش‌بینی راه پیشرفت، جزو واجبات و فرائض هر حرکت است.

همه این را امروز فهمیده‌اند و دانسته‌اند که مواجهه‌ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی، دیگر از نوع مواجهه‌ی دهه‌ی اول انقلاب نیست. در آن مواجهه، زور آزمائی کردند؛ شکست خوردند.

مواجهه‌ی سخت بود؛ ایجاد جنگ بود، کودتا بود. در اول انقلاب، کودتا راه انداختند، شکست خوردند؛ شورشهای قومی راه انداختن،

سرکوب شدند و شکست خوردند؛ جنگ تحمیلی را به راه انداختند که هشت سال به طول انجامید، شکست خوردند؛ پس دنبال این راه‌ها نخواهند رفت، یعنی احتمالش ضعیف است. البته باید همیشه هشیاری نسبت به همه‌ی جوانب باشد. اما این، اولویت استکبار در مواجهه‌ی با نظام اسلامی نیست. اولویت، آن چیزی است که امروز به آن می‌گویند جنگ نرم؛ یعنی جنگ به وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، به وسیله‌ی نفوذ، به وسیله‌ی دروغ، به وسیله‌ی شایعه‌پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و ذهنهای مردم.

یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند؛ یک بهانه‌ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند؛ مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه‌ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما با بصیرتند. اینجور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را بکلی عوض کرد؛ در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دلهای مردم نسبت به یکدیگر؛ یک بهانه‌ای مثل بهانه‌ی انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دلها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند؛ بعد در میانه، عناصر دست‌آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسئولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو

طرحهای اساسی است. اینجور کاری را دنبال می‌کنند.

خوب، شما ببینید در یک چنین وضعیتی چه چیزی بیش از همه برای انسان مهم است؟ بصیرت، بنده بارها بر روی بصیرت تکیه می‌کنم، به خاطر همین. مردم بدانند چه اتفاقی دارد می‌افتد؛ ببینند آن دستی را که دارد صحنه گردانی می‌کند، صحنه را شلوغ می‌کند تا در خلال شلوغی‌های مردم، یک عنصر خائنی، یک عنصر دست‌نشانده و دست‌آموزی بیاید کاری را که آنها می‌خواهند، انجام بدهد و نشود او را توی مردم پیدا کرد؛ این کاری است که دشمن می‌خواهد انجام بدهد. هر اقدامی که به بصیرت منتهی بشود، بتواند عنصر خائن را، عنصر بدخواه را از آحاد مردم و توده‌ی مردم جدا کند، او را مشخص کند، این خوب است. هر اقدامی که فضا را مغشوش کند، مشوش کند، انسانها را نسبت به یکدیگر مردد کند، فضای تهمت‌آلود باشد، مجرم و غیر مجرم در آن مخلوط بشوند، این فضا مضر است، مخالف است.

اصرار بنده بر این است که آحاد مردم، ملت ایران، جریانات مختلف سیاسی، همه در مقابل آن افراد معدودی که با اصل این انقلاب مخالفند، با اصل استقلال کشور مخالفند، هدفشان دو دستی تقدیم کردن کشور به آمریکا و به استکبار است، با یکدیگر یکی باشند. دشمن از اینگونه عناصر در داخل ملتها دارد؛ در داخل ملت ما هم اینجور کسانی هستند، معدودی از این قبیل پیدا می‌شوند. متن ملت، آحاد مردم، این توده‌ی عظیم مردمی - از خواص تا عامه‌ی مردم - اینها را باید از آن عناصر معدود خودفروخته جدا کرد؛ نباید اشتباه اتفاق بیفتد. من می‌بینم در بعضی از

اظهارات، در بعضی از حرفها، فضا آنچنان مغشوش می شود که افراد سردرگم می شوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگانشان، نسبت به مسؤولان نشان بدبین می شوند؛ این درست نیست.

حالا بعضی ها - چه مطبوعات، چه بعضی از عناصر گوناگون - توصیه پذیر نیستند؛ آنها از ما توصیه نمی خواهند؛ معلوم نیست سیاستهای بعضی از این دستگاهها و مطبوعات و رسانهها را کی معین می کند و کجا معین می شود - نشان در ایجاد اختلاف است - اما آن کسانی که مصالح کشور را می خواهند، مایلند حقائق را غالب کنند، من توصیه ام به آنها این است که از این اختلافات جزئی و غیر اصولی صرف نظر کنند. شایعه سازی و شایعه پراکنی درست نیست. انسان می بیند صریحاً و علناً به مسؤولین کشور - کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند - تهمت می زنند، نسبت به اینها شایعه سازی می کنند؛ فرق هم نمی کند، چه رئیس جمهور باشد، چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوه قضائیه باشد؛ اینها مسؤولین کشورند. مسؤولین کشور کسانی هستند که زمام یک کاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه پراکنی کرد؛ دشمن این را می خواهد. دشمن می خواهد شایعه پراکنی کند؛ می خواهد دلها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسؤولین بدبین کند.

دیدید شما در اوائل همین حوادث بعد از انتخابات - این فتنه ی بعد از انتخابات - اولین کاری که شد، تردیدافکنی در کار مسؤولین رسمی کشور

بود؛ در کار شورای نگهبان، در کار وزارت کشور. این تردیدافکنی‌ها خیلی مضر است؛ دشمن این را می‌خواهد. جوانان بسیجی باید ایمان را، بصیرت را، رعایت موازین و معیارها را، اینها همه را باهم ملاحظه کنند. از جمله‌ی چیزهای مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد، تنوع عرصه‌های حضور بسیج است. این رویکردی که اخیراً برای بسیج اعلام شد - رویکرد علم، نوآوری علمی، کار فرهنگی - بسیار چیز مبارکی است. خیلی کارها هست که باید انجام بگیرد، که جز با روحیه‌ی بسیجی و با همین ایمان جوشان امکان‌پذیر نیست. مطمئن باشید تا بسیج در این کشور هست، تا این روحیه‌ی صدق و صفا و خدمت بی‌مزد و منت در میان مردم ما - بخصوص جوانان ما - وجود دارد، دشمن هیچگونه لطمه‌ای به این انقلاب و به این نظام و به این کشور نخواهد توانست وارد کند.

کسانی هم که با اشاره‌ی دشمن، با تشویق دشمن، با لبخند دشمن، با کف زدن دشمن برایشان، می‌خواهند با این نظام، با این قانون اساسی، با این حرکت عظیم مردمی مواجه کنند، سرشان را دارند به سنگ می‌زنند؛ سر به دیوار می‌کوبند، کار بیهوده می‌کنند. مراقب باشید، مواظب باشید، نمی‌شود هر کسی را بمجرد یک خطائی یا اشتباهی گفت منافق؛ نمی‌شود هر کسی را بمجرد اینکه یک کلمه حرفی برخلاف آنچه که من و شما فکر می‌کنیم، زد، بگوئیم آقا این ضد ولایت فقیه است. در تشخیصها خیلی باید مراقبت کنید. من تأکیدم به شما جوانان عزیز، فرزندان خود من، جوانان پرشور این کشور در سرتاسر میهن عزیز، همین است. انگیزه‌ها با شدت، با قوت، با ایمان کامل، با امید کامل به آینده حفظ بشود؛ اما در

تشخیصها و در مصداقهای مختلف دقت بشود. بی‌دقتی در مصداقها، گاهی اوقات ضررها و لطمات بزرگی خواهد زد»^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- ضرورت آسیب‌شناسی برای خنثی کردن نقشه‌های دشمن.
- ۲- رفع نقصها و آفت‌زدایی جزو واجبات حرکت است.
- ۳- بصیرت مهمترین راهکار مقابله با جنگ نرم.
- ۴- حفظ وحدت و همدلی در برابر کسانی که با اصل انقلاب و استقلال کشور مخالفند.
- ۵- اشتباه نکردن در تشخیص افراد خودفروخته از متن و آحاد مردم.
- ۶- ایمان، بصیرت، انگیزه، رعایت موازین و معیارها را باهم باید داشت.
- ۷- دقت در تشخیصها و تعیین مصداقها.
- ۸- حاکم کردن روحیه بسیجی در کشور.
- ۹- توجه به تنوع عرصه حضور بسیج خصوصاً رویکرد علمی و نوآوری فرهنگی.

۱- دیدار با جمع کثیری از بسیجیان کشور، ۱۳۸۸/۹/۴.

وظایف استنباطی:

- ۱- باید مانع تردید و دو دلی و بی‌اعتمادی در مردم شد.
- ۲- از هر حرف و حرکتی که دلها را نسبت به هم چرکین می‌کند باید خودداری کرد.
- ۳- اساس و اصل حفظ وحدت است، هر حرکتی با این معیار قابل ارزیابی است.
- ۴- بسیج باید پشتوانه مسؤولین رسمی کشور باشد.

باید حق را شناخت و شخصیتها را با آن سنجید

«معنای بسیج، توأم کردن ایمان و عمل است؛ عمل مجاهدانه، نه صرفاً عمل شخصی. از نظر اسلام، ایمان مجرد از عمل، یک حداقل است. ایمان کامل و ایمان حقیقی آن ایمانی است که با جهاد در میدان عمل همراه باشد. «و الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا»^(۱)؛ مؤمن حقیقی آن کسی است که ایمان را با جهاد و هجرت و نصرت همراه می‌کند. تشخّص بسیجی به این است. این فکر غلط و انحرافی که ما ایمان را منهای عمل و منهای جهاد، برای تقرب الی الله کافی بدانیم، این آیه و آیات زیادی آن را رد می‌کنند. بسیج، قائم به همین است که ایمان همراه با عمل، آن هم عمل مجاهدانه باشد. پس جهاد عرصه‌های مختلفی دارد که عرض شد.

تا امروز بسیج رشد داشته است. پیشرفت بسیج در ابعاد مختلف، همان پیشرفتی است که مورد انتظار هر کسی است که بسیج را می‌شناخت؛ هم

۱- سورة انفال، آیه ۷۴.

رشد کمی داشته است، هم رشد کیفی و معنوی، هم ایستادگی در مقابل مزاحمها و معارضه‌های مؤثر در دل انسان و تکان‌دهنده‌ی دل انسان؛ یعنی وسوسه‌ها. بسیج در این زمینه‌ها امتحان خود را داده است.

آنچه که برای همه‌ی ما، برای همه‌ی بسیجیان عزیز، برای جوانها در هر نقطه‌ای از این عرصه‌ی عظیم که مشغول کار هستند. باید به عنوان شاخص مطرح باشد، عبارت است از این سه عنصر: بصیرت، اخلاص، عمل بهنگام و اندازه؛ این سه عنصر را همیشه با یکدیگر توأم کنید و در نظر داشته باشید. این عناصر سه گانه باید برای ما شاخص باشد؛ بصیرت، اخلاص، عمل بهنگام و به اندازه.

آنچه که راه را مشخص می‌کند، بصیرت است. این سردار محترم و گرامی خیلی درست گفتند که بسیجیان در قبال پیچیدگی اوضاع توانسته‌اند در ذهن خود و فکر خود و شخصیت خود پیچیدگی ایجاد کنند و بشناسند؛ قضایای سال ۸۸ این را نشان داد. ممکن بود خیلی‌ها اشتباه کنند و خیلی‌ها هم اشتباه کردند؛ اگرچه اکثر آن کسانی که اشتباه کرده بودند، به فاصله‌ی کمی اشتباه را تصحیح کردند؛ اما حرکت عظیم بسیج، این شاخص بصیرت و این پرچم بصیرت را برای خود حفظ کرد؛ اشتباه نکرد؛ همان طور که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده بود: «لا یعرف الحق بالرجال»؛ با چهره‌ها نمی‌شود حق را تشخیص داد. یک چهره‌ی موجه محترم است، مورد قبول است، مورد تکریم است؛ اما او نمی‌تواند شاخص حق باشد. گاهی چهره‌ی موجهی مثل بعضی از صحابه‌ی پیغمبر راه را عوضی می‌روند، اشتباه می‌کنند. باید حق را شناخت، باید راه را

تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل. هرکه از این راه رفت، حق است؛ هرکه از راه حق نرفت، مردود است. حق را باید شناخت. جماعت جوان مؤمن گرد آمده‌ی در زیر سقف بسیج و پرچم بسیج، این بصیرت را نشان دادند؛ نشان دادند با بصیرتند. بصیرت، عنصر اول است. در آینده هم باید همین جور باشد. قدرت تحلیل باید پیدا کرد، قدرت تشخیص باید پیدا کرد. امام - کسی که پدر همه‌ی این جریان بود، حق حیات به گردن جامعه و این حرکت عظیم داشت - فرمودند اگر من از اسلام جدا شوم، مردم از من رو بخواهند گردانند. شاخص، اسلام است؛ شاخص، اشخاص نیستند؛ این حرف امام (رضوان الله علیه) است. او به ما یاد داد که راه را تشخیص بدهیم، حرکت صحیح را تشخیص بدهیم، نقشه‌ی دشمن را بفهمیم و بخوانیم تا بتوانیم بفهمیم کدام کار در جهت دشمن و در خط دشمن است و کدام کار در ضد اوست. پس بصیرت، عنصر اول است. بصیرت را نباید فراموش کرد.

عنصر دوم، اخلاص است. فرمود اگر کسی در میدان جهاد فی سبیل الله دنبال یک خواسته‌ی شخصی برود، دنبال غنیمت برود و کشته شود، شهید فی سبیل الله نیست. شرط شهادت و شرط مجاهد فی سبیل الله بودن این است که حرکت او فی سبیل الله باشد، لله باشد؛ یعنی اخلاص داشته باشد. انگیزه‌های شخصی، انگیزه‌های گروهی، انگیزه‌های فامیلی، رودر بایستی‌های رفاقتی اگر در حرکت ما تأثیر گذاشت، این اخلاص را مشوب می‌کند، مشکل درست می‌کند. بی‌اخلاصی، یک جانی خودش را نشان خواهد داد.

عنصر سوم، عمل بهنگام و به اندازه است. لحظه‌ها را باید شناخت. اگر چنانچه انسان وقت‌شناس نباشد، نداند کدام کار را در کجا باید انجام داد، ممکن است خطاهای بزرگی از انسان سر بزند. خوب، جوانان بسیجی ما - از پسرها و دخترها - در بخشهای مختلف مشغول تلاش هستند؛ تلاش فکری، تلاش علمی، تلاش سیاسی، تلاش اجتماعی؛ همه‌ی اینها وقتی برای خدا و برای انجام وظیفه باشد، مجاهدت و جهاد فی سبیل الله است. بسیجی آن کسی است که این کارها را انجام می‌دهد. در همه‌ی اینها باید آن خط روشن و صحیح را در نظر گرفت؛ یعنی خط انقلاب، خط حفظ نظام، خط احیای دین. اگر بخواهیم این سه عنصر را تأمین کنیم، باید در درون خودمان با خودمان مجاهدت کنیم؛ یعنی جهاد اکبر. جهاد با نفس تلاشی است که امروز همه‌ی ما به آن احتیاج داریم.

آنچه که برای فهم درست قضایا لازم است، از جمله این است که بینیم دشمن چه خطی را دارد دنبال می‌کند. امروز یکی از خطوط اصلی کار دشمن - که از عناصر مهم جنگ نرم به حساب می‌آید - این است که واقعیات را دگرگون جلوه دهد، حوادث گوناگون را دگرگون جلوه دهد. خود تبلیغاتی که دشمن در این زمینه انجام می‌دهد، نشانه‌ی ضعف اوست. دشمن هر جا که در میدان واقعیت دچار مشکل می‌شود و کم می‌آورد، بر حجم تبلیغات می‌افزاید. امروز اگر کسی کارهای دشمن را در عرصه‌ی عظیم شیوه‌های تبلیغاتی ملاحظه کند؛ از وسائل اینترنتی گرفته تا وسائل صوتی و تصویری، تا بلندگوهایی که در جاهای مختلف دارند - در داخل هم دارند - می‌بیند یک قلم عمده این است که حوادث کشور را

دگرگون جلوه دهند؛ وضع کشور را مأیوس‌کننده، ناامیدکننده، رو به زوال، رو به انحطاط، رو به بن‌بست نشان دهند. تلاش زیاد آنها در این زمینه، خود نشانه‌ی ضعف آنها در میدان واقعیت است.

دشمن در همهی دوران سی ساله، این تلاش را داشت؛ البته امروز بیشتر است. امروز چون مسؤولین کشور و دولتی که بر سر کار است شعارهای انقلاب را پررنگ‌تر و جدی‌تر مطرح می‌کند؛ خط امام، خط انقلاب، خط کار برای مردم، امروز کاملاً برجسته و پررنگ است؛ مسؤولین احساس می‌کنند با مردمند، از جنس مردمند، مردم هم این را احساس می‌کنند، بنابراین تبلیغات بیشتر است. امروز اگر به تبلیغات دشمن نگاه کنید، می‌بینید اگر در مسائل اقتصادی اظهار نظر می‌کنند، همهی حرفشان این است که بن‌بست است، گره ناگشودنی است، اشکالات فراوان است، فردا چنین خواهد شد. یک عده‌ای هم این مسائل را باور می‌کنند و همانها را در داخل تکرار می‌کنند. قبل از شروع انتخابات و آن قضایای فتنه، بعضی از کسانی که بعداً امتحان خودشان را در فتنه دادند، به ما مراجعه می‌کردند که آقا سال آینده، سال سختی است - یعنی همان سال ۸۸ - از لحاظ اقتصادی چنین است، چنان است؛ فضا را تنگ، تاریک، مشکل، غیر قابل عبور جلوه می‌دادند؛ مسؤولین را یک جور می‌خواستند دلسرد کنند مردم را یک جور. این تبلیغات نشانه‌ی این است که آنها از این حرکت عظیم و پرشتاب مسؤولین و مردم عقب ماندند. پس اگر چنانچه این جهتگیری دشمن دانسته شد، نگاه انسان به واقعیت، نگاه درستی خواهد شد؛ نگاه نافذی خواهد شد.

یا در زمینه‌ی سیاست خارجی، سیاست بین‌المللی، در بعضی از همین مطبوعات خودمان هم شما دیدید؛ در اظهارات سال گذشته‌ی بعضی از اصحاب فتنه هم مشاهده کردید؛ هی تکرار می‌کردند که آقا ما در دنیا ذلیل شدیم، جمهوری اسلامی در دنیا بی‌آبرو شده، بی‌ارزش شده، چه شده، چه شده. امروز وقتی به واقعیت نگاه می‌کنیم، می‌بینیم روز به روز آبروی جمهوری اسلامی در میان ملت‌های گوناگون دنیا - مسلمان و غیرمسلمان - افزایش پیدا کرده است. دشمنان ملت ایران این را می‌دانند، می‌فهمند، احساس می‌کنند؛ البته کتمان می‌کنند.

همین قضیه‌ی سفر لبنان رئیس‌جمهور را چرا باید دست کم گرفت؟ حادثه‌ی مهمی بود. برای هر کشوری، بخصوص برای سران استکبار اگر چنین چیزی اتفاق می‌افتاد، فصل بسیار گسترده‌ای در تبلیغات و در استنتاج‌های سیاسی برای آن می‌گشودند. یک ملتی که با ما هم همسایه نیست، همه‌شان هم مسلمان نیستند؛ ترکیبی از مسلمان و مسیحی، و مسلمانها هم ترکیبی از شیعه و اهل سنت؛ این ملت با این ترکیب گوناگون و متنوع، اینجور یکپارچه بیابند از رئیس‌جمهور ملت ایران استقبال کنند، اظهار علاقه کنند؛ این چیز کم‌نظیری است، چیز بی‌نظیری است؛ برای هیچ کشوری در دنیا چنین چیزی پیش نمی‌آید. رئیس‌جمهور کدام کشوری وقتی به یک کشور دیگر برود، چنین حوادثی برایش پیش می‌آید؟ مخصوص لبنان هم نیست. امروز اگر مسؤولین برجسته‌ی کشور ما به مصر هم بروند، اگر بگذارند، همین قضایاست؛ سودان هم بروند، بگذارند، همین قضایاست؛ به هر کشور اسلامی که بروند، اگر میدان را باز

کنند، همین قضایاست. این، عظمت ملت ایران را نشان می‌دهد. این را شماها کردید. این افتخار مال شماست. اگر دولتی بود که از مردم منقطع بود، اگر دولتی که میلیونها جوان پرانگیزه از او حمایت نمی‌کردند، چنین اتفاقی نمی‌افتاد؛ این مال شما جوانهاست. اما خوب، تبلیغات دشمن را ملاحظه کنید؛ درست نقطه‌ی مقابل این است. آنجائی که مجبور باشند به زبان بیاورند، واقعیت را وارونه تفسیر می‌کنند؛ آنجائی هم که مجبور نباشند، کتمان می‌کنند و اصل واقعیت را می‌پوشانند.

عین همین قضیه در مورد خود بسیج صدق می‌کند. دشمن در یک برهه‌ای - که امروز هم دنباله‌هایش کم و بیش هست - در تبلیغات گوناگون جهانی، علیه بسیج متمرکز شد. آنچه توانستند، گفتند بسیج را بمباران تبلیغاتی کردند، برای اینکه او را از چشم مردم بیندازند، اما نتوانستند؛ «يَحَقُّ اللهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ». خدای متعال نمی‌گذارد این حقیقت روشن پنهان بماند؛ لذا بسیج بحمدالله روز به روز آبرویش در کشور ما بیشتر شده است.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- شاخص، سه عنصر بصیرت، اخلاص، عمل بهنگام و به اندازه است آن را باهم توأم کنید.
- ۲- قدرت تحلیل و تشخیص باید پیدا کرد.

۱- دیدار هزاران نفر از بسیجیان قم، ۱۳۸۹/۸/۳.

۳- شاخص اسلام است نه افراد.

۴- باید دانست کدام کار در جهت و خط دشمن و کدام کار در ضد اوست.

۵- لحظه‌ها را باید شناخت و این که کدام کار در کجا باید انجام شود.

۶- جهاد با نفس یعنی جهاد اکبر برای تأمین سه عنصر شاخص ضروری است.

۷- شناخت خطی که دشمن امروز دنبال می‌کند یعنی دگرگون جلوه دادن واقعیات، لازم است.

وظایف استنباطی:

۱- بسیج که در میدانهای مختلف مجاهدت پیشروست، در بصیرت، اخلاص و عمل بهنگام هم بایستی پیشرو باشد.

۲- هر یک از سه عنصر بصیرت، اخلاص و عمل بهنگام نباشد، پیدا کردن راه سخت شده و امکان خطا و انحراف افزایش می‌یابد.

۳- بسیج در توجیه و روشنگری اذهان عمومی بایستی نقش مهمی همچون مجاهدتهای دیگرش ایفا کند.

فصل ششم

وظایف مردم

شناخت دوست و دشمن و مخلوط نکردن آنها باهم

«من توصیه‌ام به همه‌ی ملت ایران این است:

امروز بیشتر از همه چیز برای ما هوشیاری لازم است، شناخت دوست و دشمن لازم است. مبدا دوست را با دشمن اشتباه کنید؛ مبدا دوست و دشمن را مخلوط کنید؛ مبدا رفتاری که با دشمن باید داشت، با دوست انجام بدهید. این، خطاب به همه‌ی جناحهاست.

نظام اسلامی با اخلاالگران در امنیت مردم طبعاً برخورد می‌کند. این، وظیفه‌ی نظام است. نظام اسلامی اجازه نمی‌دهد که کسانی دستخوش فریب و توطئه‌ی دشمن بشوند، زندگی مردم را خراب کنند، آسایش مردم را به هم بزنند، جوانهای مردم را تهدید کنند. فرزندان این کشور عزیزند؛ همه عزیزند. نظام این اجازه را نخواهد داد.»^(۱)

وظایف تصریحی:

۱- شناخت دوست دو دشمن.

۱- سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ، ۱۳۸۸/۴/۱۵.

- ۲- دوست را با دشمن اشتباه نگرفتن.
- ۳- دوست و شمن را مخلوط نکردن.
- ۴- رفتاری که با دشمن باید داشت نباید با دوست انجام داد.

وظایف استنباطی:

- ۱- برخورد با اخلاط‌گران در امنیت عمومی وظیفه نظام است نه مردم.
- ۲- مردم در فتنه‌ها بیشتر شناخت اخلاط‌گران و اطلاع به مسؤولین نظام را به عهده دارند.
- ۳- اشتباه در تشخیص دوست و دشمن و رفتار نادرست با دوست زمینه را برای اخلاط‌گران و دشمنان مناسب می‌کند.

در اصول همدل باشیم و یکدیگر را تحمل کنیم

«این چیزهاست که بایستی ما بیدار باشیم، هشیار باشیم. ما مردم ایران هم همین جور. ما آنچه که می‌گوئیم، برای دیگران نیست؛ در درجه‌ی اول برای خودمان است. خود ما هم باید وحدت را حفظ بکنیم. ببینید همین آیاتی که الان خواندند: «واذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فآلف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته اخوانا - برادر شدید باهم - وکنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها»؛ اسلام شما را از آتش تفرقه نجات داد. فراموش کردید؟ هی این به آن ایراد بگیرد، آن به این ایراد بگیرد؛ فروع را اصل بکنیم، اصول را فراموش کنیم، هی اختلاف بین ما بیفتد. این‌که

قرآن می‌گوید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً»، یعنی همه باهم اعتصام به حبل الله بکنید، خوب، این «همه» در سطح واحدی که نیستند؛ بعضی ایمانشان قویتر است، بعضی ایمانشان ضعیفتر است، بعضی عملشان بهتر است، بعضی عملشان متوسطتر است؛ در عین حال خدای متعال به همه خطاب می‌کند. می‌گوید اعتصام به حبل الله را جمعاً بکنید، باهم بکنید. تو بگوئی من جدا گانه اعتصام به حبل الله کردم و دیگری نه؛ او - دیگری - باز بگوید من جدا گانه اعتصام به حبل الله کردم، این طرف را نه؛ اینکه نمی‌شود. همدیگر را تحمل کنید. اصولی هست، محورهای هست؛ اصل این است که در این اصول همدل باشیم. ممکن است در صد تا از فروع، افراد با همدیگر اختلاف داشته باشند، باشد؛ این منافات ندارد با اجتماع، با جمیع شدن، مجتمع شدن؛ اینها باید ملاک باشد.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- هوشیار و بیدار بودن.
- ۲- حفظ وحدت اصل است.
- ۳- پرهیز از ایرادگیری‌های نابجا.
- ۴- فروع را اصل نکردن.
- ۵- اصول را فراموش نکردن.
- ۶- اعتصام به حبل الله.

۱- دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۵/۳.

۷- همدیگر را تحمل کردن.

۸- همدلی براساس اصول.

وظایف استنباطی:

۱- هر عملی که به وحدت عمومی لطمه وارد کند، نادرست و غلط است.

۲- هر عملی که ایجاد اختلاف کند، همسویی با دشمن و آب به آسیاب دشمن ریختن است.

بی‌انصافی و بی‌عدالتی را کنار بگذارید، برادر و همکار باشید

«بعضی‌ها می‌خواهند اختلافها و شکافها را بیشتر کنند؛ نه، نباید اختلاف به وجود بیاید؛ همه باهم بردارند، همه باهم همکاری باید بکنند؛ همه باید برای ساختن کشور به یکدیگر کمک بکنند. به کسی نباید بیهوده تهمت زد؛ کسی را نباید به خاطر یک امر، از همه‌ی آن چیزهایی که صلاحیت محسوب می‌شود، انسان او را نفی بکنند. با انصاف باید بود؛ با انصاف باید عمل کرد؛ با انصاف باید حرف زد. خدای متعال در مورد دشمنان می‌گوید: «و لا یجرمنکم شنآن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی»^(۱) اگر با کسی دشمنید، این دشمنی موجب نشود که نسبت به او بی‌انصافی کنید، بی‌عدالتی کنید؛ حتی نسبت به دشمن؛ حالا آن که دشمن هم نیست. بی‌عدالتی‌ها را همه کنار بگذارند؛ بی‌انصافی‌ها را همه

۱- سورة مائده، آیه ۸.

کنار بگذارند؛ همه در زیر پرچم نظام اسلامی و جمهوری اسلامی جمع بشوند.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- اختلافها و شکافها را نباید بیشتر کرد.
- ۲- به کسی نباید بیهوده تهمت زد.
- ۳- بایستی با انصاف عمل کرد و با انصاف حرف زد.
- ۴- نباید بی‌انصافی و بی‌عدالتی کرد حتی نسبت به دشمن.
- ۵- همه در زیر پرچم نظام و جمهوری اسلامی جمع شوید.

وظایف استنباطی:

- ۱- اختلافات و تشدید اختلافها در اثر بی‌انصافی و بی‌عدالتی و تهمت زدن بوجود می‌آید.
- ۲- انصاف، عدالت و پرهیز از تهمت زدن، نقشه بعضی‌ها و دشمنی در ایجاد اختلاف و تشدید آن را خنثی می‌کند.

پایبندی به اصول

«اصولی وجود دارد، به آن اصول همه پابندی خودشان را اعلام بکنند. در کنار هم باشند، اختلاف سلیقه هم باشد. چه اشکال دارد؟»

۱- همان.

همیشه اختلاف سلیقه بوده. در دورانهای مختلف هر جایی که این اختلاف سلیقه‌ها و اختلاف برداشتها با هوای نفس انسان مخلوط شد، کار خراب می‌شود. هوای نفس را باید خیلی ملاحظه کرد. به خودمان در فریب خوردن از هوای نفس سوء ظن داشته باشیم. نگاه کنیم ببینیم کجا نفس است و هوای نفسانی ماست؛ کجا نه»^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- پایبندی به اصول و تحمل اختلاف سلیقه‌ها.
- ۲- سوء ظن به هوای نفس خود و فریب نخوردن از آن.
- ۳- نباید اختلاف سلیقه‌ها با هوای نفس مخلوط شود.

وظایف استنباطی:

- ۱- هوای نفس است که اختلاف سلیقه‌ها و برداشتها را تبدیل به اختلاف در اصول می‌کند. باید از آن پرهیز کرد.
- ۲- دشمن تلاش می‌کند تا اختلافات در برداشتها را به اختلاف در اصول تبدیل کند. باید مراقب آن بود.

در بهترین شرایط هم، دشمن در کمین است

«تجربه‌هایی هم این انتخابات داشت. یک تجربه برای ملت ما و

مسئولان ما بود که من اصرار دارم بر اینکه این تجربه را همه‌مان جدی بگیریم؛ هم مسئولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند. و آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست؛ حتی در بهترین شرائط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم. غفلت از اینکه ممکن است به حرکت عمومی ملت ایران ضربه‌ای وارد شود، چیز خطرناکی است. هشیار باشید. این همان توصیه‌ی امیر مؤمنان (سلام‌الله‌علیه) است که فرمود: «و من نام لم ینم عنه». در عرصه‌ی زندگی سیاسی دچار خواب‌آلودگی نشویم؛ در پشت سنگرها خوابمان نبرد. اگر تو خوابت برد، باید بدانی که دشمن ممکن است بیدار باشد. این تحلیل نیست که ما می‌گوئیم، اطلاع است. دشمنان نظام جمهوری اسلامی سعی کردند، تلاش کردند، شاید بتوانند در فضای آزادی‌ای که نظام اسلامی به مردم داده است، برای مردم دغدغه و دردسر درست کنند. سعی کردند، پول خرج کردند، رسانه‌های زیادی را به کار انداختند، عوامل بسیاری را بسیج کردند، شاید بتوانند از این وضعیتی که برای ملت ایران یک عید به حساب می‌آمد، یک جشن بزرگ ملی به حساب می‌آمد، وضعیتی علیه ملت ایران درست کنند؛ تلاش شد. این تجربه بایستی برای ما - همه‌ی ما، همه‌ی آحاد مردم - تجربه‌ی هشداردهنده‌ای باشد. اگر ما در صحنه‌ی زندگی سیاسی و اجتماعی به همدیگر بدبین باشیم، به چشم دشمن به یکدیگر نگاه کنیم، این فرصت برای دشمنان حقیقی ما پیش خواهد آمد. اگر فکر نکنیم، اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند،

ضربه خواهیم خورد؛ این برای ما تجربه شد.

ما از اول انقلاب در هیچ انتخاباتی حضور چهل میلیونی، هشتاد و پنج درصدی، نداشتیم. در این انتخابات، اولین بار چنین فرصت بزرگی پیش آمد؛ اما در همین فرصت بزرگ، در همین شادی بزرگ، دستهایی به کار افتادند برای اینکه ضربه‌ای به ملت ایران بزنند. باید بیدار بود. این بیداری فقط در زبان نیست؛ آحاد ملت، گرایشهای مختلف سیاسی، دلبستگان به کشور، دلبستگان به نظام اسلامی، همه، همه، بایستی به معنای واقعی کلمه بیدار باشند؛ فریب نخورند.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- توجه به این نکته که همیشه حتی در بهترین شرایط امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و ایران اسلامی هست.
- ۲- در عرصه‌ی زندگی سیاسی دچار خواب‌آلودگی نشدن.
- ۳- به همدیگر بدبین نبودن و به چشم دشمن به یکدیگر نگاه نکردن.
- ۴- بصیرت داشتن.
- ۵- اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد.
- ۶- بیدار بودن به معنای واقعی کلمه و فریب دشمن را نخوردن.

۱- مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۵/۱۲.

وظایف استنباطی:

- ۱- انتخابات دهم و حوادث پس از آن، تجربه بزرگی است که بایستی آن را جدی گرفت و مانع تکرار آن شد.
- ۲- هر وقت حضور ملت، افزایش چشمگیری پیدا می‌کند، دشمن در صدد تغییر آن و ضربه زدن بیشتر برمی‌آید.
- ۳- اختلافات زمینه را برای سوء استفاده دشمن و بسیج عوامل فرصت طلب، فراهم می‌نماید.

مسئولین را موعظه، نصیحت و پیغام بدهید تا منحرف نشوند

«نکته‌ی دیگری که فعالان سیاسی، مسؤولان، صاحبان قدرت، صاحب مسئولیتهای گوناگون و متنفذین بشدت بایستی مراقب آن باشند، مسئله‌ی انحراف و فسادپذیری شخصی است؛ همه‌مان باید مراقبت کنیم. انسانها در معرض فسادند، در معرض انحرافند. گاهی لغزشهای کوچک، انسان را به لغزشهای بزرگ و بزرگتر و گاهی به پرتاب شدن در اعماق دره‌هایی منتهی می‌کند؛ خیلی باید مراقب بود. قرآن هشدار داده است. در موارد متعدد، در قرآن این هشدار وجود دارد. یک جا می‌فرماید: «ثُمَّ كَانِ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَاؤُا السَّوْاِی ان كَذَّبُوا بِآیَاتِ اللّٰهِ»^(۱)؛ عاقبت بعضی از کارها این است که انسان به آن خانه‌ی بدترین می‌رسد که تکذیب آیات الهی است. یک جا می‌فرماید: «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِی قُلُوبِهِم اِلٰی یَوْمِ یَلْقَوْنَهُ بِمَا اخْلَفُوا اللّٰهَ مَا وَعَدَه»^(۲)؛ خلف وعده‌ی با خدا کردند، این موجب شد نفاق

۱- سوره روم، آیه ۱۰.

۲- سوره توبه، آیه ۷۷.

در دلهاشان به وجود بیاید. یعنی انسان گناهی انجام می‌دهد، این گناه انسان را به وادی نفاق می‌کشاند؛ که نفاق، کفر باطنی است. همین‌جا در قرآن، کافرین و منافقین در کنار هم هستند. در یک آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «انَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ التَّقِ الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضُ مَا كَسَبُوا».^(۱) اینی که می‌بینید یک عده‌ای در مقابل دشمن منهزم می‌شوند، طاقت نمی‌آورند، نمی‌توانند ایستادگی کنند، به خاطر آن چیزی است که قبلاً از اینها سر زده است؛ باطن خودشان را با گناه و با خطا خراب کرده‌اند. لغزشها انسان را فاسد می‌کند. این فساد، به انحراف در عمل و گاهی به انحراف در عقیده منتهی می‌شود. این هم بمرور پیش می‌آید؛ دفعته‌ا پیش نمی‌آید که ما فکر کنیم یک نفری شب مؤمن می‌خواهد، صبح منافق از خواب بیدار می‌شود؛ نه، بتدریج و ذره ذره پیش می‌آید. این، علاجش هم مراقبت از خود است. مراقبت از خود هم یعنی همین تقوا. بنابراین علاجش تقواست. مراقب خودمان باشیم. نزدیکان افراد مراقبت کنند؛ زنها از شوهرهایشان، شوهرها از زنهایشان، دوستان نزدیک از همدیگر؛ «و تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ». از یکدیگر مراقبت کنیم، برای اینکه دچار نشویم. مردم مسئولین را موعظه کنند، نصیحت کنند، خیرخواهی کنند، بنویسند برای آنها، بگویند برای آنها، پیغام بدهند تا مبادا دچار لغزش بشوند. خطرات لغزش مسئولین هم برای نظام، برای کشور و برای مردم بیشتر است. انسان گاهی در بعضی از

۱- آیه ۱۵۵، سوره بقره.

حرفها، در بعضی از اقدامها و تحرکات، این را احساس می‌کند؛ نشانه‌های یک چنین انحرافی را انسان مشاهده می‌کند. به خدا باید پناه برد، از خدا باید کمک خواست.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- تقوا و مراقبت از خود در برابر انحراف و فسادپذیری شخصی.
- ۲- مراقبت از همدیگر در برابر انحراف و فسادپذیری شخصی.
- ۳- موعظه و نصیحت مسؤلان و خیرخواهی برای مسؤلان.
- ۴- گوشزد کردن لغزش‌های مسؤلان.
- ۵- به خدا پناه بردن و از خدا کمک خواستن.
- ۶- از لغزشهای کوچک و گناهان پرهیز کردن.

وظایف استنباطی:

- ۱- فساد و انحراف ذره ذره پیش می‌آید با مراقبت و تقوا بایستی از آن پیشگیری و جلوگیری کرد.
- ۲- انحراف در عمل، به انحراف در عقیده منتهی می‌گردد و لذا مراقبت بر عمل مانع انحراف در عقیده می‌شود.
- ۳- گناه انسان را به وادی نفاق می‌کشاند، لذا منافقین انسانهای

۱- خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰.

گناهکار و فاقد مراقبت و تقوا هستند. عدم مراقبت و تقوا، انسان را به نفاق گرفتار می‌کند.

سکوت کردن و حرف نزدن، کمک به فتنه است

«این را هم عرض بکنیم؛ بعضی‌ها در فضای فتنه، این جمله‌ی «کن فی الفتنه کابن اللبون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» را بد می‌فهمند و خیال می‌کنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود. در جنگ صفین ما از آن طرف عمار را داریم که جناب عمار یاسر دائم - آثار صفین را نگاه کنید - مشغول سخنرانی است؛ این طرف لشکر، آن طرف لشکر، با گروه‌های مختلف؛ چون آنجا واقعاً فتنه بود دیگر؛ دو گروه مسلمان در مقابل هم قرار گرفتند؛ فتنه‌ی عظیمی بود؛ یک عده‌ای مشتبه بودند. عمار دائم مشغول روشنگری بود؛ این طرف می‌رفت، آن طرف می‌رفت، برای گروه‌های مختلف سخنرانی می‌کرد - که اینها ضبط شده و همه در تاریخ هست - از آن طرف هم آن عده‌ای که «نفر من اصحاب عبدالله بن مسعود...» هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت و گفتند: «یا امیرالمؤمنین - یعنی قبول هم داشتند که امیرالمؤمنین است - انا قد شککنا فی هذا القتال»؛ ما شک کردیم. ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم! خوب، این کنار کشیدن،

خودش همان ضرعی است که یُحلب؛ همان ظهری است که یُرکب! گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشننگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند»^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- آلت دست فتنه‌گران نشدن و مراقبت از این که به هیچوجه فتنه‌گر نتواند از ما استفاده کند.
- ۲- توجه به این نکته که گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است.
- ۳- روشننگری و بصیرت در شرایط فتنه وظیفه همگانی است.

وظایف استنباطی:

- ۱- آنهایی که سکوت می‌کنند یا کناره می‌گیرند فکر می‌کنند که به حدیث معروف عمل می‌کنند. فهم آنان از حدیث غلط است.
- ۲- در شرایط فتنه، آگاهان و نخبگان وظیفه بیشتری در روشننگری به عهده دارند.
- ۳- سکوت و کنار کشیدن در شرایط فتنه، کمک به فتنه‌گران در غبار آلودگی بیشتر جامعه است.

۱- دیدار با اعضاء مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲.

به بصیرت اهمیت بدهید و آن را افزایش دهید

ببینید برادران و خواهران عزیز! خدای متعال به پیغمبرش در آن دوران دشوار مکه می‌فرماید: ای پیغمبر! من با بصیرت حکم می‌کنم؛ «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی»؛ خود پیغمبر با بصیرت حرکت می‌کند، تابعان و پیروان و مدافعان فکر پیغمبر هم با بصیرت. این مال دوران مکه است؛ آن وقتی که هنوز حکومتی وجود نداشت، جامعه‌ای وجود نداشت، مدیریت دشواری وجود نداشت، بصیرت لازم بود؛ در دوران مدینه، به طریق اولی. اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده‌ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه‌ی تیغهای دشمن در مقابل آنها کند می‌شود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد. شما در جبهه‌ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید می‌بینید در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط می‌شود. این قطب‌نما همان بصیرت است.

در زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد. جوانها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه‌ی ما از اهل سواد و فرهنگ،

از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله‌ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرتها لازم است. وقتی بصیرت بود، آنوقت شما می‌دانید باکی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمی‌دارید. یک روز شما می‌خواهید تو خیابان قدم بزنید، خوب، با لباس معمولی، با یک دمپائی هم می‌شود رفت و تو خیابان قدم زد؛ اما یک روز می‌خواهید بروید قله‌ی دماوند را فتح کنید، او دیگر تجهیزات خودش را می‌خواهد. بصیرت یعنی اینکه بدانید چه می‌خواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید»^(۱).

وظایف تصریحی:

- ۱- توجه به معنای بصیرت که چه می‌خواهید و چه باید با خودتان داشته باشید. بصیرت قطب‌نماست.
- ۲- بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند انسان را گمراه کند.
- ۳- توجه به این نکته که اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد.
- ۴- توجه به این نکته که در زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز،

۱- دیدار با مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵.

بدون بصیرت نمی شود حرکت کرد.

۵- ضرورت و لزوم داشتن.

۵/۱- بصیرت در هدف.

۵/۲- بصیرت در وسیله.

۵/۳- بصیرت در شناخت دشمن.

۵/۴- بصیرت در شناخت موانع راه.

۵/۵- بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری و برداشتن این

موانع.

۶- روحانیون، دانشگاهی‌ها، متعهدان جامعه به بصیرت اهمیت

بدهند.

۷- جوانان بصیرت خودشان را افزایش دهند.

وظایف استنباطی:

۱- باید در حوادث و اتفاقات اندیشید و فکر کرد تا از فریب

خوردن درامان بود.

۲- اهل سواد و فرهنگ از حوزوی و دانشگاهی باید در افزایش

بصیرت جوانان و جامعه، تلاش نمایند.

نگذارید حق و باطل مشتبه شوند

«من فقط یک جمله عرض بکنم؛ مخاطب من عموم مردمند،

بخصوص جوانان؛ همه‌ی مردم کشورند، بخصوص این مناطق حساس.

جوانان عزیز! هرچه می‌توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید، نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت. امیرالمؤمنین در یک خطبه‌ای از جمله‌ی مهمترین مشکلات جامعه همین را می‌شمارد: «أما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تبتدع یخالف فیها کتاب الله». ^(۱) در همین خطبه، امیرالمؤمنین می‌فرماید: اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمی‌تواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «ولکن یؤخذ من هذا ضعف و من هذا ضعف فیمیزجان». آن کسانی که مردم را می‌خواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی‌آورند؛ باطل و حق را آمیخته می‌کنند، ممزوج می‌کنند، آن وقت نتیجه این می‌شود که «فهنالك یستولی الشیطان علی اولیائه»؛ حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می‌شود. این است که بصیرت می‌شود اولین وظیفه‌ی ما، نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود». ^(۲)

وظایف تصریحی:

- ۱- تلاش در جهت افزایش و عمق بخشیدن به بصیرت خود.
- ۲- تلاش در جهت کسب بصیرت در شناخت دشمن و تشخیص

۱- نهج البلاغه، خطبه ۵۰.

۲- همان.

حق و باطل.

۳- نباید گذاشت حق و باطل مشتبه بشود.

وظایف استنباطی:

۱- باید دشمن را در لباس دوست و باطل را در لباس حق شناخت.

۲- مهمترین راه نفوذ دشمن و بستر مورد استفاده او، عدم آگاهی

و جهل نسب به دشمن و شیوه‌ها و ابزارهای دشمنی اوست.

وفاداری، اعتماد، حضور و پشتیبانی مردم از مسؤولین

«مردمی بودن، یعنی این انقلاب از سوی مردم وفادارانه مورد حمایت

قرار بگیرد؛ نظام اسلامی از سوی مردم مورد تأیید و حمایت و پشتیبانی

کامل قرار بگیرد. این هم در طول این مدت تأمین بوده است.

اگر حضور مردم نمی‌بود، اگر فاصله‌ی بین مردم و نظام ایجاد می‌شد،

نظام نمی‌توانست در مقابل دشمنان مقاومتی بکند. این حضور مستحکم

مردم است که پشتوانه‌ی ایستادگی مسؤولان است. این دو تا نقطه‌ی اصلی

است؛ دین و مردم. لذا دشمن هم همینها را آماج حملات خود قرار داده

است؛ دین را یک جور، وفاداری و اعتقاد مردم را یک جور. اینکه شما

ملاحظه می‌کنید از سالهای دهه‌ی ۶۰، از دوران حیات بابرکت امام، چه

دشمنان بیرونی و چه مزدوران یا نوکران بی‌مزد و منت آنها از داخل،

مقدسات دینی را، حقایق دینی را، بیّنات اسلامی را مورد تردید و انکار

قرار دادند، این یک چیز تصادفی نبوده است؛ روی این تکیه داشته‌اند.

این مسئله از ماجرای سلمان رشدی آغاز شد تا فیلمهای ضد اسلام هالیوودی، تا کاریکاتورها، تا قرآن سوزی، تا حوادث گوناگونی که علیه اسلام در این گوشه و آن گوشه اتفاق افتاد، برای اینکه ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند. در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه‌های ایمان مردم، بخصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه‌ی بی‌بند و باری و اباحیگری، تا ترویج عرفانهای کاذب - جنس بدلی عرفان حقیقی - تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکه‌ی کلیساهای خانگی؛ اینها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام دارد انجام می‌گیرد؛ هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند.

در زمینه‌ی تضعیف وفاداری مردم نسبت به نظام هم کارهای زیادی می‌کنند: شایعه می‌سازند، برای اینکه مردم را از مسؤولین کشور، از رؤسای قوا مأیوس کنند. تخم بدبینی می‌پراکنند. هر کار شایسته‌ی باارزشی که در سطح کشور انجام بگیرد، این را در وسائل تبلیغات گوناگون مورد تردید قرار می‌دهند. اگر ضعفهایی هست، چند برابر می‌کنند و نقاط قوت را نشان نمی‌دهند، برای اینکه مردم را ناامید کنند، بخصوص نسل جوان را ناامید کنند افق آینده را در مقابل نسل جوان و مردم تیره و تار نشان می‌دهند، برای اینکه مردم را از صحنه خارج کنند. لیکن نکته‌ی اساسی این است که دشمنان ملت ایران و دشمنان نظام اسلامی در طول این سی و دو سال، همه‌ی تلاشی را که در این دو مورد انجام داده‌اند، سرمایه‌گذاری‌های خسارتباری بود است؛ نتیجه‌ای نگرفتند و شکست قطعی خوردند. آنها خیال می‌کردند می‌توانند مردم را

از نظام اسلامی جدا کنند. روز به روز که گذشته است، می بینید مردم پای بندیشان به مسائل دینی و ارزشهای معنوی بیشتر شده است. کی در کشور ما این همه جوان در مراسم معنوی شرکت می کردند؛ در مراسم عبادی ماه رمضان، در روز عید فطر؟ این اجتماعات عظیم، این روشن بینی مردم در زمینه‌ی مسائل سیاسی سابقه نداشته است. بعد از اهانتی که در روز عاشورای سال ۸۸ به وسیله‌ی یک عده تحریک شده نسبت به امام حسین انجام گرفت، دو روز فاصله نشد که مردم در روز ۹ دی توی خیابانها آمدند و موضع صریح خودشان را علنی ابراز کردند. دستهای دشمن و تبلیغات دشمن نه فقط نتوانسته مردم را از احساسات دینی عقب بنشانند، بلکه روز به روز این احساسات تندتر و این معرفت عمق تر شده است.

بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور پای صندوقهای رأی رفتند. در واقع یک رفراندوم چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه اثر آنرا از بین ببرند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند. مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه‌ی سال ۸۸ کشور را وا کسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروبهای سیاسی و اجتماعی‌ای که می تواند اثر بگذارد، مجهز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد.

سالهای گذشته در برخی مطبوعات کشور، بعضی افراد مدعی فهم و دانش، علیه دین، علیه مبانی اسلامی افاداتی می نوشتند؛ اینها هم در مردم

اثری نکرد. این را توجه داشته باشید؛ دشمنان دو نکته‌ی اساسی را در باب دین دارند دنبال می‌کنند؛ چون دیده‌اند که این دو نقطه در زندگی مردم چقدر تأثیرگذار است: یکی مسئله‌ی اسلام منهای روحانیت است؛ چون دیده‌اند که روحانیت در جامعه‌ی ایرانی چه تأثیر شگرفی را به وجود آورد و بر حرکت مردم گذاشت. البته از قبل از انقلاب هم این زمزمه‌ها را می‌کردند. حضور روحانیون در انقلاب و پیشروی آنها در انقلاب، موقتاً این معنا را از صحنه خارج کرد؛ اما باز شروع کردند. یکی هم اسلام منهای سیاست است، جدائی دین از سیاست است. اینها از جمله چیزهایی است که امروز دارند با اصرار فراوان در مطبوعات، در نوشته‌جات، در وسائل اینترنتی ترویج می‌کنند. مسئله برای آنها اهمیت دارد. این را توجه داشته باشیم؛ هرآنچه را که دشمن بر روی آن تکیه می‌کند و نقشه‌ی راه دشمن و طرح کلی دشمن بر روی آنها متمرکز است، او می‌تواند برای ما هم یک طرح کلی و نقشه‌ی راهی را در اختیار بگذارد. همان چیزی را که آنها آماج حمله قرار می‌دهند، ما باید توجه داشته باشیم و بدانیم که آنها را بایستی حفظ کنیم، باید بر روی آنها تکیه کنیم؛ حضور مردمی و معارف دینی و اسلامی».

وظایف تصریحی:

۱- ادامه وفاداری نسبت به نظام.

۲- بی‌توجهی به شایعه‌سازیه‌ها، بدبینی‌ها و یأسی که دشمن

می‌پراکند.

۳- تقویت ارتباط و اعتماد به مسؤلین.

۴- بی‌اعتنایی به زمزمه‌های دشمن در دو توطئه اسلام منهای روحانیت و اسلام منهای سیاست.

وظایف استنباطی:

۱- تجربه‌اندوزی و افزایش بصیرت از حوادث و فتنه سال ۸۸.

۲- افزایش روزافزون معرفت و فهم دینی و آگاهی سیاسی برای خنثی کردن توطئه‌های پیچیده دشمنان.

۳- تقویت روزافزون اعتماد و ارتباط خود با روحانیت.

جدی گرفتن وحدت ملی و همبستگی با سه قوه

«برای اینکه به نماز اول وقت مؤمنین ضربه‌ای نخورد، من به طور مختصر چند اصل را برای رفتار خودمان - با توجه به نقشه‌ی دشمن - مطرح می‌کنم.

«یک مسئله، مسئله‌ی وحدت کلمه‌ی ملی است. مخاطب این، هم خواصند، هم عامه‌ی مردم. مسئله‌ی وحدت را باید جدی گرفت. من درباره‌ی وحدت کلمه‌ی مردم خیلی صحبت کردم، یک خصوصیات و شاخصهائی هم گفتم. صرف اینکه کسی بگوید ما طرفدار وحدتیم، کافی نیست؛ شاخصهائی دارد، علامتهائی دارد.

مسئله‌ی دیگر، همبستگی روزافزون مردم و خواص با سه قوه است. همبستگی با قوای سه گانه‌ی کشور باید روز به روز بیشتر شود، باید کمک

باشوند؛ بخصوص قوه‌ی مجریه که بارهای زیادی را بر دوش دارد. این شایعه درست کردن و زحمات را ندیده گرفتن، به هیچ وجه صلاح کار کشور و آینده‌ی کشور نیست.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- جدی گرفتن وحدت کلمه.
- ۲- همبستگی روزافزون با سه قوه.
- ۳- توجه به زحمات قوا بویژه قوه مجریه.

وظایف استنباطی:

- ۱- توجه به شاخصها و علائم وحدت کلمه واقعی و اینکه افراد و گروهها تا چه اندازه پایبند به آن باشند.
- ۲- نادیده انگاشتن زحمات قوا بویژه قوه مجریه و بی‌انصافی درباره اقدامات دولت، به نفع دشمنان است.

۱- بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۷.

فصل هفتم

وظایف مسؤولان

کشور را در شرایط فتنه مدیریت کنید

«دستگاهها باید وظائفشان را انجام بدهند؛ هم وظائفشان در مقابل آدم مفسد و اغتشاشگر و ضد انقلاب و ضد امنیت و اینها، هم وظائفشان در زمینه‌ی اداره‌ی کشور. مسائل کشور که فقط مسائل مربوط به اغتشاشگران نیست؛ کشور مسائل اقتصادی دارد، مسائل علمی دارد، مسائل سیاسی دارد، مسائل بین‌المللی دارد، مسائل امنیتی دارد؛ صدها مسئله‌ی مهم پیش روی مسئولان کشور هست؛ باید اینها را انجام بدهند؛ باید کشور را مدیریت کنند؛ باید کشور را جلو ببرند. دشمن می‌خواهد با این حوادث، چرخهای کشور از کار بیفتد؛ نباید به دشمن کمک کرد. دشمن می‌خواهد با اینگونه حوادث، چرخ پیشرفت اقتصادی متوقف بشود؛ دشمن می‌خواهد چرخ پیشرفت علمی که بحمدالله دور برداشته است و حرکت علمی خوبی آغاز شده و رو به رشد هم هست، متوقف بشود؛ دشمن می‌خواهد حضور سیاسی قدرتمندانه‌ی جمهوری اسلامی در عرصه‌های بین‌المللی را که امروز از گذشته بسیار بارزتر و پر جلوه‌تر است، مخدوش کند، خراب کند با این مسائل اینجوری؛ نباید به دشمن کمک کرد. بنابراین مسئولان باید کارهای خود را در زمینه‌های اقتصادی، در

زمینه‌های علمی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در همه‌ی زمینه‌هایی که مسؤولیتی دارند، وظیفه‌ای دارند، با قدرت، با قوت و با دقت انجام بدهند. همکاری‌های با دولت و مسؤولین کشور هم باید ادامه پیدا کند. مردم هم که حضور خودشان را در صحنه نشان داده‌اند. بزرگترین ثروت برای یک نظام همین است که مردم پشت سرش باشند.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- نقش آفرینی همزمان در زمینه‌ی مقابله با افراد مفسد و اغتشاشگر و ضد انقلاب و ضد امنیت و اداره‌ی کشور.
- ۲- مدیریت کشور در شرایط فتنه.
- ۳- جلو بردن کشور و جلوگیری از مخدوش شدن پیشرفت و اقتدار نظام توسط دشمن.
- ۴- انجام دادن وظایف با قدرت، قوت و دقت.

وظایف استنباطی:

- ۱- مسؤولان نیاستی سرگرم حوادث و اتفاقات شده و از پیشبرد برنامه‌ها و اداره‌ی کشور غافل شوند، این خواسته‌ی دشمن و فتنه‌گران است.

۱- دیدار با مردم قم در سالگرد قیام نوزدهم دی ماه، ۱۳۸۸/۱۰/۱۹.

۲- مسؤلان برخورد با اغتشاشگرن را جدی بگیرند و اجازه ندهند با مخدوش شدن امنیت کشور، برنامه‌های پیشرفت، متوقف شود.

تیتیر فرعی

« کار مهم دیگر - که مخاطب و مسؤل آن، دولت است - اهتمام به رفع عوامل نارضائی و مشکل ساز برای مردم است: مسئله‌ی معیشت، مسئله‌ی اشتغال، مسئله‌ی سامانه‌های اداری، مسئله‌ی منصوبان دستگاه‌ها - بخصوص در سطوح بالا - مسئله‌ی شهرداری‌ها، مسئله‌ی نیروی انتظامی، که مباشراً و مستقیماً با مردم رو به رو هستند و می‌توانند بسیاری از مشکلات مردم را برطرف کنند یا خدای نکرده نارضائی‌هایی به وجود بیاید. بنابراین دستگاه‌ها در مسائل گوناگون، اهتمام و هماهنگی داشته باشند؛ هماهنگی و هم‌افزائی داشته باشند؛ اختلاف وجود نداشته باشد؛ که این هم مربوط به دستگاه‌های دولتی است.^(۱)»

وظایف تصریحی:

- ۱- اهتمام به رفع عوامل نارضایی و مشکل ساز مردم مانند معیشت، اشتغال و دستگاه‌های اداری.
- ۲- هماهنگی و هم‌افزایی دستگاه‌های دولتی.

۱- بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۷.

فصل هشتم

وظایف مطبوعات

مسائل را باید اصلی فرعی کرد و مسائل اصلی را بیشتر اهمیت داد

«بنده روزها معمولاً حدود شانزده هفده تا روزنامه را نگاه می‌کنم؛ نه اینکه حالا همه‌ی صفحات لائی و اینها را نگاه کنم؛ لکن تیتراها، اگر سرمقاله‌ی قابل توجهی داشته باشند، معمولاً نگاه می‌کنم. خیلی از روزنامه‌های ما متأسفانه در انعکاس حقائق ضعیفند و در اصلی فرعی کردن مسائل، غیرمنصفانه عمل می‌کنند. در همین مسائل اخیر، مسائل را باید اصلی فرعی کرد؛ مسئله‌ی اصلی چیست؛ یک سلسله مسائل فرعی هم پیرامون اوست؛ نه اینکه آن مسائل فرعی کم‌اهمیت است، اما مسئله‌ی اصلی اهمیتش بیشترش از آنهاست. مسئله‌ی اصلی در این قضایای اخیر، اصل انتخابات بود؛ زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی بود که انجام گرفت. چرا شما نسبت به این جرم چشمتان را می‌بندید؟! این همه زحمت کشیده بشود، مردم بیایند، یک شرکت به این عظمت، یک نصاب شکنی، یک رکودشکنی در دنیا در مردمسالاری، در دمکراسی‌ای که اینقدر ادعایش را می‌کنند، انجام بگیرد، بعد یک عده مفت و مسلم بیایند بدون استدلال، بدون دلیل، همان فردای انتخابات بگویند: انتخابات دروغ است! این کار کوچکی است؟! این جرم کمی است؟! یک

قدری باید منصف بود توی این قضایا. دشمن هم حداکثر استفاده را از این کرد. یک عده هم هستند در داخل کشور، از اول با نظام جمهوری اسلامی موافق نبودند - مال امروز و دیروز نیست، سی سال است که موافق نیستند - از این فرصت استفاده کردند، دیدند عناصری وابسته‌ی به خودِ نظام، از خودِ نظام، دارند این جور میدان‌داری می‌کنند، اینها هم وقت را مغتنم شمردند، آمدند داخل میدان؛ و دیدید.^(۱)

وظایف تصریحی:

- ۱- انعکاس قوی حقائق.
- ۲- منصفانه عمل کردن در اصلی فرعی کردن مسائل.
- ۳- تشخیص مسائل اصلی از فرعی در شرایط فتنه و اهمیت بیشتر قائل شدن برای مسائل اصلی.
- ۴- چشم خود را روی جرم بزرگ زیر سؤال بردن اصل انتخابات نبندید.

وظایف استنباطی:

- ۱- روزنامه‌ها بایستی در انتخاب تیترها و انعکاس مسائل، منافع ملی و انصاف در اطلاع‌رسانی صحیح را در نظر بگیرند.
- ۲- روزنامه‌ها نقش مهمی در روشن‌گری حقایق و جهت‌گیری صحیح افکار ملت به عهده دارند. به این نقش باید قوی عمل کنند.

۱- دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور، ۱۳۸۸/۸/۶.

مجموعه وظایف تصریحی و استنباطی

وظایف خواص و نخبگان

وظایف تصریحی:

- ۱- درک شرایط حساس کشور و منطقه.
- ۲- هوشیاری و دقت و مواظبت در رفتار و گفتار و پرهیز از اشتباه در شرایط حساس کشور.
- ۳- توجه به سنگین تر بودن وظایف سیاسیون و گردانندگان احزاب نسبت به مردم عادی در شرایط فتنه.
- ۴- پرهیز از افراطی‌گری.
- ۵- توجه به این واقعیت که افراطی‌گری خواص و نخبگان در بدنه‌ی مردم به جاهای بسیار حساس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمی‌توانند آن را جمع کنند.
- ۶- توجه به این نکته که هر حرکت افراطی به افراطی‌گری دیگران دامن می‌زند.
- ۷- مسط بودن بر خود.
- ۸- سعه‌ی صدر داشتن.

- ۹- دیدن دست‌های دشمن در حوادث.
- ۱۰- حل و فصل انتخابات سر صندوق رأی انجام شود.
- ۱۱- پرهیز از اردوگشی خیابانی و فراهم آوردن زمینه نفوذ تروریست‌ها.
- ۱۲- توجه به این واقعیت که زورآزمایی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست، بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردم‌سالاری است.
- ۱۳- قانون را فصل الخطاب بدانند و به آن تن دردهند.
- ۱۴- بنا را بر تفاهم گذاشتن.
- ۱۵- قانون را رعایت کردن.
- ۱۶- رویه محبت و صفا را در پیش گرفتن.
- ۱۷- احساسات جوان‌ها را تحریک نکنید.
- ۱۸- مردم را مقابل هم قرار ندهید.
- ۱۹- ملت یکپارچه را دو شقه و علیه یکدیگر تحریک نکنید.
- ۲۰- توجه به این نکته که برای حل و فصل قضایا، معیار قانونی وجود دارد.
- ۲۱- توجه به این واقعیت که اگر به قانون تن ندهید تلخی سخت‌تری را از بی‌قانونی باید تحمل کنید.
- ۲۲- مراقبت در رفتار و گفتار.
- ۲۳- تحریک نکردن احساسات مردم علیه یکدیگر.
- ۲۴- اتحاد و همدلی و احساس و ابراز اعتماد به کشور و نظام.
- ۲۵- توجه به این نکته که هر کسی جامعه را به سمت اغتشاش و ناامنی سوق بدهد، در نظر ملت منفور است.
- ۲۶- توجه به این نکته که ناامنی، تمامی امور را در مملکت مخدوش می‌کند.
- ۲۷- هوشیار باشند.

- ۲۸- از نخبگان حرف یا اقدام یا تحلیلی که به دشمنان کمک کند نباید صادر بشود.
- ۲۹- مراقبت از حرفزدن و موضع‌گیری کردن.
- ۳۰- مراقب این که چه باید گفت و چه نباید گفت باشند.
- ۳۱- معیار و ملاک و شاخص قرار دادن عقل و خرد در انتخاب راه.
- ۳۲- پرهیز از سیاسی‌بازی‌ها و سیاسی‌کاری‌های متعارف در موضع‌گیری‌ها.
- ۳۳- سنجش حرف‌هایی که می‌زنیم با معیار اخلاص و رضای خدا.
- ۳۴- شجاعت در عمل.
- ۳۵- شجاعت در فهم.
- ۳۶- درک صحیح از مبانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم.
- ۳۷- دوری از انواع و اقسام ترس‌ها (ترس از مال، جان، آبرو و انفعال در مقابل دشمن، قضاوت و حرف مردم، زمزمه‌ها و حرف‌ها و حدیث‌ها و تهمت‌ها).
- ۳۸- توجه به این نکته که گاهی انسان به خاطر ترسها و ملاحظات، صورت مسئله را درست نمی‌فهمد؛ و دچار اشتباه خواهد شد.
- ۳۹- توجه به این نکته که اهل فتنه تلاش می‌کنند خوف از خودشان را در دل نخبگان و خواص، به جای خشیت از خدا بنشانند.
- ۴۰- تقویت بصیرت در مسائل گوناگون.
- ۴۱- زیاد کردن بصیرت مخاطبان و مستمعان.
- ۴۲- جوانب توطئه‌های دشمن را شناختن و شناساندن.
- ۴۳- هوشیارانه و آگاهانه در میدان بودن.
- ۴۴- با تدبیر عمل کردن.

- ۴۵- تلاش در ایجاد وحدت؛ وحدت مذهبی، وحدت قومی، وحدت سلائق سیاسی.
- ۴۶- بصیرت در برابر دشمنی که می‌خواهد به ما ضربه بزند.
- ۴۷- غفلت نکردن و دیدن دشمن.
- ۴۸- شناخت و فهم ترفندهای دشمن.
- ۴۹- پازل و جدول دشمن را کامل نکردن.
- ۵۰- مراقب سلاح تبلیغات و ارتباطات رسانه‌ای دشمن که خطرناکترین سلاح اوست، بودن.
- ۵۱- با بصیرت با حوادث و خطوط دشمن مواجه شدن.
- ۵۲- سنجش اعمال و اقداماتمان با این معیار که آیا داریم به دشمن کمک می‌کنیم یا نه؟
- ۵۳- صراحت در تبیین و بیان حق و دو پهلو حرف نزدن.
- ۵۴- مشخص و روشن کردن مرز خود با دشمن.
- ۵۵- در برابر حمایتی که مستکبرین عالم می‌کنند صریحاً موضع قبول یا رد خود را اعلان کنند.
- ۵۶- موضع خود را در برابر سران استکبار و اشغالگر کشورهای اسلامی مشخص کنند.
- ۵۷- در برابر کسانی که با زیان‌شان صریحاً اسلام و شعارهای نظام جمهوری اسلامی را نفی می‌کنند و با عملشان جمهوریت و انتخابات بزرگ را زیر سؤال می‌برند، مرز و موضع خود را مشخص کنند.
- ۵۸- توجه به این نکته که دو پهلو حرف زدن در شرایط فتنه، کمک کردن به غبارآلودگی فضا و کمک به دشمن است.
- ۵۹- توجه به این نکته که شفاف‌سازی، دشمن دشمن و مانع دشمن است.

۶۰. با دیدن حرکت‌های ضد انقلابی مانند پاره کردن عکس امام، روزه‌خواری، شعار علیه انقلاب و اصول آن، بلافاصله باید کنار بکشید.
۶۱. اگر کنار نکشید و با مخالفان نظام مرز خود را مشخص نکنید، با انقلاب زاویه پیدا می‌کنید که روز به روز زیادتر می‌شود.
۶۲. استفاده از زبان تردید‌آفرین و تغییر واقعیت‌ها، فتنه‌آفرین است.

وظایف استنباطی:

- ۱- خواص و نخبگان نباید موقعیت و زمینه‌های سوء استفاده دشمن را فراهم کنند.
- ۲- خواص و نخبگان بایستی عاقبت حرکات خود را محاسبه کنند تا به جای اصلاح، به دشمن فرصت ضربه زدن ندهند.
- ۳- عدم تمکین به قانون، هرج و مرج و اغتشاش بوجود می‌آورد، باید از بی‌قانونی پرهیز کرد.
- ۴- خواص و نخبگان مدعی خط امام، بایستی قانون را به عنوان فصل‌الخطاب بپذیرند وگرنه ادعای خط امامی آنان، فریبکاری و پوشش انحراف است.
- ۵- با بی‌قانونی، ایجاد اختلاف، کدورت و دشمنی نکنید.
- ۶- با دشمن در زیر سؤال بردن جشن بزرگ بالاترین حد نصاب شرکت مردم در انتخابات، همراهی نکنید.
- ۷- اختلاف سلیقه و نظر مردم را، به مقابل هم قرار گرفتن و دست به یقه شدن آنان تبدیل نکنید.
- ۸- نخبگان و خواص بیش از مردم نیاز به اصلاح و مراقبت از خود دارند.
- ۹- نخبگان و خواص با ابراز عدم اعتماد به کشور و نظام، زمینه مداخله

- ستمگران ظالم بین‌المللی را فراهم نکنند.
- ۱۰- مهمترین وظیفهٔ نخبگان و خواص، حفظ امنیت کشور است، همچنان که بهم زدن آن، بزرگترین گناه است.
- ۱۱- نخبگان و خواص با سکوت بی‌موقع و حرف زدن نابهنگام، با گفتن چیزهایی که نباید گفت و نگفتن چیزهایی که باید گفت به غبارآلودگی فضا کمک نکنند.
- ۱۲- هموار کردن راه عبادت خدا، عقل‌گرایی است، هر کاری و گفتاری که برخلاف بندگی خدا باشد، بی‌خردی است و سیاسی‌بازی.
- ۱۳- در موضع‌گیری‌ها تحت تأثیر مستمعین قرار نگیریم.
- ۱۴- خوب نگاه کنیم ببینیم آیا حرفهایمان از روی اخلاص و برای خداست یا نه؟
- ۱۵- خواص و نخبگان بیشتر در معرض توطئه‌های دشمنانند و لذا باید بیشتر مراقبت کنند.
- ۱۶- برای شناخت حقیقت بایستی تقوا را در خود تقویت کرد و ترس از خدا را اصل دانست، نه ترس از مردم را.
- ۱۷- نشانه‌ها و خطوطی که دشمن در جنگ نرم دنبال می‌کند کاملاً روشن است، خواص خود را به غفلت و ندانستن و ندیدن نزنند.
- ۱۸- پیشرفت‌های چشمگیر کشور و امیدهای بوجود آمده را انکار نکرده و وضعیت کشور را سیاه جلوه ندهند.
- ۱۹- دلبستگی مردم به نظام و شرکت بی‌سابقه آنها در انتخابات را مخدوش نکنند.
- ۲۰- هرچه شهرت نخبگان و خواص بیشتر بوده و شنوندگان بیشتری داشته باشند، وظیفه‌اشان سنگین‌تر است.

- ۲۱- مهمترین وظیفهٔ نخبگان و خواص صراحت در بیان حق و مشخص کردن مرز با دشمنان و مستکبران است.
- ۲۲- تبری نجستن نخبگان و خواص و گرایشها از دشمنان نظام و ظالمان و اشغالگران، همراهی و کمک به دشمنان است، چه بخواهند و چه نخواهند.
- ۲۳- ادعای اعتقاد به نظام و انقلاب با تبری نکردن از کسانی که اسلام را از شعارهایشان حذف کرده‌اند، گول زدن مردم است.
- ۲۴- کنار نکشیدن از کسانی که به نفع رژیم غاصب صهیونیستی و علیه فلسطین شعار می‌دهند غلط و دور از عقلانیت است.
- ۲۵- تبری نکردن از رؤسای آمریکا و انگلیس و فرانسه و آنهایی که در دوره تاریخی صد و دویست ساله اخیر تا حالا مظهر استکبار و ظلم بودند با عقلانیت سازگاری ندارد.

وظایف شعرا و هنرمندان

وظایف تصریحی:

- ۱- شعر و هنر را در خدمت مفاهیم انقلاب قرار دادن تلاش و مجاهدت برای فهم درست مسائل.
- ۲- تبلیغ و تبیین حقایق آنگونه که فهمیده می‌شود.
- ۳- تلاش و مجاهدت در مسیر فهم درست مسائل در شرایط فتنه‌گون.
- ۴- تلاش در جهت شناخت صحیح مهاجم و مدافع، ظالم و مظلوم، دشمن و دوست در شرایط فتنه.
- ۵- گول نخوردن و فریب نخوردن و دوری از بی‌بصیرتی در شرایط فتنه.
- ۶- پرهیز از شیوه‌های سیاستگران و سیاستمداران در عالم فرهنگ.
- ۷- گره‌های ذهنی حقیقت را باز کردن.

- ۸- رسا و روشن و مبین صحبت کردن.
- ۹- هنر را تمام عیار توی میدان جنگ نرم آوردن.

وظایف استنباطی:

- ۱- هنرمندان نبایستی نسبت به حوادث انقلاب و حرکت ملت به سمت اخلاق و معنویت و پیشرفت بی تفاوت باشند.
- ۲- هنرمندان با فصاحت و بلاغت بایستی حقیقت مستتر در حوادث را برای گره‌گشایی از ذهنها، مطرح کنند و کم هم نگذارند.
- ۳- زبان هنر و شعر، زبان اثرگذاری است که باید برای تبیین و تشریح مسائل انقلاب و حرکت‌های مردم از آن استفاده کرد.

وظایف دانشگاهها و دانشجویان

وظایف تصریحی:

- ۱- بیداری و هوشیاری در برابر نقشه‌ها و طراحی‌های دشمنان.
- ۲- توجه به این نکته که درجه‌ی بیداری و هوشیاری دانشجویان می‌تواند در میزان خسارت و ضرری که دشمن وارد می‌کند، تأثیر بگذارد.
- ۳- توجه به این واقعیت که اگر هوشیار باشیم، دشمنان نمی‌توانند صدمه و ضرری بزنند.
- ۴- دوری از غفلت‌زدگی و احساساتی شدن و بی‌تدبیر عمل کردن و خواب ماندن.
- ۵- ضرورت مقابله با جنگ نرم دشمنان.
- ۶- توجه به این نکته که دانشجویان، افسران جوان جبهه‌ی مقابله با جنگ نرمند.

- ۷- تلاش در جهت پیدا کردن راه‌کارهای مبارزه با جنگ نرم.
- ۸- توجه به این نکته که هدف در مقابله با جنگ نرم باید دفاع از نظام و جمهوری اسلامی در مقابله‌ی با به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته‌ی علمی رسانه‌ای باشد.
- ۹- دانشجویان باید کشور را از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی به نقطه‌ای برسانند که امکان آسیب‌پذیری‌اش نزدیک به صفر باشد.
- ۱۰- اهتمام راجع به مسائل علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری و جنبش نرم‌افزاری و ارتباط صنعت و دانشگاه و ...
- ۱۱- توجه به این واقعیت که یک رکن بلندمدت امنیت کشور و ملت علم است.
- ۱۲- تحت تأثیر قضایای سیاسی کوچک و حقیر قرار نگرفتن.
- ۱۳- مواظب باشید کار علمی دانشگاه در شرایط فتنه، متزلزل و دچار آسیب نشود.
- ۱۴- نگاه خوشبینانه و امیدوارانه یکی از شرایط اصلی مقابله با جنگ نرم است.
- ۱۵- دوری از افراط یکی دیگر از شرایط اصلی مقابله با جنگ نرم است.
- ۱۶- مدبرانه و فکورانه فکر کردن و رفتار کردن.
- ۱۷- تندروی، افراط و تفریط در قضایا نشود.
- ۱۸- درک مسائل کلان کشور.
- ۱۹- شناسایی درست دشمن.
- ۲۰- کشف اهداف دشمن.
- ۲۱- طراحی کلان و حرکت در مسیر مقابله با دشمن.
- ۲۲- توجه جوانان دانشجو نسبت به مسائل کشور و اینکه در فتنه‌ها چه

باید بکنند.

۲۳- قدرت تحلیل دادن به دانشجویان.

۲۴- توان و نشاط کار بخشیدن به دانشجویان از طریق امید دادن به آنان.

۲۵- توجه به این نکته که یأس از آینده، سم مهلک همه‌ی فعالیتهاست.

۲۶- توجه به این واقعیت که امید، آن نیروی عظیمی است که انسان را

پیش می‌برد.

۲۷- محیط را برای دانشجوی، محیط نشاط، امید و حرکت به جلو قرار دادن.

۲۸- میدان دادن به دانشجوی برای اظهار نظر.

۲۹- تلاش در جهت تحقق و تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاهها

و توجه به مزایای این کار.

۳۰- بوجود آوردن کرسی آزاد فکری سیاسی و معرفتی در دانشگاه.

۳۱- انجام نقد و مباحثه در کرسی‌های آزاداندیشی با هدف نمایان شدن

حق.

۳۲- توجه به این نکته که ایجاد فضای آشفته‌ی ذهنی با لفاظی‌ها هیچ

کمکی به پیشرفت کشور نمی‌کند.

۳۳- توجه به این نکته که چیزی که به پیشرفت کشور کمک می‌کند، آزادی

واقعی فکرهاست.

۳۴- آزادانه فکر کردن و طرح نظریات و تترسیدن از هو و جنجال.

۳۵- تشویق نشدن و جوگر نشدن در برابر کف زدن‌های معاندان نظام.

۳۶- بحث منطقی کردن و شنیدن سخنان دیگران و انتخاب بهترین آن‌ها.

۳۷- فکر و مطالعه روی عملکرد دستگاههای تبلیغاتی دنیا و فهم اهداف

آنها.

۳۸- توجه به این نکته که آماج بسیاری از توطئه‌ها، علم و اهل علم و

دانشجویان هستند.

- ۳۹- جلوگیری از اثرگذاری توطئه‌های دشمن در محیط‌های علمی.
- ۴۰- جلوگیری از توقف کار علمی.
- ۴۱- اهمیت دادن به مسئله‌ی علم، تحقیق، پژوهش، پیشرفت، نوآوری و شکستن مرزهای علمی موجود.
- ۴۲- توجه به این نکته که بدون انواع دانش، اقتدار کشور امکانپذیر نیست.
- ۴۳- توجه به این نکته که علم مصونیت می‌آورد، اقتدار می‌آورد.
- ۴۴- جلوگیری از ایجاد اختلال در دانشگاه.
- ۴۵- بدبینی به دست‌هایی که در دانشگاه اختلال ایجاد می‌کنند.
- ۴۶- حفظ آرامش.
- ۴۷- شناسایی و معرفی افرادی که در دانشگاه منشأ فسادند.
- ۴۸- شناسایی ارتباطات و جهتگیری اغتشاشگران در دانشگاه با حفظ آرامش.
- ۴۹- مدیریت و اعمال قدرت و برنامه‌ریزی در جهت ممانعت از سوءاستفاده‌ی جریانها، گروهها و عناصر سیاسی از دانشگاه.
- ۵۰- مراقبت از این که فضای ابراز تمایلات و کارهای سیاسی در دانشگاه وسیله‌ای برای سوء استفاده‌ی دیگران و دشمنان نشود.
- ۵۱- بیداری و غفلت نکردن در برابر دشمن.
- ۵۲- محفوظ نگه داشتن محیط دانشگاه از آسیب‌های فتنه.
- ۵۳- توجیه دانشجوی و توجیه بعضی از اساتید در شرایط فتنه.
- ۵۴- تأکید هرچه بیشتر بر بصیرت به عنوان نورافکن، قبله‌نما و قطب‌نما.
- ۵۵- بصیرت شرط لازم است، بدون آن دشوار می‌توان با موفقیت به هدف رسید.

- ۵۶- هم بُعد اصولی و زیرین بصیرت یعنی نگاه توحیدی و نظام‌مند به جهان و هم بُعد بصیرت در حوادث یعنی سطحی عبور نکردن و عامیانه نگاه نکردن به حوادث را باهم بایستی داشت.
- ۵۷- چشم و گوش را نبایستی روی حقایق بست.
- ۵۸- قانون راه هر چیز را مشخص کرده است، بایستی به آن پایبند بود.
- ۵۹- باید فضا و محیط پیرامونی را هم با بصیرت کرد و قضایا را برای دیگران هم روشن نمود.
- ۶۰- توجه به این نکته که دشمن همیشه باطل و حق را درهم می‌آمیزد تا تشخیص راه درست مشکل شود.
- ۶۱- علاوه بر بصیرت، بایستی دارای عزم و اراده در اظهار حق و ایستادگی در موضع حق بود.
- ۶۲- بایستی عوامل ممانعت از اظهار حق و ایستادگی بر آن را از میان برداشت.
- ۶۳- حکم معاند با حکم غافل متفاوت است، همه را به یک گونه نباید محکوم دانست.
- ۶۴- دشمن را بشناسید و به ظواهر او فریب نخورید.

وظایف استنباطی:

- ۱- دشمن بدنبال نشانه‌هایی از داخل است تا از فرصت استفاده و نقشه خود را دنبال کند به این حقیقت باید توجه داشت.
- ۲- در مقابله با طراحی‌های دشمن، بایستی با هوشیاری و تدبیر عمل کرد. واکنش‌های احساسی و بی‌صبرانه موجب اشتباه و خسارات و هزینه بیشتر می‌شود.

- ۳- مقابله با جنگ نرم دشمنان وظیفه همگانی است لیکن برخی اقشار از جمله دانشجویان در این زمینه، وظیفه مهمتری برعهده دارند.
- ۴- مقابله با جنگ نرم نبایستی دانشجویان را از تلاش در پیشرفتهای علمی، پژوهشی، نوآوری و جنبش نرم‌افزاری بازدارد.
- ۵- پرهیز از افراط و تندی و همراه کردن تصمیم‌گیریه‌ها و اقدامات با تدبیر و تفکر لازمه مبارزه اصولی با جنگ نرم است.
- ۶- رسالت در قبال انقلاب اسلامی با بی‌تفاوتی، یأس و ناامیدی، تناسبی ندارد.
- ۷- لازمه حضور فعال در انقلاب اسلامی، داشتن قدرت تحلیل و درک و شناخت دشمنان و اهداف آنهاست.
- ۸- فراهم نشدن کرسیهای آزاداندیشی و امکان اظهارنظر در محیطهای تخصصی، سبب می‌شود که مسائل در محیطهای عمومی مطرح و آسیبها و ضایعات بیشتری وارد شود.
- ۹- تشکیل ندادن کرسیهای آزاداندیشی، فراهم کردن فرصت برای معاندان و مخالفان و دشمنان نظام برای القاء و تبلیغ اهداف خویش است.
- ۱۰- دشمنان بدنبال ایجاد فضای مجادله و مجامله و جنجال هستند تا امکان فهم و فرصت فکر کردن برای یافتن حق، فراهم نشود.
- ۱۱- دشمنان دوست دارند با اختلال در محیطهای علمی و دانشگاهی، روند پیشرفت علمی و پژوهشی کشور را مختل و اقتدار نظام را کاهش دهند باید از تحقق این مسأله جلوگیری کرد.
- ۱۲- کسانی که به اختلال در محیطهای علمی و دانشگاهی می‌پردازند، همسو با دشمن حرکت می‌کنند و بایستی شناسایی شوند.
- ۱۳- دانشجویان در دانشگاهها وظیفه مراقبت و پاسداری از انقلاب

- اسلامی و دستاوردهای آن را به عهده دارند.
- ۱۴- دانشجویان در دانشگاهها وظیفه همکاری و هماهنگی با مسؤولین مختلف نظام برای شناسائی مفسدین و اجرای قانون را دارند.
- ۱۵- بایستی بین روح و نشاط سیاسی با سیاست‌بازی و عرصه تاخت و تاز گروههای سیاسی تفاوت و مرز قائل شد.
- ۱۶- نبایستی تحت عنوان «سیاسی شدن» اجازه سوء استفاده به گروهها و جریانهای سیاسی را دارد.
- ۱۷- خودداری از تکرار دشمنیهای دشمن در هر فرصت مناسب، سبب خواب رفتگی و غفلت از دشمن می‌شود. مرتب باید دشمن و دشمنی‌های او تکرار و تذکر داده شود.
- ۱۸- در خطا و خیانت، نیت فرق می‌کند اما نتیجه یکی است. باید سعی کرد که مرتکب خطاهایی که مثل خیانت ضربه می‌زنند، نشد.
- ۱۹- علت اصلی اشتباه و خطا و انحراف کسانی که در فتنه فریب خوردند و گرفتار شدند، ضعف در لایه بنیادی بصیرت یعنی ذکر پروردگار، غفلت از مرگ و قیامت بود.

وظایف طلاب و روحانیون و مبلغان

وظایف تصریحی:

- ۱- توجه به این نکته که مهمترین برهه‌ای و زمانی و مکانی که تبلیغ، آنجا معنا می‌دهد، جایی است که فتنه وجود داشته باشد.
- ۲- روشنگری و بیان حقیقت در شرایط فتنه.
- ۳- تبیین خطاها و اشتباهات فتنه‌گران و عبرت‌های فتنه برای مردم و صحنه‌گردانان فتنه.

- ۴- تقویت ایمان دینی، تأمین نیازهای فکری و شبهات و سؤالهای نسل جوان.
- ۵- معرفی درست و شایسته و نقش روحانیت در کشور و در مشکلات و گذرگاههای سخت.
- ۶- نسبت به نظام دینی که براساس اسلام پدید آمده است نباید بی‌اعتنا و بی‌تفاوت باشند.
- ۷- در ابواب نسبیّت مانند اقتصاد، مدیریت، جنگ و صلح، مسائل تربیتی و غیر آن، بایستی نظریه‌پردازی نمایند.
- ۸- در باب علوم انسانی، حوزه و روحانیت وظیفه بیشتری برعهده دارند.
- ۹- شناخت شبهات و پاسخ مناسب و بموقع برای پاک کردن غبار از ذهنیت جامعه.
- ۱۰- انقلاب و نظام اسلامی زاده حوزه‌های علمیه است و لذا روحانیت و حوزه‌های علمیه بایستی از نظام حمایت و با آن همکای کنند.
- ۱۱- باید در صحنه‌های سؤالات گوناگون دنیا حاضر باشد، نه غایب و نه منفعل باشد.
- ۱۲- پاسخ به نیازهای گوناگون دنیا، بایستی قوی، منطقی و قانع‌کننده باشد.
- ۱۳- جوانان پرشور و انقلابی حوزه باید مراقب باشند و از افراط و تفریط پرهیز کنند.
- ۱۴- اهانت به مراجع و مقدسات و بزرگان حوزه قطعاً انحراف و خطاست.
- ۱۵- ضمن حفظ شور انقلابی، با مشکلات بسازید، مأیوس و عصبانی نشوید.
- ۱۶- از اتهامات نباید سست شد.

۱۷- رفتار بعضی از کسانی که بنظر شما جای اعتراض دارد شما را عصبانی نکند و از کوره در نبرد.

وظایف استنباطی:

- ۱- بیشترین بار روشنگری جامعه و زدودن آثار فتنه بعهدہ روحانیت است.
- ۲- باید بیشتر روی معنای فتنه، روشهای فتنه‌گری و شیوه‌های عبور از فتنه کار کرد، تا تعیین مصداقهای فتنه‌گران.
- ۳- روشنگری جامعه از لحاظ دینی و ایمانی و شبهات، علاوه بر بیمه کردن انقلاب و نظام، موقعیت و نقش روحانیت و مراجع را تثبیت می‌کند.
- ۴- جامعه بایستی با خدمات و جایگاه روحانیت بخوبی آشنا شود تا تحت تأثیر القائات سوء دشمنان قرار نگیرد. این مهم به عهده همه آگاهان جامعه بویژه روحانیت است.
- ۵- نسبت به نقش حوزه‌های علمیه و روحانیت، شبهاتی توسط دشمن در جامعه منتشر می‌شود که عملکرد روحانیت بایستی آن را خنثی کند.
- ۶- نسبت به ارتباط و همکاری حوزه و روحانیت با دولت نیز شبهاتی مطرح می‌شود که روحانیت بایستی آنها را بشناسد، تحت تأثیر قرار نگیرد و به حمایتها و همکاری خود بیفزاید.
- ۷- روحانیت بایستی پیشرو در حل مشکلات فکری و مدیریتی دنیا باشد.
- ۸- نقد اندیشه‌های رایج دنیا و ارائه نظریات قوی‌تر و منطقی برای اقناع ملت‌های دنیا.
- ۹- انقلابیگری لزوماً با تندروی همراه نیست، منطقی و عقل و درایت باید با انقلابیگری همراه باشد.
- ۱۰- دشمن دوست دارد و تلاش می‌کند تا طلاب و حوزویان را به دو گروه

تقسیم و هریک را متهم به اتهامی کند، باید از این دام با هوشیاری جست.

وظایف بسیج و بسیجیان

وظایف تصریحی:

- ۱- ضرورت آسیب‌شناسی برای خنثی کردن نقشه‌های دشمن.
- ۲- رفع نقصها و آفت‌زدایی جزو واجبات حرکت است.
- ۳- بصیرت مهمترین راهکار مقابله با جنگ نرم.
- ۴- حفظ وحدت و همدلی در برابر کسانی که با اصل انقلاب و استقلال کشور مخالفند.
- ۵- اشتباه نکردن در تشخیص افراد خودفروخته از متن و آحاد مردم.
- ۶- ایمان، بصیرت، انگیزه، رعایت موازین و معیارها را باهم باید داشت.
- ۷- دقت در تشخیص‌ها و تعیین مصداقها.
- ۸- حاکم کردن روحیه بسیجی در کشور.
- ۹- توجه به تنوع عرصه حضور بسیج خصوصاً رویکرد عملی و نوآوری فرهنگی.
- ۱۰- شاخص، سه عنصر بصیرت، اخلاص، عمل بهنگام و به اندازه است آن را باهم توأم کنید.
- ۱۱- قدرت تحلیل و تشخیص باید پیدا کرد.
- ۱۲- شاخص اسلام است نه افراد.
- ۱۳- باید دانست کدام کار درجهت و خط دشمن و کدام کار در ضد اوست.
- ۱۴- لحظه‌ها را باید شناخت و این که کدام کار در کجا باید انجام شود.
- ۱۵- جهاد با نفس یعنی جهاد اکبر برای تأمین سه عنصر شاخص ضروری است.

۱۶- شناخت خطی که دشمن امروز دنبال می‌کند یعنی دگرگون جلوه دادن واقعیات، لازم است.

وظایف استنباطی:

- ۱- باید مانع تردید و دو دلی و بی‌اعتمادی در مردم شد.
- ۲- از هر حرف و حرکتی که دلها را نسبت به هم چرکین می‌کند باید خودداری کرد.
- ۳- اساس و اصل حفظ وحدت است، هر حرکتی با این معیار قابل ارزیابی است.
- ۴- بسیج باید پشتوانه مسئولین رسمی کشور باشد.
- ۵- بسیج که در میدانهای مختلف مجاهدت پیشروست، در بصیرت، اخلاص و عمل بهنگام هم بایستی پیشرو باشد.
- ۶- هریک از سه عنصر بصیرت، اخلاص و عمل بهنگام نباشد، پیدا کردن راه سخت شده و امکان خطا و انحراف افزایش می‌یابد.
- ۷- بسیج در توجیه و روشنگری اذهان عمومی بایستی نقش مهمی همچون مجاهدتهای دیگرش ایفا کند.

وظایف مردم

وظایف تصریحی:

- ۱- شناخت دوست دو دشمن.
- ۲- دوست را با دشمن اشتباه نگرفتن.
- ۳- دوست و شمن را مخلوط نکردن.
- ۴- رفتاری که با دشمن باید داشت نباید با دوست انجام داد.

- ۵- هوشیار و بیدار بودن.
- ۶- حفظ وحدت اصل است.
- ۷- پرهیز از ایرادگیری‌های نابجا.
- ۸- فروع را اصل نکردن.
- ۹- اصول را فراموش نکردن.
- ۱۰- اعتصام به حبل‌الله.
- ۱۱- همدیگر را تحمل کردن.
- ۱۲- همدلی براساس اصول.
- ۱۳- اختلافها و شکافها را نباید بیشتر کرد.
- ۱۴- به کسی نباید بیهوده تهمت زد.
- ۱۵- بایستی با انصاف عمل کرد و با انصاف حرف زد.
- ۱۶- نباید بی‌انصافی و بی‌عدالتی کرد حتی نسبت به دشمن.
- ۱۷- همه در زیر پرچم نظام و جمهوری اسلامی جمع شوید.
- ۱۸- پایبندی به اصول و تحمل اختلاف سلیقه‌ها.
- ۱۹- سوء ظن به هوای نفس خود و فریب نخوردن از آن.
- ۲۰- نباید اختلاف سلیقه‌ها با هوای نفس مخلوط شود.
- ۲۱- توجه به این نکته که همیشه حتی در بهترین شرایط امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و ایران اسلامی هست.
- ۲۲- در عرصه‌ی زندگی سیاسی دچار خواب‌آلودگی نشدن.
- ۲۳- به همدیگر بدبین نبودن و به چشم دشمن به یکدیگر نگاه نکردن.
- ۲۴- بصیرت داشتن.
- ۲۵- اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد.
- ۲۶- بیدار بودن به معنای واقعی کلمه و فریب دشمن را نخوردن.

- ۲۷- تقوا و مراقبت از خود در برابر انحراف و فسادپذیری شخصی.
- ۲۸- مراقبت از همدیگر در برابر انحراف و فسادپذیری شخصی.
- ۲۹- موعظه و نصیحت مسؤولان و خیرخواهی برای مسؤولان.
- ۳۰- گوشزد کردن لغزش‌های مسؤولان.
- ۳۱- به خدا پناه بردن و از خدا کمک خواستن.
- ۳۲- از لغزشهای کوچک و گناهان پرهیز کردن.
- ۳۳- آلت دست فتنه‌گران نشدن و مراقبت از این که به هیچوجه فتنه‌گر نتواند از ما استفاده کند.
- ۳۴- توجه به این نکته که گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است.
- ۳۵- روشننگری و بصیرت در شرایط فتنه وظیفه همگانی است.
- ۳۶- توجه به معنای بصیرت که چه می‌خواهید و چه باید با خودتان داشته باشید. بصیرت قطب‌نماست.
- ۳۷- بصیرت وقتی بود، غبارآلودگی فتنه نمی‌تواند انسان را گمراه کند.
- ۳۸- توجه به این نکته که اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد.
- ۳۹- توجه به این نکته که در زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد.
- ۴۰- ضرورت و لزوم داشتن.
- ۴۰/۱- بصیرت در هدف.
- ۴۰/۲- بصیرت در وسیله.
- ۴۰/۳- بصیرت در شناخت دشمن.
- ۴۰/۴- بصیرت در شناخت موانع راه.

- ۴۰/۵- بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری و برداشتن این موانع.
- ۴۱- روحانیون، دانشگاهی‌ها، متعهدان جامعه به بصیرت اهمیت بدهند.
- ۴۲- جوانان بصیرت خودشان را افزایش دهند.
- ۴۳- تلاش در جهت افزایش و عمق بخشیدن به بصیرت خود.
- ۴۴- تلاش در جهت کسب بصیرت در شناخت دشمن و تشخیص حق و باطل.
- ۴۵- نباید گذاشت حق و باطل مشتبه بشود.
- ۴۶- ادامه وفاداری نسبت به نظام.
- ۴۷- بی‌توجهی به شایعه‌سازیه‌ها، بدبینی‌ها و یاسی که دشمن می‌پراکند.
- ۴۸- تقویت ارتباط و اعتماد به مسؤولین.
- ۴۹- بی‌اعتنایی به زمزمه‌های دشمن در دو توطئه اسلام منهای روحانیت و اسلام منهای سیاست.
- ۵۰- جدی گرفتن وحدت کلمه.
- ۵۱- همبستگی روزافزون با سه قوه.
- ۵۲- توجه به زحمات قوا بویژه قوه مجریه.

وظایف استنباطی:

- ۱- برخورد با اخلاالگران در امنیت عمومی وظیفه نظام است نه مردم.
- ۲- مردم در فتنه‌ها بیشتر شناخت اخلاالگران و اطلاع به مسؤولین نظام را به عهده دارند.
- ۳- اشتباه در تشخیص دوست و دشمن و رفتار نادرست با دوست زمینه را برای اخلاالگران و دشمنان مناسب می‌کند.
- ۴- هر عملی که به وحدت عمومی لطمه وارد کند، نادرست و غلط است.

- ۵- هر عملی که ایجاد اختلاف کند، همسویی با دشمن و آب به آسیاب دشمن ریختن است.
- ۶- اختلافات و تشدید اختلافها در اثر بی‌انصافی و بی‌عدالتی و تهمت زدن بوجود می‌آید.
- ۷- انصاف، عدالت و پرهیز از تهمت زدن، نقشه بعضی‌ها و دشمنی در ایجاد اختلاف و تشدید آن را خنثی می‌کند.
- ۸- هوای نفس است که اختلاف سلیقه‌ها و برداشتها را تبدیل به اختلاف در اصول می‌کند. باید از آن پرهیز کرد.
- ۹- دشمن تلاش می‌کند تا اختلافات در برداشتها را به اختلاف در اصول تبدیل کند. باید مراقب آن بود.
- ۱۰- انتخابات دهم و حوادث پس از آن، تجربه بزرگی است که بایستی آن را جدی گرفت و مانع تکرار آن شد.
- ۱۱- هر وقت حضور ملت، افزایش چشمگیری پیدا می‌کند، دشمن در صدد تغییر آن و ضربه زدن بیشتر برمی‌آید.
- ۱۲- اختلافات زمینه را برای سوء استفاده دشمن و بسیج عوامل فرصت‌طلب، فراهم می‌نماید.
- ۱۳- فساد و انحراف ذره ذره پیش می‌آید با مراقبت و تقوا بایستی از آن پیشگیری و جلوگیری کرد.
- ۱۴- انحراف در عمل، به انحراف در عقیده منتهی می‌گردد و لذا مراقبت بر عمل مانع انحراف در عقیده می‌شود.
- ۱۵- گناه انسان را به وادی نفاق می‌کشاند، لذا منافقین انسانهای گناهکار و فاقد مراقبت و تقوا هستند. عدم مراقبت و تقوا، انسان را به نفاق گرفتار می‌کند.

- ۱۶- آنهایی که سکوت می‌کنند یا کناره می‌گیرند فکر می‌کنند که به حدیث معروف عمل می‌کنند. فهم آنان از حدیث غلط است.
- ۱۷- در شرایط فتنه، آگاهان و نخبگان وظیفه بیشتری در روشنگری به عهده دارند.
- ۱۸- سکوت و کنار کشیدن در شرایط فتنه، کمک به فتنه‌گران در غبارآلودگی بیشتر جامعه است.
- ۱۹- باید در حوادث و اتفاقات اندیشید و فکر کرد تا از فریب خوردن درامان بود.
- ۲۰- اهل سواد و فرهنگ از حوزوی و دانشگاهی باید در افزایش بصیرت جوانان و جامعه، تلاش نمایند.
- ۲۱- باید دشمن را در لباس دوست و باطل را در لباس حق شناخت.
- ۲۲- مهمترین راه نفوذ دشمن و بستر مورد استفاده او، عدم آگاهی و جهل نسبت به دشمن و شیوه‌ها و ابزارهای دشمنی اوست.
- ۲۳- تجربه‌اندوزی و افزایش بصیرت از حوادث و فتنه سال ۸۸.
- ۲۴- افزایش روزافزون معرفت و فهم دینی و آگاهی سیاسی برای خنثی کردن توطئه‌های پیچیده دشمنان.
- ۲۵- تقویت روزافزون اعتماد و ارتباط خود با روحانیت.
- ۲۶- توجه به شاخصها و علائم وحدت کلمه واقعی و اینکه افراد و گروهها تا چه اندازه پایبند به آن باشند.
- ۲۷- نادیده انگاشتن زحمات قوا بویژه قوه مجریه و بی‌انصافی درباره اقدامات دولت، به نفع دشمنان است.

وظایف مسؤولان

وظایف تصریحی:

- ۱- نقش آفرینی همزمان در زمینه‌ی مقابله با افراد مفسد و اغتشاشگر و ضد انقلاب و ضد امنیت و اداره‌ی کشور.
- ۲- مدیریت کشور در شرایط فتنه.
- ۳- جلو بردن کشور و جلوگیری از مخدوش شدن پیشرفت و اقتدار نظام توسط دشمن.
- ۴- انجام دادن وظایف با قدرت، قوت و دقت.
- ۵- اهتمام به رفع عوامل نارضایی و مشکل‌ساز مردم مانند معیشت، اشتغال و دستگاه‌های اداری.
- ۶- هماهنگی و هم‌افزایی دستگاه‌های دولتی.

وظایف استنباطی:

- ۱- مسؤولان نبایستی سرگرم حوادث و اتفاقات شده و از پیشبرد برنامه‌ها و اداره‌ی کشور غافل شوند، این خواسته‌ی دشمن و فتنه‌گران است.
- ۲- مسؤولان برخورد با اغتشاشگران را جدی بگیرند و اجازه ندهند با مخدوش شدن امنیت کشور، برنامه‌های پیشرفت، متوقف شود.

وظایف مطبوعات

وظایف تصریحی:

- ۱- انعکاس قوی حقائق.
- ۲- منصفانه عمل کردن در اصلی فرعی کردن مسائل.

۳- تشخیص مسائل اصلی از فرعی در شرایط فتنه و اهمیت بیشتر قائل شدن برای مسائل اصلی.

۴- چشم خود را روی جرم بزرگ زیر سؤال بردن اصل انتخابات نبندید.

وظایف استنباطی:

۱- روزنامه‌ها بایستی در انتخاب تیترها و انعکاس مسائل، منافع ملی و انصاف در اطلاع‌رسانی صحیح را در نظر بگیرند.

۲- روزنامه‌ها نقش مهمی در روشنگری حقایق و جهتگیری صحیح افکار ملت به عهده دارند. به این نقش باید قوی عمل کنند.

جملات قصار

بصیرت نورافکن است، بصیرت قبله‌نما و قطب‌نماست. ۱۳۸۹/۸/۴
بصیرت، در حقیقت زمینه‌ی همه‌ی تلاشها و مبارزات انسانی در جامعه
است.

۱۳۸۹/۸/۴
لایه‌ی عمیق بصیرت اینکده... سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و
سطحی عبور نکند. ۱۳۸۹/۸/۴
قانون‌شکن‌ترین دولتها امروز دولت آمریکاست، حقیقت قضیه این
است. ۱۳۸۸/۹/۲۲

من هیچ اعتقادی ندارم به دفع؛ من گفتم در نماز جمعه اعتقاد من به
جذب حداکثری و دفع حداقلی است. ۱۳۸۹/۹/۲۲
نظریه‌پردازی در همه‌ی جریانهای اداری یک ملت و یک کشور در
نظام اسلامی بعهده‌ی علماء دین است. ۱۳۸۹/۷/۲۹
دشمنان دو نکته‌ی اساسی را در باب دین دارند... یکی اسلام منهای
روحانیت و... یکی هم اسلام منهای سیاست. ۱۳۸۸/۷/۲۷

عزیزان من؛ شرط اصلی فعالیت شما در این جبهه جنگ نرم یکی‌اش نگاه خوشبینانه و امیدوارانه است. ۱۳۸۸/۸/۴

تقصیر مردم چیست، این مردمی که خیابان محل کسب و کار، محل رفت و آمد آنهاست محل زندگی آنهاست اینها چه گناهی کرده‌اند که ما می‌خواهیم طرفداران خودمان را به رخ آنها بکشیم؟ ۱۳۸۸/۳/۲۹
(نظام سلطه) هرچه بگذرد هم باز بیکار نمی‌ماند مگر آن وقتی که شماها همت کنید، شما جوانها کشور را از لحاظ علمی از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی به نقطه‌ای برسانید که امکان آسیب‌پذیریش نزدیک به صفر باشد. ۱۳۸۸/۶/۴

اعتقاد ما به آزادی یک مسئله تاکتیکی نیست، مسئله واقعی است. آزادی به همان معنایی که جمهوری اسلامی تعریف می‌کند نه به معنایی که غربیها تعریف می‌کنند. ۱۳۸۸/۶/۸
اگر مردم امیدوار نبودند، اگر حسن ظن نداشتند، اگر اعتماد نداشتند، نمی‌آمدند پای صندوق‌ها. ۱۳۸۸/۴/۷

نخبگان و خواص سیاسی بایستی مراقب کار خودشان، حرف زدن خودشان باشند این خطاب به همه نخبگان است. ۱۳۸۸/۴/۷

خیلی باید مراقب باشیم: مراقب حرف زدن، مراقب موضع‌گیری کردن، مراقب گفتن‌ها، مراقب نگفتن‌ها. ۱۳۸۸/۴/۲۹

قانون فصل الخطاب است. قانون را فصل الخطاب بدانید. ۱۳۸۸/۳/۲۹

اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتی آنهایی که رأی نیاوردند اردوکشی خیابانی بکنند... پس چرا انتخابات انجام گرفت. ۱۳۸۸/۳/۲۹

اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند،... چه بخواهند، چه نخواهند، مسؤول خونها و خشونتها و هرج و مرجها، آنهايند.

۱۳۸۸/۳/۲۹

نباید این ملت یکپارچه را دو شقه کرد، تقسیم کرد. ۱۳۸۸/۴/۷

آنچه که بر سر ما از بی قانونی خواهد آمد، بمراتب از این تلخی تحمل

۱۳۸۸/۴/۷

قانون، سخت تر است.

نخبگان و خواص، بیش از مردم نیاز به اصلاح و مراقبت از خود

۱۳۸۸/۴/۷

دارند.

هر کسی امروز جامعه را به سمت اغتشاش و ناامنی سوق بدهد، از نظر

عامه‌ی ملت ایران انسان منفوری است، هر که می خواهد باشد.

۱۳۸۸/۳/۲۹

روشن شدن حقیقت برای انسان، دستاورد تقواست. ۱۳۸۸/۷/۲

در جنگ روانی و آنچه که امروز جنگ نرم گفته می شود در دنیا،

دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می آید که آنها را منهدم

۱۳۸۸/۷/۲

کند.

دشمنان ملت از شفاف بودن فضا ناراحتند، فضای شفاف را

۱۳۸۸/۱۰/۱۹

بر نمی تابند؛ فضای غبارآلود را می خواهند.

اگر باطل، عریان و خالص بیاید، کسانی که دنبال شناختن حق هستند،

۱۳۸۸/۱۰/۲۹

امر برایشان مشتبه نمی شود، می فهمند این باطل است.

۱۳۸۸/۱۰/۲۹

فضای غبارآلود، همان فتنه است.

حرف دوپهلوی زدن از خواص، مطلوب نیست. خواص باید حرف را

- روشن بزنند و مطلب را واضح بیان کنند. ۱۳۸۸/۱۰/۲۹
- دو پهلو حرف زدن، کمک کردن به غبار آلودگی فضاست، این کمک به رفع فتنه نیست. ۱۳۸۸/۱۰/۲۹
- این یک شاخص است، کی به شفاف سازی کمک می کند و کی به غبار آلودگی کمک می کند. ۱۳۸۸/۱۰/۲۹
- وظیفه‌ی مجموعه‌ی فرهنگی و ادبی و هنری هم وظیفه‌ی مشخصی است؛ بلاغ، تبیین، بگویند، خوب بگویند. ۱۳۸۸/۶/۱۴
- بدترین بلایی که ممکن است بر سر یک نسل در یک کشور بیاید، ناامیدی است، یأس است. ۱۳۸۸/۶/۸
- محیط را برای دانشجو، محیط نشاط، محیط امید، محیط حرکت به جلو قرار دهید. ۱۳۸۸/۶/۸
- ایجاد فضای آشفته‌ی ذهنی با لفاظی‌ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمی کند. ۱۳۸۸/۶/۸
- حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می کند. ۱۳۸۸/۸/۴
- ایراد کار بسیاری از کسانی که در لغزشگاههای بی بصیرتی لغزیدند و سرنگون شدند، این است که نگاه نکردند و چشم خودشان را بر حقایق واضح بستند. ۱۳۸۸/۸/۴
- باید بصیرت را محور کار خودتان قرار دهید، مواظب باشید دچار بی بصیرتی نشوید. ۱۳۸۸/۸/۴
- انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگیهای شرایط زمانه

- ۱۳۸۹/۷/۲۹ را درک کند.
- ۱۳۸۹/۸/۳ با چهره‌ها نمی‌شود حق را تشخیص داد.
- باید حق را شناخت، باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل. ۱۳۸۸/۸/۳
- قدرت تحلیل باید پیدا کرد، قدرت تشخیص باید پیدا کرد. ۱۳۸۸/۸/۳
- بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. ۱۳۸۹/۸/۳
- بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. ۱۳۸۸/۷/۱۵

نمایه موضوعی

ابلیس، ۸۱، ۸۲	آبرو، ۲۷، ۳۰، ۵۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۷۳
اجتماعی، ۲۸، ۳۵، ۳۶، ۶۹، ۷۰، ۷۱	آرامش، ۲۳، ۷۹، ۸۰، ۹۷، ۱۸۱
۷۲، ۹۷، ۱۳۰، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۱	آراء، ۳۲
۱۹۰، ۱۶۴، ۱۵۶	آرمانهای انقلاب، ۵۱
اجتهاد، ۱۱۵	آزاداندیشی، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶
اجتهادی، ۱۱۵	۱۸۳، ۱۸۰
احزاب، ۱۳، ۱۴، ۱۷۱	آزادانه، ۷۴، ۷۶، ۱۸۰
احساسات، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۱۵۶، ۱۷۲	آزادی، ۴۴، ۶۹، ۷۴، ۷۵، ۱۴۳، ۱۸۰
اختلاف، ۱۹، ۲۰، ۳۵، ۳۶، ۶۸، ۱۰۶	۱۹۸
۱۰۸، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰	آزادی بیان، ۶۹
۱۴۱، ۱۴۲، ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۸۹، ۱۹۲	آسیب‌پذیری، ۶۴، ۶۷، ۱۷۹
اختلافات، ۳۵، ۱۰۵، ۱۲۴، ۱۴۱	آسیب‌شناسی، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۸۷
۱۴۲، ۱۴۵، ۱۹۲	آفت‌زدائی، ۱۲۱
اخلاص، ۲۵، ۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۳	آگاهان، ۱۰۹، ۱۴۹، ۱۸۶، ۱۹۳
۱۳۴، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۸۷، ۱۸۸	آمریکا، ۳۷، ۴۴، ۴۸، ۶۰، ۶۳، ۷۷
اخلاق، ۵۲، ۵۶	۹۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۲۳، ۱۷۷، ۱۹۷
اخلاقیات، ۸۸	اباحیگری، ۱۵۵

۱۳۱، ۱۸۰، ۱۸۳	اخلا لگران، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۹۱
اعتماد، ۱۹، ۲۲، ۳۲، ۳۳، ۱۲۴، ۱۲۷،	ادبی، ۵۵، ۲۰۰
۱۵۴، ۱۵۸، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۸۸، ۱۹۱،	ارتباطات، ۳۸، ۳۹، ۷۹، ۸۰، ۱۷۴،
۱۹۳، ۱۹۸	۱۸۱
اغتشاش، ۱۷، ۲۲، ۲۳، ۸۲، ۱۰۶،	اردو کشی، ۱۶، ۱۷، ۱۷۲، ۱۹۸
۱۷۲، ۱۷۵، ۱۹۹	اروپا، ۹۳
اغتشاشگران، ۸۰، ۱۶۳، ۱۸۱	اروپائی، ۶۳، ۶۴
اغراض سیاسی، ۸۰	اساتید، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۸۳، ۱۱۳، ۱۱۵،
اغفال، ۳۶	۱۸۱، ۱۱۷
افراط و تفریط، ۶۶، ۶۸، ۱۱۶، ۱۱۷،	استاد، ۷۰
۱۷۹، ۱۸۵	استقلال، ۴۴، ۵۲، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۸۷
افراطی، ۱۴، ۱۵، ۹۵، ۱۷۱	استکبار، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۸، ۶۳، ۱۲۱،
افراطی‌گری، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷،	۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۷۴، ۱۷۷
۱۷۱	اسرائیل، ۱۰۴
افسران جوان، ۶۲، ۶۵، ۶۷، ۷۰، ۱۷۸	اسلام، ۳۴، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷،
افسردگی، ۸۷	۶۹، ۷۵، ۸۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۶،
افغانستان، ۱۳، ۴۲، ۱۰۵	۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۷،
القای بحران، ۳۴	۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸،
القای بن‌بست، ۳۴	۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۷
القاء، ۳۴، ۷۶، ۱۰۹، ۱۸۳	اسلام منهای روحانیت، ۱۵۷، ۱۵۸،
الکترونیکی، ۶۰	۱۹۱، ۱۹۷
امام، ۱۵، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۴۴، ۴۵، ۴۶،	اسلام منهای سیاست، ۱۵۷، ۱۵۸،
۴۷، ۵۴، ۸۵، ۹۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۹،	۱۹۱، ۱۹۷
۱۳۱، ۱۵۴، ۱۷۵	اشغالگران، ۴۲، ۴۴، ۱۷۷
امتحان، ۲۴، ۵۱، ۱۲۸، ۱۳۱	اصحاب فتنه، ۱۳۲
امنیت، ۲۳، ۲۴، ۶۴، ۶۷، ۱۱۱، ۱۳۷،	اصفهان، ۳۴، ۷۷
۱۳۸، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۶، ۱۷۹،	اصول اسلامی، ۳۵
۱۹۱، ۱۹۴	اظهار نظر، ۳۸، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۹۲،

امنیتی، ۵۹، ۶۴، ۶۷، ۱۶۳، ۱۷۹، ۱۹۵	۱۹۸
انقلاب، ۳۱، ۳۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۶، ۷۹، ۸۴، ۹۵، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۴	امید، ۱۸، ۱۹، ۳۲، ۳۳، ۴۰، ۶۰، ۶۵، ۶۷، ۷۱، ۷۳، ۸۷، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۹۸، ۲۰۰
انقلاب اسلامی، ۲۹، ۵۴، ۷۳، ۸۰	امیدافزا، ۳۳
انقلابی، ۴۷، ۹۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۷۵، ۱۸۵، ۲۰۰	امیدبخش، ۳۲
انگلیس، ۳۷، ۴۴، ۴۸، ۱۷۷	امیدوارانه، ۶۵، ۶۷، ۸۷، ۱۷۹، ۱۹۸
انگیزه‌های شخصی، ۱۲۹	امیرالمؤمنین، ۴۰، ۸۲، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۲۸
انگیزه‌های فامیلی، ۱۲۹	۱۵۳، ۱۴۸، ۱۳۷
انگیزه‌های گروهی، ۱۲۹	انبیاء، ۵۳
اومانستی، ۹۷	انتخاب، ۱۸، ۲۵، ۳۲، ۴۶، ۵۵، ۷۵، ۷۶، ۸۶، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۹۵
اهل سنت، ۱۳۲	انتخابات، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۶، ۵۲، ۵۹، ۶۰، ۶۶، ۷۵، ۸۲، ۹۲، ۱۲۲
اهل فتنه، ۲۸، ۳۰، ۱۷۳	۱۲۴، ۱۳۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۸
ایران، ۲۲، ۳۲، ۳۷، ۴۰، ۶۰، ۷۷، ۹۶، ۹۷، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۸۹	انتقادی، ۷۴
ایمان، ۱۹، ۱۰۹، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۵۵، ۱۸۵، ۱۸۷	انحراف، ۱۸، ۶۹، ۹۹، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۳۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۲
اینترنت، ۳۴، ۱۳۰، ۱۵۷	انسانگرا، ۹۷
باب‌المنذب، ۶۳	انسانیت، ۲۲، ۸۸، ۹۷
بابصیرت، ۹۴، ۹۸، ۱۵۰، ۱۸۲	انصاف، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۷۰، ۱۸۹، ۱۹۲

بی بصیرتی، ۳۸، ۵۳، ۵۵، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۷، ۱۵۳، ۱۷۷، ۲۰۰	باطل، ۴۰، ۴۱، ۹۴، ۹۸، ۱۰۷، ۱۲۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۸۲، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۱
بیداری، ۶۱، ۸۳، ۸۴، ۱۴۴، ۱۷۸، ۱۸۱	بدبینانه، ۳۳، ۶۵
بیداری اسلامی، ۸۴	برادری، ۱۸
بی قانونی، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۱۰۵، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۹۹	برنامه ریزی، ۴۵، ۶۰، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۱۱۲، ۱۸۱
بین المللی، ۲۲، ۳۸، ۵۹، ۶۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۳۲، ۱۶۳، ۱۷۶	بزرگ نمائی، ۳۳
پازل، ۳۱، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۱۷۴، پاکستان، ۱۳	بسبج، ۱۶، ۱۰۴، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۲
پرچم بصیرت، ۱۲۸، ۱۲۹	بسیجیان، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۸۷
پژوهش، ۶۴، ۶۷، ۷۷، ۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، یویائی، ۳۴	بصیرت، ۲۹، ۳۰، ۳۸، ۳۹، ۶۵، ۷۰، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۶، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱
پیشرفت، ۱۸، ۲۳، ۳۲، ۳۳، ۴۰، ۵۶، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۹۳، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۹۴، ۲۰۰	بلند مدت، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۸۴، ۸۵، ۱۷۹، بلوا، ۳۶، ۳۸
پیغمبر، ۲۸، ۸۲، ۹۱، ۱۰۳، ۱۲۸، ۱۵۰، تبریز، ۳۴	بمباران، ۷۷، ۱۳۳
تبلیغ، ۲۷، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۷۶، ۷۹، ۹۳، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۸، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۸۴	بهائیت، ۱۵۵
تبلیغات، ۳۱، ۳۴، ۳۸، ۳۹، ۴۲، ۵۴، ۹۳، ۹۴، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۷۴	بی انصافی، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۹، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۳
تبیین، ۴۱، ۴۳، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۶۲	

تنزّه‌طلبی، ۹۵	۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۸،
تنگه‌ی هرمز، ۶۳	۱۸۴، ۲۰۰
توطئه، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۹، ۶۴، ۷۶،	تجربه، ۳۱، ۳۳، ۶۶، ۶۹، ۷۴، ۱۴۲،
۷۸، ۱۰۵، ۱۵۸، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۸۰،	۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۸، ۱۹۲، ۱۹۳،
۱۸۱، ۱۹۱، ۱۹۳	تجمع، ۱۶
توطئه‌ای، ۲۹	تجمعات، ۱۶
توطئه‌ی، ۳۱، ۱۳۷	تحركات، ۱۴۷
تهران، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۳۴، ۶۰، ۷۴،	تحركاتی، ۶۰
۸۱، ۸۳، ۱۴۷	تحقیق، ۶۴، ۶۷، ۷۷، ۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱،
تیراندازی، ۸۲	تدبیر، ۳۱، ۳۹، ۶۱، ۶۲، ۱۵۵، ۱۷۳،
ثروت، ۲۳، ۷۷، ۹۷، ۱۶۴	۱۷۸، ۱۸۲
جامعه، ۱۴، ۲۲، ۲۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸،	تردید، ۳۲، ۳۶، ۴۷، ۱۰۴، ۱۲۲، ۱۲۴،
۴۲، ۸۹، ۹۱، ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹،	۱۲۵، ۱۲۷، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۷۵، ۱۸۸،
۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۲۹،	۲۰۱
۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۷،	ترس، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۱۷۳، ۱۷۶،
۱۷۲، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۷،	ترسها، ۲۷، ۳۰، ۱۷۳،
۱۹۹	ترور، ۱۶، ۱۷، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۷۲،
جانبازان، ۵۱	تشخص بسیجی، ۱۲۷
جدول، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۱۷۴	تفاهم، ۱۸، ۱۷۲
جریان‌ات سیاسی، ۱۳، ۳۸	تفرقه، ۳۴، ۳۵، ۱۳۸
جمعیتها، ۳۵	تفکرات فلسفی، ۹۷
جمهوری اسلامی، ۳۱، ۳۷، ۴۲، ۴۳،	تقلب، ۹۲
۴۴، ۶۲، ۶۳، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۷۶، ۱۰۶،	تقوا، ۲۷، ۳۰، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۷۶،
۱۱۳، ۱۲۱، ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۵۶،	۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۹
۱۶۳، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۹، ۱۹۸،	تلویزیون، ۳۲، ۳۴، ۵۴، ۹۲
جمهوریت، ۴۲، ۴۳، ۱۷۴	تمایلات سیاسی، ۸۱
جنبش نرم‌افزاری، ۶۴، ۶۷، ۶۸، ۱۷۹،	تندروی، ۶۶، ۶۸، ۱۱۸، ۱۷۹، ۱۸۶،

حقیقت، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۶، ۴۵، ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۶۲، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۵۳، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۷، ۱۹۹	۱۸۳
حکمت، ۹۱	جنگ روانی، ۳۱، ۱۹۹
حوزه‌های علمیه، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱	جنگ مسلحانه، ۸۸
۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۸۵	جنگ نرم، ۳۱، ۴۰، ۵۴، ۵۶، ۶۲، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۹۳، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۹، ۱۹۸
۱۸۶	جنگ نظامی، ۳۱
خاورمیانه، ۱۳، ۶۳	جنگ و صلح، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۸۵
خبرگان، ۲۹، ۳۴، ۳۹، ۱۴۹	جوان، ۲۰، ۳۳، ۳۴، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۰، ۷۱، ۸۰، ۸۱، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۷۲، ۱۷۸، ۱۸۵
خشونت‌ها، ۱۴، ۱۹۹	جوانان، ۶۹، ۷۳، ۹۷، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۱، ۱۹۳
خشیت، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۱۷۳	جوانها، ۱۶، ۱۹، ۳۳، ۶۲، ۶۴، ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۸۵، ۹۴، ۹۶، ۱۱۶، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۹۸
خطا، ۴۶، ۴۳، ۴۴، ۸۳، ۸۴، ۹۵، ۹۹، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۸	جهاد، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۸۷
خلیج فارس، ۶۳	حبل‌الله، ۱۳۹، ۱۸۹
خواب رفتگی، ۸۴، ۱۸۴	حزب‌اللهی، ۱۶
خواص، ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۲۳، ۱۵۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۹۸، ۱۹۹	حق، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۵۴، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۹۴، ۹۵، ۹۸، ۱۰۷، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۹
خوشبینانه، ۶۵، ۶۷، ۱۷۹، ۱۹۸	خیانت، ۸۴، ۱۸۴
خوشبینی، ۶۵، ۸۲	
خوف، ۲۸، ۳۰، ۱۷۳	
خونها، ۱۴، ۱۹۹	

۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱،	خیانتها، ۸۲
۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱،	دانش، ۷۷، ۷۸، ۹۷، ۱۵۶، ۱۸۱
۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۰،	دانشجو، ۶۱، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۴،
۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷،	۸۱، ۸۳، ۱۰۶، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۲۰۰
۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳،	دانشجوها، ۱۶، ۶۰، ۷۹
۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹،	دانشجویان، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۵، ۶۶
۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷،	۶۷، ۶۸، ۷۳، ۷۶، ۷۸، ۸۰، ۹۷، ۱۷۸،
۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳،	۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴
۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۱،	دانشگاه، ۱۶، ۵۹، ۶۱، ۶۴، ۶۷، ۷۰،
دشمنان، ۲۴، ۳۱، ۳۸، ۴۰، ۴۳، ۴۴،	۷۱، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱
۴۵، ۶۱، ۶۷، ۶۸، ۷۱، ۷۴، ۷۶، ۷۸،	۸۳، ۸۵، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱
۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷،	دانشگاه امیرکبیر، ۷۴
۱۱۰، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۴،	دانشگاه تهران، ۷۴، ۸۱، ۸۳
۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹،	دانشگاه شریف، ۷۴
۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۶،	دانشگاهی، ۳۵، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱
۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۹،	۱۵۱، ۱۵۲، ۱۸۳، ۱۹۱، ۱۹۳
دشمنی، ۱۹، ۳۱، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۹۳،	دانشگاهیان، ۶۹
۱۱۲، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۴، ۱۷۴، ۱۷۵،	دانشمندان، ۳۲، ۱۰۴، ۱۱۲
۱۸۴، ۱۹۲، ۱۹۳،	داوری، ۲۷
دفاع مقدس، ۵۱	دریای سرخ، ۶۳
دموکراسی، ۹۷	دشمن، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۷،
دو پهلوی، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۱۷۴، ۱۹۹،	۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸،
۲۰۰	۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۵۳،
دیپلماسی، ۱۴	۶۱، ۶۲، ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۷،
ذهنیت جامعه، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۸۵،	۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶
رئیس جمهور، ۱۰۴، ۱۲۴	۸۷، ۹۰، ۹۳، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۳،
رئیس جمهوری، ۳۲	۱۰۶، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۳،

۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۵	راهپیمایی، ۱۶
زورگوئی، ۷۷	رای، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۳۲، ۴۲، ۵۹
ساده لوح، ۸۴	۹۸، ۱۲۵، ۱۳۹، ۱۵۶، ۱۷۲، ۱۸۲
ستمگران، ۲۲، ۱۷۶	۱۹۸
سرخوردگی، ۸۷	رزمایش، ۵۲
۱۸۲، ۱۱۷، ۹۸، ۹۰، ۸۹، ۳۵، ۱۵۵	رزمایشها، ۵۲
سعه‌ی صدر، ۱۴، ۱۵، ۱۷۱	رژیم غاصب صهیونیست، ۴۴
سلائق سیاسی، ۳۵، ۱۷۴	رسانه، ۱۲۴، ۱۴۳
سلمان رشدی، ۱۵۵	رسانه‌ای، ۳۸، ۳۹، ۶۰، ۶۳، ۶۷، ۱۷۴
سند چشم‌انداز، ۳۳	۱۷۹
سیاست، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۱۳۲، ۱۵۷	رشد کمی، ۱۲۸
۱۵۸، ۱۸۴، ۱۹۱، ۱۹۷	رشد کیفی و معنوی، ۱۲۸
سیاست بین‌المللی، ۱۳۲	رشوه، ۹۶
سیاست خارجی، ۱۳۲	رقاص، ۴۴
سیاسی، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۲۱، ۲۵، ۲۸	رمز، ۷۶
۳۲، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۵۳، ۵۹، ۶۴	روحانیت، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۳
۶۵، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۵	۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۸۵
۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۹۳، ۱۱۰	۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۷
۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۲	روحانیون، ۷۹، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۰۹
۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۳	۱۵۲، ۱۵۷، ۱۸۴، ۱۹۱
۱۶۴، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۴	روح سیاسی، ۸۰
۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۸، ۱۹۹	روحی، ۲۸
سیاسی‌بازی، ۲۵، ۱۷۳، ۱۷۶	رودربایستی، ۴۵، ۶۹، ۱۲۹
سیاسی‌کاری، ۲۵، ۱۷۳	روز قدس، ۳۴، ۴۴، ۴۶
سیاسیون، ۱۳، ۱۴، ۱۷۱	روشنفکران، ۱۰۹
شاخص، ۲۴، ۲۵، ۴۲، ۱۰۷، ۱۲۸	روشنگری، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷
۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۷۳، ۱۸۷، ۲۰۰	۱۰۸، ۱۱۰، ۱۳۴، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۷۰

۱۵۶	شاخص بصیرت، ۱۲۸
صفا، ۱۸، ۱۲۵، ۱۷۲	شاعر، ۵۳، ۵۲
صفین، ۹۰، ۱۴۸	شبهات، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳
سندوقهای رأی، ۱۳، ۱۵، ۱۵۶	۱۸۶، ۱۸۵
ضد انقلاب، ۹۵، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۹۴	شجاعت، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۷، ۱۷۳
طاغوت، ۴۵	شرط کافی، ۸۶، ۹۵
طلّاب، ۷۹، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۴، ۱۸۶	شرط لازم، ۸۴، ۸۶، ۹۵، ۹۸، ۱۸۱
طلبه‌ها، ۶۵	شعار، ۱۶، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷
عافیت‌طلبی، ۹۵	۵۱، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۳۱، ۱۷۴، ۱۷۵
عامیانه، ۸۹، ۹۸، ۱۸۲، ۱۹۷	۱۷۷
عبدالله بن مسعود، ۱۰۳، ۱۴۸	شعرا، ۴۹، ۵۵، ۱۷۷
عثمان، ۹۱	شعر انقلاب، ۵۱
عدالت، ۵۱، ۶۵، ۸۸، ۱۴۱، ۱۹۲	شعرهای آیینی، ۵۱
عراق، ۱۳، ۴۲، ۱۰۴، ۱۰۵	شعرهای مذهبی، ۵۱
عرفانهای کاذب، ۱۵۵	شفاف، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۱۰۳، ۱۷۴
عقل، ۲۵، ۴۱، ۴۵، ۱۰۵، ۱۱۸، ۱۷۳	۱۹۹، ۲۰۰
۱۷۶، ۱۸۶	شفاف‌سازی، ۴۲، ۴۳، ۱۷۴، ۲۰۰
عقلانی، ۲۵، ۱۱۷	شمال آفریقا، ۶۳
عقلانیت، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۱۷۷	شهادت، ۱۲۹
عقل‌گرایی، ۲۵، ۱۷۶	شهووات نفسانی، ۹۵
علم، ۲۳، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۷۶، ۷۷، ۷۸	شهید، ۱۲۹
۱۲۵، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱	شیخ انصاری، ۶۵
علماء، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۹۷	شیطان، ۸۱، ۸۲
علمی، ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۴	شیطان‌صفتها، ۸۱
۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۱، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹	شیعه، ۱۳۲
۸۸، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۶۳	صراحت، ۴۱، ۴۳، ۱۷۴، ۱۷۷
	صریح، ۱۸، ۴۰، ۴۲، ۵۳، ۶۰، ۹۴

فتنه‌گر، ۴۱، ۱۰۹، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۸۶، ۱۹۰	۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۹۸
فتنه‌گران، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۴۹، ۱۶۴	عمار یاسر، ۱۴۸
۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۴	عمل بهنگام، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۴
فتنه‌گون، ۵۳، ۵۵، ۱۷۷	۱۸۸، ۱۸۷
فرانسه، ۴۴، ۴۸، ۱۷۷	عناصر سیاسی، ۸۰، ۸۳، ۱۸۱
فرقان، ۲۷	عنصر بدخواه، ۱۲۳
فرهنگ، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۱۵۰، ۱۵۲	عنصر خائن، ۱۲۳
۱۷۷، ۱۹۳	غبارآلود، ۴۰، ۴۱، ۱۰۷، ۱۹۹
فرهنگی، ۵۳، ۵۵، ۸۵، ۱۲۲	غبارآلودگی، ۲۴، ۴۲، ۴۳، ۱۰۳، ۱۰۷
۱۲۵، ۱۲۶، ۲۰۰	۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۹۰
فسادپذیری، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۹۰	۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۱
فصل الخطاب، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۷۲	غربی، ۱۱۱
۱۷۵، ۱۹۸	غربی‌ها، ۶۹، ۹۳، ۱۹۸
فقیهانه، ۲۶	غفلت، ۱۴، ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۶۱، ۸۱
فکر نو، ۱۱۴	۸۲، ۸۳، ۸۴، ۹۳، ۹۵، ۹۹، ۱۴۳
فکوران، ۶۶، ۶۸، ۱۷۹	۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۴
فلسطین، ۴۲، ۴۴، ۴۷	غفلت‌زدگی، ۶۱، ۱۷۸
فهم، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۹، ۵۵، ۷۶	فتنه، ۱۴، ۲۸، ۳۰، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳
۸۶، ۱۳۰، ۱۴۹، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۷۳	۵۵، ۶۷، ۸۳، ۸۴، ۹۲، ۹۶، ۹۹، ۱۰۳
۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۹۳	۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۳۱
قانون، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۴۶	۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱
۷۹، ۸۰، ۸۷، ۹۲، ۹۸، ۱۰۴، ۱۰۵	۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۱
۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۸۲	۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۴
۱۸۴، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹	۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵
قانون‌شکن، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۹۷	۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱
قانونی، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۹۲، ۱۰۵	فتنه‌آفرین، ۴۷، ۱۷۵
	فتنه‌انگیز، ۱۰۵

ماهورهای، ۶۰	۱۷۲، ۱۷۵، ۱۹۹
میلغان، ۱۰۱، ۱۸۴	قبله‌نما، ۸۶، ۹۸، ۱۸۱، ۱۹۷
مجدله، ۷۴، ۷۶، ۱۸۳	قدرت الهی، ۲۹
مجامله، ۷۶، ۱۸۳	قدرت تحلیل، ۷۱، ۷۳، ۱۲۹، ۱۳۳
محاسبه، ۱۵، ۱۶، ۲۷، ۳۸، ۷۵، ۱۷۵	۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۷، ۲۰۱
محبت، ۱۸، ۱۷۲	قرآن، ۷۵، ۸۱، ۸۲، ۹۰، ۹۱، ۱۳۹
محققان، ۱۱۲	۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۵
محیط فتنه، ۴۲	قطب‌نما، ۸۶، ۹۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۸۱
مخاطبان، ۲۹، ۳۰، ۹۴، ۱۷۳	۱۹۰
مخالفتان، ۴۷، ۷۶، ۱۷۵، ۱۸۳	قم، ۹۷، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵
مدبرانه، ۶۶، ۶۸، ۱۷۹	۱۱۷، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۵
مدد الهی، ۳۱	کارهای سیاسی، ۸۱، ۸۳، ۱۸۱
مدیترانه، ۶۳	کانال سوئز، ۶۳
مدیریت، ۸۱، ۸۳، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۵۰	کانونهای فکر، ۸۵
۱۶۳، ۱۶۴، ۱۸۱، ۱۸۵، ۱۹۴	کرمان، ۳۴
مراجع معظم، ۱۰۹	کلیسا، ۱۵۵
مراکز پولی، ۶۳	کمک الهی، ۳۱
مراکز سیاسی، ۸۵	کودتا، ۱۲۱
مراکز فکر، ۸۵	کهریزک، ۵۹
مراکز هسته‌ای، ۷۷	گروههای سیاسی، ۳۸، ۸۰، ۸۳، ۱۸۴
مردم، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰	گناه، ۲۲، ۲۴، ۹۳، ۱۰۷، ۱۴۶، ۱۴۷
۲۱، ۲۲، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴	۱۷۶، ۱۹۲
۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۰، ۴۷، ۵۶، ۵۹، ۶۰	لبنان، ۱۳۲
۶۹، ۷۲، ۸۲، ۹۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶	لجاجت، ۹۵
۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴	لغزشها، ۷۲، ۹۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷
۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳	۱۹۰
۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۵۱	لیبرالیسم، ۹۷

مطرب، ۴۴	۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷
معاند، ۴۱، ۷۶، ۹۶، ۹۸، ۱۲۲، ۱۸۰	۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۱
۱۸۲	۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸
معاویه، ۹۰، ۹۱	۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۸
معرفت الهی، ۸۸	۱۹۹، ۲۰۱
معرفت مادی، ۸۸	مردم‌سالاری، ۱۷، ۱۷۲
معنوی، ۲۸، ۳۱، ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۲۸	مرزشان، ۴۰، ۴۲
۱۵۶، ۱۹۹	مسئله‌ی اصلی، ۵۹، ۱۶۹
معیار، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۹، ۴۲	مستکبران، ۴۳، ۱۷۷
۴۶، ۵۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۷۲	مستمعان، ۲۹، ۳۰، ۱۷۳
۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۸۸	مسجد ضرار، ۶۵
مفاهیم توحیدی، ۸۶	مسلمانها، ۳۶، ۹۱، ۱۰۶، ۱۳۲
مقاومت، ۷۹	مسیحی، ۱۳۲
ملاک، ۲۴، ۲۵، ۴۶، ۱۳۹، ۱۷۳	مسئولان، ۱۹، ۲۰، ۱۱۱، ۱۴۳، ۱۴۵
ملت، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۴، ۳۷	۱۴۷، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵
۴۰، ۴۵، ۵۱، ۵۶، ۶۰، ۶۷، ۷۹، ۹۲	۱۹۰، ۱۹۴
۹۶، ۹۷، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰	مسئولین، ۳۵، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۱۲۲
۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۷	۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۵
۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۵، ۱۷۰	۱۴۶، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۸۴
۱۷۲، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۷	۱۸۸، ۱۹۱
۱۹۹	مشارکته‌ها، ۳۴
منافق، ۱۲۵، ۱۴۶	مشتبیه، ۴۰، ۴۱، ۱۰۷، ۱۴۸، ۱۵۲
منافقین، ۱۰۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۹۲	۱۵۳، ۱۵۴، ۱۹۱، ۱۹۹
میان‌مدت، ۸۴	مشهد، ۳۴
نالمنی، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۱۷۲، ۱۹۹	مطالعه، ۷۵، ۷۶، ۱۵۵، ۱۸۰
ناظران، ۷۴	مطبوعات، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۵۶، ۱۵۷
نامزدها، ۱۳	۱۶۷، ۱۹۴

- نخیکان، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۶، ۳۸، ۴۳، ۶۱، ۶۲، ۶۶، ۱۴۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۹۳، ۱۹۸، ۱۹۹
- نخبه، ۳۴
- نشاط سیاسی، ۸۳، ۱۸۴
- نصیحت، ۱۹، ۶۶، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۹۰
- نطنز، ۷۷
- نظام، ۱۹، ۲۲، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۷، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۰، ۸۶، ۹۴، ۹۸، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱
- نظام سلطه، ۶۳، ۱۹۸
- نظریه پردازی، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۸۵، ۱۹۷
- نقاط ضعف، ۳۱، ۳۳
- نقد، ۷۴، ۷۵، ۱۱۶، ۱۸۰، ۱۸۶
- نگاه توحیدی، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۸، ۱۸۲
- نگاه مادی، ۸۶، ۸۸
- نوآوری، ۶۴، ۶۷، ۶۸، ۷۷، ۷۸، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۷
- نومیدانه، ۶۵
- نیازهای فکری، ۱۰۹، ۱۸۵
- نیازهای نو، ۱۱۴
- نیروهای مسلح، ۵۲
- نیروی انتظامی، ۱۶، ۱۶۵
- وحدت، ۳۴، ۳۵، ۳۹، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳
- وظیفه، ۱۳، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۱، ۴۱، ۴۳، ۵۲، ۵۵، ۶۸، ۸۰، ۹۱، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۶۴، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۰۰
- وقت شناس، ۱۳۰
- هالیوودی، ۱۵۵
- هجرت، ۱۲۷
- هرج و مرج، ۱۴، ۱۷، ۱۷۵، ۱۹۹
- هم افزایی، ۱۶۵، ۱۹۴
- هماهنگی، ۴۲، ۸۰، ۱۶۵، ۱۸۴، ۱۹۴
- همبستگی، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۹۱
- همدلی، ۲۲، ۳۵، ۱۲۶، ۱۴۰، ۱۷۲، ۱۸۷، ۱۸۹
- هنرمندان، ۴۹، ۵۶، ۱۷۷، ۱۷۸
- هنری، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۲۰۰

@shenakhte_rahbari

وظایف در شرایط فتنه ۲۱۶

۱۸۷، ۱۸۲، ۱۷۸، ۱۷۱	هواهای نفسانی، ۱۰۳
هویت اسلامی - ایرانی، ۵۲	هوای نفس، ۴۶، ۹۳، ۹۵، ۱۴۲، ۱۸۹،
یأس، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۷۱، ۷۳، ۸۷، ۸۸	۱۹۲
۱۸۰، ۱۸۳، ۲۰۰	هوشمندی، ۶۹
یگان نظامی، ۵۲	هوشیاری، ۱۴، ۶۱، ۶۲، ۱۱۸، ۱۳۷،